

مسائل



مجله تئوریک و اطلاعاتی

۱۳۵۶

هیئت تحریریه و شورای تحریریه مجله
 «مسائل صلح و سوسیالیسم» از نمایندگان احزاب
 کمونیست و کارگری کشورهای زیر ترکیب میشود:
 اتحاد شوروی، اتریش، اردن، آرژانتین، اسپانیا،
 اسرائیل، جمهوری افریقای جنوبی، الجزیره،
 جمهوری دموکراتیک آلمان، جمهوری فدرال
 آلمان، اندونزی، ایالات متحده امریکا، ایتالیا،
 ایران، برزیل، بریتانیای کبیر، بلغارستان،
 بلیوی، پاراگوئه، پاناما، پرتغال، چکسلواکی،
 دانمارک، رومانی، ژاپن، سنگال، سوئد، سودان،
 شیلی، عراق، فرانسه، فنلاند، فیلیپین، قبرس،
 کانادا، کلمبیا، لبنان، لوکزامبورگ،
 مجارستان، مغولستان، ونزوئلا، هندوراس،
 هندوستان، یونان.

خوانندگان عزیز!

باین نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
 10028 Stockholm 49
 Sweden

شماره حساب بانکی جدید مجله

«مسائل بین‌المللی»: Berlin
 Deutsche
 Außenhandelsbank A. G.
 Konto-Nr. 9608-3131-0010

فهرست مقالات این شماره :

نویسندگان مقاله ها	عنوان	صفحه
لئونید برتوف	فصل تاریخی نوین در راه مابسوی کمونیسم	۱۵ - ۳
میخائیل سوسلف	دوران تازه تاریخ جهانی	۲۶ - ۱۱
ایرج اسکندری - جیمس اووست ژیلبرتووی ییرا - پدروماتیا	علیه ایدئولوژی تابع ساختن طبقه کارگر به سیستم سرمایه داری	۲۲ - ۲۷
-	چرا مابسا کمونیست ها هستیم	۳۵ - ۳۳
خوزه سوارش	تنها شق ممکن در قبال فاشیسم	۴۰ - ۳۶
ریکاردو گارسیا	مردم علیه دیکتاتوری	۴۳ - ۴۱
کسارن خاچاتوروف	آئینه کزتمای واقعیت	۵۰ - ۴۴
ریگوبرتو پادیلیا	ورشکستگی رفورمیسم بورژوازی وراهی که کمونیست ها پیشنهاد میکنند	۵۶ - ۵۱
-	پاسخ به نامه یک دوست	۵۶
-	مسابقه تسلیحاتی بجه قیمت تمامپشود	۶۲ - ۵۷

فصل تاریخی نوین در راه مابسوی کمونیسم

لئونید برتوف

دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست
اتحاد شوروی
صدر هیئت رئیسه شورای عالی
اتحاد شوروی

شصتمین سال انقلاب سوسیالیستی اکتبر در تاریخ اتحاد شوروی مقام ویژه ای احراز خواهد کرد . زیرا این سال ۶ سال تصویب قانون اساسی تازه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است . قانون اساسی که در آن نتایج کلی تمام فعالیت انقلابی و دگر سازنده حزب مردم پس از پیروزی اکتبر بازتاب یافته و چشم انداز روشن ساختمان کمونیسم در آینده معلوم و مشخص شده است .
قانون اساسی تازه اتحاد جماهیر شوروی شمر آفرینندگی انبوهترین توده های زحمتکش است . این قانون اساسی تجربه و معلومات واراده آنان و بلاغه شان را برای شکوفائی میهن سوسیالیستی و بنا لرفتن آن و اعتبار جهانی آن منعکس میکند .
لنین بزرگ ضمن تعیین اصول اساسی ساختمان کشور سوسیالیستی میگفت قانون اساسی آن " آنچه را که جریان زندگی تاکنون داده در خود متمرکز میسازد و بنا انطباق عمل آن در زندگی تصحیح و تکمیل خواهد شد " (۱) . آنچه که زندگی طی چهل و چند سالی که از تصویب قانون اساسی پیشین اتحاد شوروی میگذرد بطور عمد به مردم داده است ، ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته و ایجاد نخستین کشور تمام خلق در جهان است .

۱

جامعه سوسیالیستی پیشرفته مرحله قانونمند رشد و تکامل اجتماعی - اقتصاد منظم جد پسند در چهارچوب مرحله (فاز) اول صورت بندی (فورماسیون) کمونیستی است . این جامعه بنا بگفته لنین همان سوسیالیسم کامل استحکام یافته است که گذارتد رنجی به کمونیسم از آن آغاز میگردد . کشور مادر است به چنین مرحله ای از پیشرفت سوسیالیسم دست یافته است .
کلاسیکیها عمارت کسبیم - لنینیسم هنگام پس زدن پرد زمان و ترسیم خطوط کلی سوسیالیسم و کمونیسم فوق العاده احتیاط میکردند . در کارشان نه یک ذره خیال واهی و نه تصورات بی پایه وجود داشت . فقط آنچه را که با استدلال علمی میتوان باثبات رساند ، یعنی گرایشهای عمده و اساسی پیشرفت و تعاریف و خصائص اصلی و اصولی از لحاظ تئوریک روشن بود که گذار از سرمایه داری به کمونیسم

۱ - لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۳۷ ، صفحه ۲۱ .

دوران تاریخی طولی را در بر میگیرد و جامعه نو از یک مرحله رشد و تکامل به مرحله دیگری عتلا مییابد . اما از پیش دانستن اینکه این مراحل بطور مشخص چگونه واهدند بود ، امکان نداشت . فردریش انگلس نوشت که مسئله مراحل گذار به جامعه کمونیستی ، دشوارترین مسئله از تمام مسائل است که وجود دارد " (١) ، برای نخستین بار لنین و کمونیست های روسیه میباید به این سؤال جواب میدهند . معلوم است که پیش از هر چیز توجه لنین به وظائف پلاوا سطره آمدن دوران به ایجاد پایه های نظام اجتماعی نوین معطوف بود . اما افتکار نوایغ همیشه جلوتر از عصر آنهاست . در همان آستانه پیدایش حکومت شوروی ، لنین درباره سوسیالیسم " حاضر و آماده " ، " کامل " و " پیشرفته " بمنزله یک چشم انداز هدف ساختمان سوسیالیستی که آغاز شد ، بود سخن میگفت . همین اندیشه های لنین هم اساس نظریات مربوط به جامعه سوسیالیستی پیشرفته است که با مساعی مشترک حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب برادرانه تهیه و تدوین شده است .

تجربه اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی گواهی میدهد که ایجاد پایه های سوسیالیسم یعنی از بین بردن طبقات استثمارگر و برقراری مالکیت اجتماعی در تمام رشته های اقتصاد کشور هنوز امکان آفریننده است . در مستقیمه کمونیسم را نمیتواند . قبلا باید مراحل معینی از پیشرفت سوسیالیسم برپا میخورد پس شود . در ضمن تجربه نشان داد که رشد و پیشرفت و تکمیل سوسیالیسم وظیفه ایست که کمتر از وجود آوردن پایه های آن بخرنج و پرسر مسئولیت نیست .

این نکته بدیهی است که جامعه کمونیست و تکامل یافته سوسیالیستی باید بر بنیادهای تولیدی فوق العاده پیشرفته ، بر صنایع نیرومند و بر پیشرفت های علمی مکانیزم و مینیاتوری سازی بزرگ کبر اصول جمعیتی (کلتوری) پی ریزی شده مبتنی باشد . اقتصاد شوروی که خواستار لحاظ مقیاس سوخو و از لحاظ تامین شدن با تکنیک لازم با آنچه با چهل سال پیش از این (هنگامیکه بنا سبب تولیدی سوسیالیستی در شهروید میپوشد بود) داشتیم از اینج و بن متفاوت است اینک یک چنین اقتصاد است .

طی این مدت حجم محصول سوانه کشور ١٨ بار ، تا مین انرژی روز افزون لازم برای صنایع تقریباً هشت بار و برای کشاورزی مکانیزه بیش از ١٥ بار افزایش یافته است . اقتصاد امروز کشور ما را بدون انرژی های الکتریکی ، تولید ماشینها ، محاسبه ، مواد نیمه هادی ، بسیاری دیگر از رشته های صنایع که در سال ١٩٣٦ فاقد آنها بودیم ، نمیتوان در نظر مجسم کرد . در حجم کلی تولیدات صنعتی ، سهم رشته های که تعیین کننده ترقی تکنیکی و مرمخشی اقتصاد کشور است ، بیش از سه بار افزایش نشان میدهد .

در مراحل اولیه ساختمان سوسیالیستی مردم شوروی میبایست منابع و نیروی خود را روی مسائل درجه اول اهمیت ، یعنی روی مسائلی که اصولاً موجودیت کشور ما بد آنها بستگی داشت ، متمرکز سازند . ولی امروز در شرایط سوسیالیسم پیشرفته و برپایه رشد مستمر تمام اقتصاد کشور و تفریق انقلاب علمی و فنی بسیار برتریهای سازماندهی سوسیالیستی جامعه ، در بخش چشمگیر اقتصاد در جهت ارضای هر چه کاملتر نیازمندی های گوناگون مادی و فرهنگی مردم امکان پذیر گردید . عبارت دیگر هدف فاشی تولید سوسیالیستی اینک بطور مستقیم و بلاواسطه در مرکز سیاست پراتیک حزب قرار میگیرد . بدین ترتیب برتریهای تاریخی سوسیالیسم بمنزله شیوه تولید و اسلوب زندگی و ماهیت واقعا بشود و ستانمان هر چه کاملاً متروک رخصان تر نمود امر میگردد .

سطح زندگی مادی و معنوی مردم شوروی تغییر کرد و بطور غیر قابل مقایسه ای بالا رفته است . در مقایسه با سال ١٩٣٦ درآمد واقعی مردم بیش از پنج بار افزایش یافته است . سطح دانش و فرهنگ انسان های شوروی بمیزان زیادی بالا رفته است و میباید نیست کمرد مردم شوروی را " کتابخوان ترین مردم جهان " مینامند . در مدارس عالی و متوسطه تخصصی کشور اینک در حدود ١٠ میلیون نفر ، یعنی بیش از هفت بار بیشتر از چهل سال پیش ، تحصیل میکنند و گذار به مرحله تحصیلات متوسطه همگانی بطور عمده ، بپایان رسیده و

١ - مارکس و انگلس ، مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ٣٨ ، صفحه ١٠٨ .

است . فعالیت کارکنان صنایع و کشاورزی تمام مردم شوروی خلاق تر و پر مضمون تر شده است . تا حال چند نسل زحمتکشان کشور ما در شرایط سوسیالیسم پیروز شدند و فارغ از محیط جامعه استثمارگر که روح انسان را در رنج و عذاب خستم و فرسود میکند ، بوجود آمده ، رشد کرده و با روح جمیع گزاشی (کلتوریسم) و همکاری رفیقانه پرورش یافته است . جهان بینی علمی - مادی بطور استوار در ذهن و آگاهی افراد جامعه جایگزین شد .

بطوریکه تجربه نشان میدهد ، در مرحله سوسیالیسم پیشرفته ، سطح جمعی و اشتراکی شدن اقتصاد بمیزان زیادی بالا میروند و شکل مالکیت سوسیالیستی دولتی (تا ماخلق) و کلخوزی - تعاونی هر چه بیشتر و بطور مستمر بیکدیگر نزدیک میگردد ، میشود . خط مشی حزب در جهت تعمیق تخصصی کردن و متمرکز تولید کشاورزی بر پایه ایجاد تعاونی های چیزگتری که رشته های مختلف را در بر میگیرد و بر اساس هم پیوندی کشاورزی - صنعتی ، یعنی خط مشی ای که اندیشه های برنامه تعاونی لنین را در انطباق با شرایط معاصر بسط و تکامل میبخشد ، باین امر رساله های اخیر بطور فعال یاری می رسانند . در حال حاضر در کشور ما بیش از ٧ هزار سازمان واحد تعاونی بزرگ که رشته های گوناگون اقتصاد را در بر میگیرد و کوشش مشترک موسسات دولتی و کلخوزها ایجاد شده ، فعالیت میکنند . این یک پدیده نادر پراتیک اجتماعی - اقتصادی است .

در ساختار اجتماعی جامعه شوروی هم تغییرات عمیق روی داده است . طبقه کارگر شوروی که نیروی رهبری کننده جامعه است امروز ٧٠ میلیون نفر را در بر میگیرد و سوم افراد مشغول بکار را تشکیل میدهد (در حالیکه در سال ١٩٣٦ فقط یک سوم بود) . فعالیت اجتماعی و رشد سیاسی کارگران و اشتراک آنان در اداره امور کشور بطور مداوم و روبه افزایش است . تعداد کارگران میان نمایندگان شوراهای در تمام پراتیک طی چهل سال اخیر ، برابری موهبتی ٤٢ درصد تعدا کل نمایندگان است . آمار کی تخصصی و درجه تحصیلات عمومی کارگران نیز تکامل مییابد . اینک ٧٣٫٢ درصد کارگران دارای تحصیلات عالی و متوسطه (کامل و ناتمام) میباشند ، در صورتیکه چهل سال پیش این رقم کمتر از ٨ درصد بود . در شرایط سوسیالیسم پیشرفته و تحت تاثیر انقلاب علمی - فنی تولید کنندگان طراز نو پدید آمده ، و پرورش مییابند که در فعالیت شان کار جمعی (فیزیکی) و فکری هر چه هماهنگ تر تلفیق پیدا میکند .

در روستا های کلخوزی ماهیته بیبرات اساس پدید آمده است . از لحاظ وضع اجتماعی آنها هر چه بیشتر به طریقه کارگزیند یا ، میشوند و سطح معلومات و شیوه زندگی شان حالا دیگر فرق چندانی با شهریها ندارند . روحیه جمیع گزاشی و وابستگی فراوان به ایدئولوژی و وفاداری وجدان ، به امر سوسیالیسم و کمونیسم از صفات مشخصه روستائیان کنونی است که در کلخوزها پدید آمده و پرورش یافته اند .

سوسیالیسم در انسانهای شوروی احساس صاحبان واقعی کشور را بوجود آورد و در آنها علاقه به فرا گرفتن دانش و مهارت ، لنینی ریهی تمام رشته های زندگی اجتماعی بر مبنای سوسیالیستی را پرورش داد . توده های انبوه زحمتکشان منبع زوال ناپذیر پیشکش کار در های سوسیالیسم اند . اینها کسانی هستند که جزیت و خبرگی و صلاحیت کامل ، در راه سیاسی عمیق ، هم قوی برای احساس آنچه نواست ، توانایی برخوردار شدن از انتقاد میباید که خویش و بدقت بعد از توده ها گویان افراد آن را بطور ارگانیک در خود جمع دارند . در جریان ساختمان سوسیالیسم پیشرفته پایه اجتماعی نظام سوسیالیستی در کشور ما گسترش یافت . اتحاد طبقه کارگر و دهقانان کلخوزی هم در وحدت ایدئولوژیک و سیاسی این طبقات بسیار روشنتر گردان شده ، ای که اینک تمام و کمال در مواضع سوسیالیسم قرار دارند ، بسط و تکامل یافت ، اتحاد خلیل ناپذیر کارگران و دهقانان و روشنفکران و تمام کسانی که بکار جمعی و با فکری اشتغال دارند ، یعنی اتحاد تمام زحمتکشان که در اتحاد شوروی بوجود آمده است از مرمترین منابع و ضامن موفقیت های هر چه بیشتر در ساختمان کمونیسم است .

تشکیل واحد اجتماعی و انتزاع سوسیالیستی که از لحاظ تاریخی پدید آمده است و یعنی پیدایش خلق شوروی از نشانه های مهم سوسیالیسم پیشرفته و شاخص همگونی فزاینده جامعه شوروی و پیروزی سیاست ملی حزب کمونیست اتحاد شوروی است. این بدان معنی است که در کشور ما بتدریج خطوط مشترک رفتار و اخلاق و جهان بینی مردم شوروی اهمیت تعیین کننده پیدا میکند و نه آنچه که وابسته به تفاوت های اجتماعی و ملی است.

در نتیجه نزدیکی اشکال گوناگون مالکیت سوسیالیستی و برطرف شدن تدریجی اختلاف های جدی میان شهروروستا و کارجمی و فکری و هویت تمام زحمتکشان بمواضع ایدئولوژیک و سیاسی طبقه کارگر منافع واقعی و هدف های تمام قشر های اهالی و آرمان های اجتماعی و روحیات آنها در کشور ما بیشتر از هر زمان دیگری بهم نزدیک شده است. ماهیت این تغییرات در فراروش دولت دیکتاتور پرولتاریا به دولت تمام خلقی سوسیالیستی است.

اینها هستند پروسه های عینی که حزب ما را بدین نتیجه رساندند که در اتحاد جماهیر شوروی اینک سوسیالیسم پیشرفته ساخته شده است و یعنی به چنان مرحله و درجه ای از پیشرفت و تکامل جامعه نرسیده است یافته ای که بازسازی مجموع تمام مناسبات اجتماعی بر پایه میانی جمع گرایانه که در فلسف اسر ویژه سوسیالیسم است بنیادین میسرند.

فضای کاملاً باز برای بجریان افتادن قوانین سوسیالیسم و بروز برتری های آن در تمام رشته های زندگی اجتماعی و یکپارچگی ارگانیک و قدرت تحریک سیستم سوسیالیستی و ثبات سیاسی آن و وحدت خلق ناپدید روتین و اینها هستند مهمترین علائم مشخصه جامعه سوسیالیستی پیشرفته. معلوم است که در این مرحله از پیشرفت جامعه نوهم (در ضمن برای زمان درازی) اصل توزیع و تقسیم بر اساس کار باعتبار خود باقی میماند.

ما بر این عقیده ایم که شناخت و استفاده از تمام امکانات سوسیالیسم پیشرفته در عین حال گذار به ساختمان کمونیسم نیز میباشد. عیبارت دیگر یا لکتیک پیشرفت در اینجا چنین است که به نسبت تکامل جامعه رشد یافته سوسیالیستی فراروش تدریجی آن به جامعه کمونیستی هم تحقق می یابد. جدا ساختن این دو پروسه و کشیدن خط فاصل میان آنها غیر ممکن است.

ما معتقدیم که شرایط خاص ویژه کشورهای سوسیالیسم میسازند هر چه باشد مرحله تکامل آن بر پایه خود مرحله سوسیالیسم کامل و پیشرفته حلقه ضروری در گره های بنیادی اجتماعی و دوران نسبتاً طولیل است. و تکامل از سرمایه داری به کمونیسم است. معلوم است که این ضرورت و این قانون بندی در شرایط کشورهای گوناگون سوسیالیستی با اشکال ویژه و مخصوص بخود تحقق می یابد.

بدین ترتیب در اتحاد شوروی مسئله ایجاد زمینه مادی رفی سوسیالیسم پیشرفته را ناگزیر پس از آنکه پایه های نظام جدید ساخته شد میباشد حل میگردیم. اینطور بنظر می آید که ایمن راه مشترکی برای تمام کشورهای خاوه بود که یاد آغتن سطح نازل و پیا متوسط پیشرفت اقتصادی شروع به انجام در گره های بنیادی سوسیالیستی کرد. اند. البته در کشورهای که در لحظه پیروزی انقلاب سوسیالیستی نیرو های تولیدی بسیار پیشرفته ای در اختیار داشته باشند وضع از جهات زیادی طور دیگری خواهد بود. اما آنچه اهم بدون تردید باید مسائل فخرسنجی را حل کرد که ساختمان و تکمیل سوسیالیسم پیشرفته و فرا گرفتن دانش و شوار سازماندهی تمام زندگی اجتماعی بر مبنای سوسیالیستی (از جمله دانش برنامه ریزی و رهبری اقتصاد کشور) و نزدیک ساختن تمام طبقات و گروه های اجتماعی جامعه بر پایه منافع سوسیالیستی و آرمان های کمونیستی طبقه کارگر و پرورش آگاهی سوسیالیستی اهالی و

تکمیل و پیشرفت سازمان دولتی و موقراس از جمله آنهاست.

۲

یکی از دست آورد های تاریخی پراهمیت اکتوبر که عیبارت از موقراس سوسیالیستی است مفهوم موقراس برای نخستین بار بمعنی واقعی این کلمه و یعنی حکومت مردم و آشکار گردید پس برای نخستین بار زحمتکشان یعنی کمانی که خوری از حقوق کامل مدنی و سیاسی در هیچیک از نظام های استعمارگرند اشتد بطور واقعی از این حقوق برخوردار شدند. اصول موقراس برای نخستین بار در تمام رشته های زندگی جامعه و از جمله در زیر بنای آن یعنی در مناسبات تولیدی تحقق یافت. موقراس که در شرایط سوسیالیسم قانونمندانه و ضروری است از لحاظ اشکال و تکالیف و مظاهرش چیز جامد و تغییرناپذیری نیست. موقراس هم به نسبت پیشرفت جامعه بسط و تکامل مییابد. البته فقط در صورتی میتوان درباره سطح پیشرفت موقراس سوسیالیستی قضاوت کرد که معیار دقیق برای این کار در دست باشد. مارکسیست ها - لنینیست ها چنین معیاری در اختیار ندارند. بطوریکه لنین خاطر نشان ساخت در سوسیالیسم " برای نخستین بار در تاریخ جوامع تمدن، توده های مردم تا سطح اشتراک مستقل و نه فقط در رای گیری و انتخابات و بلکه در اداره امور روزمره ارتقاء مییابند " (۱). همین برای ما معیار اصلی بوده و هست و ما هنگام ارزیابی موفقیت های موقراس خود و تعیین راه های بسط و تکامل آن در آینده و این معیار را در نظر میگیریم. باتوجه به این معیار ما باید لافل کافی میتوانیم بگیریم که جامعه ماکه جامعه سوسیالیسم پیشرفته است در عین حال به جامعه موقراس سوسیالیسم پیشرفته هم مبدل شده است. در مرحله سوسیالیسم رشد یافته و در شرایط حکومت تمام خلقی و اشتراک هر چه گسترده تر و فعال تر توده های زحمتکش در اداره امور زندگی کشور بنزله جهت اصلی پیشرفت سیاسی جامعه شوروی بطور استوار تثبیت شده است.

شوراهام که عالیترین ارگان های حاکمیت دولتی ما است اینک بطرز مشخص تری فعالیت میکنند. اصول موقراتیک و شکل و فعالیت آنها هم بسط و تکامل بیشتری یافته اند. به اعتبار و اختیارات نمایندگان هم افزوده شده و ارتباط آنان پائود و هاستحکم تر شده است. در حال حاضر ما بیش از دو میلیون و دویست هزار نماینده مردم داریم. اگر آنها را راهم که پیش از این بعنوان نماینده شوراهای انتخاب شده اند در نظر بگیریم دیده میشود که در کشور ما میلیونها انفرادی وجود دارند که مکتب عالی رهبری امور دولتی و سیاسی را گذرانده اند. تعداد مسائلی که اینک در شوراهای مطرح گردیده و بررسی و حل و فصل میشود نسبت به ده سال پیش در پارلیامنت است. اکثر این مسائل قبلاً و سلیکم کمیونتهای دانشی که تعدادشان در حال حاضر به ۲۳۰ هزار میرسد بطور مشروح مورد بررسی قرار میگردد. در کار این کمیونتهای علاوه بر یک میلیون و هشتاد هزار نماینده و دویست و شصت هزار نفر از افراد فعال جامعه هم اشتراک میورزند.

توجهات و خواسته های زحمتکشان از کمانی که بعنوان نماینده خود انتخاب میکنند جدی تر شده است. میدانیم که حق انتخاب کنندگان در واپس خواندن نمایندگان از حاضر مردم موقراس ما است. طی ده سال اخیر از شوراهای در مراتب مختلف و از جمله از شوراهای عالی نزدیک به چهار هزار نماینده ای که به این پابند انجمن انتخاب کنندگان را از دست داد و بودند واپس خوانده شدند. بدین معنی که این حق موقراتیک در کشور ما فقط اعلام گردیده و بلکه در عمل هم تحقق مییابد و وسیله

خوبی برای افزایش مسئولیت نمایندگان در قبال فعالیت آنها است .
 حال آنکه نمایندگان بطور منظم در برابر انتخاب کنندگان گزارش میدهند . در قانون اساسی تازه بنا
 به پیشنهاد نمایندگان شورای عالی ماده ای گنجانده شده است که شوراها و ارگانهای راکه بوجود
 میآورند موظف میکنند که بطور منظم مردم را از کار خود و قرارهایی که تصویب میرسد آگاه سازند . این امر
 به تحقق پیگیر تر اصل آنگاه بودن (جریان امر - مترجم) که از مهمترین اصول فعالیت شوراها است
 یاری میرساند . یاد آور میشویم که نئین درباره شوراها گفت : این " حاکمیتی است که بر همگان
 آشکار است همه کارها را در مقابل چشم مردم انجام میدهد . مردم بدان دسترسی دارند و
 بلاواسطه از میان مردم برخاسته است و ارگان مستقیم و بلاواسطه توده های مردم و اراده آنها
 است " (۱) .

شوراها که پایه سیستم سیاسی اتحاد جماهیر شوروی را تشکیل میدهند مهمترین وسیله تحقق
 حاکمیت واقعی خلق اند . اما دموکراسی سوسیالیستی اشکال بسیاری از اشتراک زحمتکشان در
 اداره امور کشور و فعالیت های اجتماعی را هم در اختیار دارد که بطور مستمر تکمیل میشوند . برخی از
 این اشکال حاکمیت خلق قبل از قانون اساسی تجسم نیافته و تثبیت نشده بود . اما آنها پدید
 آمدند و در جریان زندگی بسط و تکامل یافتند . درباره همین اشکال اخیر میخواستیم کمی مشروح تر
 صحبت کنیم .

بحث ویزه آکره تمام خلقی جای خود را در پراکتیک زندگی دموکراتیک ما بطور استوار گشوده است .
 هیچکدام از نامه های دولتی پیشرفت اقتصاد کشور ، هیچکدام از اقدامات سترگ تکنولوژی ما ، مثلا
 درباره ازدواج و خانواده ، درباره بازآشتی ، درباره مسائل مربوط به حفظ طبیعت در سال
 های اخیر و بدین بحث ویزه آکره تمام خلقی درباره طرح آن به تصویب نرسیده است .

روشن است که فقط در چنین مجمع تمام خلقی همه مسئله قانون اساسی تازه و اینکه این قسانون
 اساسی چگونه باید باشد ، میتوانست مطرح گردد . کمیسیون قانون اساسی که از طرف شورای عالی
 اتحاد جماهیر شوروی تشکیل شد ، با آنکه به کمک تعداد کمی از دانشندان ، کارشناسان رشته
 حقوق و کارشناسان مجرب دستگاه دولتی و سازمانهای اجتماعی طرح قانون اساسی را تهیه کرد .

درباره این طرح بعد از ۱۴۰ میلیون نفر ، یعنی بیش از چهار پنجم افراد بزرگسال کشور هم اظهار نظر
 کردند . این افراد در جلسات خود در محیط کار ، در جلسات حزبی و اتحادیه ها و سازمانها مکتومیول
 در نشست های شوراها و در راه پوئلویزیون این نظریات را ابراز کردند . آنها در همین حال نظریات
 خود را وسیله نامه بروزنامه ها به کمیسیون قانون اساسی نوشتند . صد و هشتاد هزار نامه زحمتکشان
 خود اسناد زنده و واقعی دموکراسی ما است .

کسانی که آرزوهای آرزوی بزرگ را در کشور ما دنبال میکردند ، میدانند که آنها هنگام دوران
 سرریز شدن عظیم نیروی خلافت و زمان بحث های گرم ویزه آکره جالب بود . مردم شوروی برای تصحیح
 و اصلاح مسائل مشخص در طرح قانون اساسی در حدود ۴۰۰ هزار پیشنهاد دادند . بسیاری از این
 پیشنهادها به بهترین مسائل زندگی ما ، نظیر نقش کار در سوسیالیسم و تعیین پایه و اساس اجتماعی
 حکومت شوروی ، در نظر گرفتن توصیه های انتخاب کنندگان در جریان کار شوراها و وظائف اتباع کشور
 در حفظ مالکیت سوسیالیستی ، حق استفاده از کثرت و کار شخصی و نظایر اینها مربوط میشد .

کمیسیون قانون اساسی برای بررسی طبقه بندی پیشنهادات رسید تاگزین به انجام کاری جدی
 بود تا پس از آن بتواند نظریات و توصیه های خود را برای تصویب با اطلاع شورای عالی برساند . شوراها

۱ - لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۱۲ ، صفحه ۳۱۹ .

هم باید در نظر گرفتن افکار و عقایدی که ضمن بحث ویزه آکره همگانی ابراز شده بود در ۱۸ ماده (از ۱۲۳
 ماده) تصحیحاتی بعمل آورد و یک ماده تازه هم بآنها افزود .

بدین ترتیب وقتی ما میگوئیم آنها بنده واقعی قانون اساسی تمام مردم شوروی اند ، نه بیالفه
 است و نه عبارت پردازی . این یک واقعیت است . این واقعیت گواه بر آن است که در کشور ما حاکمیت
 سیاسی برای زحمتکشان خودی است و بیگانه نیست و عدم اعتقاد توده ها نسبت به تمام آنچه دولتی
 است (یعنی پدید آمده ای که از ویژگیهای جوامع استثنائی است) بکلی بر طرف گردیده است .

مردم شوروی در جریان بحث ویزه آکره طرح قانون اساسی نسبت به تمام امور جامعه چسبیدن
 صاحب خانه سخت گهرو مشکل پسندی برخوردار کردند . به موسسات ، ادارات و سازمانها مکتومیول
 و روسای آنها تذکرات زیاد و جدی دادند . ما بنظریات انتقاد مردم با توجه کامل برخورد میکنیم
 و به گوشه تانواقی را که آنها تذکره شده اند بر طرف سازیم . حزب ما انتقاد آزاد را وسیله ای موثر
 برای پیشرفت جامعه دموکراتیک و شرط لازم برای فعالیت عادی تمام ادارات و سازمانها و موسسات
 آن بشمار میآورد .

اشتراک در بحث ویزه آکره همگانی به مردم شوروی کمک میکند تا ارتباط نزدیک کارهای روزانه
 خود را با چشم اندازهای بسیار وسیع پیشرفت اجتماع هر چه روشن تر درک کنند . این ارتباط شفاف
 خصوصی و تمایلات زحمتکشان با وظائف عده ، ساختمان کمیونستی در فعالیت های اجتماعی - سیاسی
تمام مردم نیز بوجه درخشانی نمودار میگردد .

مسائل مربوط به نقش گروههای زحمتکشان در جامعه ما توجه فراوان شرکت کنندگان در بحث
 ویزه آکره طرح قانون اساسی را بخود جلب کرد . درک این مطلب دشوار نیست . علت این است که
 ابتکارها و اقدامات شمر بخشی که در زندگی سراسر کشور مشروقات میگرد از همین نخستین کارکنان های
 ارگانهای اجتماعی ما سرچشمه گرفته و وسط و تکامل مییابند .

همینقدر کافی است یاد آور شویم که تهیه و تنظیم برنامه دولتی از محیط کار و موسسات آغاز میگردد .
 پس طبیعی است که انجام برنامه ویا تحقق مواد آن بیش از میزان پیش بینی شده ، بدرجه قاطعی وابسته
 به نظم و وقت در کار و ابتکار گروههایی است که انجام کار معینی را بعهده گرفته اند . برای نمونه کارخانه
 شماره ۱ سازنده و وسائل ولوازم برقی برای تراکتور و اتوبوس مسکورا در نظر بگیریم . کارگران و کارکنان
 این کارخانه هنگام بحث ویزه آکره برنامه پنجساله دهم بیش از ۲۰۰ پیشنهاد دادند و به تحقق اکثر
 این پیشنهادات نائل آمدند . در نتیجه کارخانه بمیزان ۲ میلیون ربل محصول اضافه تحویل
 داد .

در محیط کار بسیاری از مسائلی هم که خارج از مرزهای مصالح محدود تولیدی است حل و فصل
 میشود . سازمان دادن مسابقه سوسیالیستی ، تقسیم و توزیع بودجه ویژه کمک و یاد آوری ، افزایش
 مهارت حرفه ای ، استقرار کار در راه رسیدگی به وضع استراحت و مسکن زحمتکشان و برآوردن خواستههای
 معنوی آنان از جمله مسائلی هستند که یاد آور شدیم . بهبود بخشیدن به کیفیت خدمات بهداشتی و
 تدقیق اصول استفاده از لوازم های مسکونی تازه و افزایش پاینده ، تشدید مبارزه با بزهکاری و
 بیشتر مسئله پرورش و تربیت و اخلاق جوانان همه بخش از مسائلی است که دارای اهمیت اجتماعی
 فراوان اند و مسأله بحث ویزه آکره طرح قانون اساسی در محیط کار مطرح شده و بصورت پیشنهاد ارائه
 گردید .

بر اساس پیشنهاد های بسیار زیاد زحمتکشان در قانون اساسی تازه بکارگران و کارمندان هر واحد
 تولیدی و ادارت و موسسات حقوق گسترده ای در امر بحث ویزه آکره ویا حل و فصل امور دولتی و اجتماعی و
 در اداره موسسات و ادارات واگد ار گردیده و ما در محیط به نقش گروه زحمتکشان هر موسسه و اداره هم

به فصل ویژه سیستم سیاسی اتحاد جماهیر شوروی انتقال داده شده است .
تعمیق دموکراسی سوسیالیستی به یکی از نیروهای محرکه ترقی اقتصادی کشور مبدل گردید .
است . افزایش منابع تولیدی و ثروت های مملی جامعه شوروی هم بنوعی خود به عامل مهم استحکام و
پیشرفت مبنای دموکراتیک تبدیل شده است .

در شرایط سوسیالیسم پیشرفته تکامل رسیده پایه اقتصادی دموکراسی سوسیالیستی گسترش
یافت و حقوق اتباع شوروی مضمون مادی اساسی تری یافت و امکانات تضمین این حقوق اعتبار بیشتری
پیدا کرد . هرکس قانون اساسی تازه شوروی را با قانون اساسی پیشین مقایسه کند بقی حاصل
خواهد کرد که این قانون اساسی تغییرات کیفی را که در مجموعه حقوق و آزادیهای انسان شوروی پیدا
آمد منمکن میسازد .

معلوم است که قانون اساسی جدید آزادیهای بیان ، مطبوعات ، اجتماعات ، میتینگ ها
و تظاهرات را که در قانون اساسی پیشین نیز وجود داشت کاملاً تأیید کرد . در ضمن به سایر حقوقهای
سیاسی هم کسدتهاست در زندگی اجتماعی از آنها استفاده میشود در مواد قانون اساسی تازه
جای لازم داده شده است . ماده تازه ای که بموجب آن به اتباع اتحاد شوروی حق شرکت در
اداره امور دولتی و اجتماعی داد میشود دارای اهمیت اصولی است . قانون اساسی جدید در مقایسه
با قانون اساسی پیشین بمردم شوروی حقوق زیادی برای دفاع از منافع شخصییشان میدهد . تضمین
های لازم برای حقوق سیاسی اتباع هم افزایش یافته است . بطور مثال ، بدیهی است که حق انتقاد
زمانی بر مضمون ترمیم شود که همانطور که در کشورها معمول است ، تعقیب افراد بعلت انتقاد وسیله
قانون اساسی ممنوع اعلام میگردد و باید در قانون اساسی قید میشود که کسانی که این قانون را نقض کنند
مسئول شناخته شده و بازخواست میگرددند .

اینکه درباره حقوق اجتماعی - اقتصادی که به پایه و اساس زندگی افراد مربوط است صحبت
میکنیم . من فقط بذکر چند نمونه که وسیله آنها میتوان در باره تغییراتی که در این رشته پیدا شده
تفاوت کرد اکتفا میکنم . حق کار که میدانیم در دهها سال است در کشورها جزء موازین عادی و معمولی
زندگی است ، یکی از آنهاست . این حق امروزه بحق انتخاب شغل ، نوع کار و فعالیت طبق ذوق
و استعداد و آمادگی و تخصص و نظایر اینها را هم شامل میشود . ما این حق را امروز برای اتباع خود از
آنر میتوانیم تضمین کنیم که اقتصاد شوروی بوجود آورد ، این که نه فقط بطور ثابت و مستمر نیازمند بنی -
کار روز افزون بلکه به نیروی کار همه جانبه و متخصص و کارشناس است . ما بدلیل دیگری هم میتوانیم این حق
را تضمین کنیم و آن اینکه سیستم پیشرفته عالی تحصیلات عمومی و تخصصی ، آموزش حرفه ای و تکمیلی
تخصصی را بوجود آورد ، این .

قانون اساسی تازه حق مسکن را هم که از مسائل مهم حیاتی است تأیید و تثبیت میکند . در قانون
اساسی پیشین در این باره صحبت نمیشد . ولی اکنون برای تحقق آن پایه مطمئن مادی بوجود
آورده شده است . حق تامین زندگی مادی در دوران پیری در قانون اساسی قبلی هم وجود داشت .
ولی حالا در مقایسه با سال ۱۹۳۶ تعداد افراد سالخورده ای که از این حق استفاده میکنند دهها بار
افزایش یافته است . باید یاد آور شد که میزان متوسط حقوق بازنشستگی هم تقریباً سه برابر گردید .
یکی از فرقه های اصولی دموکراسی سوسیالیستی باد دموکراسی بورژوازی این است که دموکراسی
سوسیالیستی نه فقط حقوق سیاسی بلکه حقوق اجتماعی - اقتصادی را نیز اعلام میکند و نه فقط
این حقوق را اعلام میکند ، بلکه آنها را بطرز اطمینان بخش تضمین مینماید . در جامعه سوسیالیسم
رغد یافته که از قدرت اقتصاد یحده اعلی پیشرفته تری برخوردار است ، این وجه مشخصه دموکراسی

سوسیالیستی بطرز ویژه برجسته ای نمایان میگردد .
دموکراسی ما با ایجاد محیط لازم برای فعالیت سیاسی ، اقتصادی و مبنوی اتباع شوروی ،
نمایندگان و سازمانهای آنان این فعالیت را روی هدفهای مترکز میسازد که تمام مردم و تمام جامعه
در رسیدن بد آنها ذینفع اند . در ضمن این دموکراسی باید امکانات لازم برای بروز منافع مشخص و گوناگون
گروههای مختلف اهالی را تامین کند و آنها را با شافع جامعه بطور کلی ارتباط داده و هماهنگ سازد .
در این عرصه سازمانهای اجتماعی نقش بزرگی بعهده دارند .

از جمله ، حفظ منافع و مصالح کار بطور اعم از وظائف ثابت و خدشه ناپذیر اتحادیه های کارگری
است . این اتحادیه ها هستند که اگر در مواردی برخی از مدیران موسسات موازین و قوانین کار را
فراموش میکنند و نسبت به نیازمندیهای اجتماعی زحمتکشان بی توجهی نشان میدهند ، ثابت قدم
و با قاطعیت وارد عمل میشوند . سال گذشته بنا به تقاضای کمیته های اتحادیه ها نزدیک به ده هزار
نفر از این قبیل کارکنان و کارمندان از سمت خود معزول شدند . اما در کشور ما میان کارسرمایه و کارگر و
کارفرما تضادی که در جامعه بورژوازی ریشه ای و بنیادی است وجود ندارد . در مواردی که یاد آور شدیم
اتحادیه های پیشتر از هرکس دیگری بیانگر منافع زحمتکشان شده ، عهده حل را در این میانند که اعتراضات
زحمتکشان را در از راه تولید و در اداره امور تمام جامعه سازمان دهند . نتیجه چنین اقداماتی
بطور مثال عبارت از فعالیت جلسا عشا و تجمعات تولیدی است که کار آنها تعطیل بود ارنیست . اینک در سراسر
کشور تعداد این قبیل مراکز مشاور تولیدی ۱۳۰ هزار است که ۶۴ درصد شرکت کنندگان در آنها را
کارگران تشکیل میدهند . از این جلسات مشاوره هر ساله یک میلیون و نیم پیشنهاد مبنی بسرلزم افزایش
بیشترشخص تولید میرسد . بدیهی است که این امر برای اقتصاد کشور فوائد بسیار دارد . ولی در
عین حال امکانات مادی رضای بیشتر نیازمندیهای اجتماعی و حیاتی زحمتکشان هم افزایش مینماید .

با بطور مثال ، کمیسیون یعنی سازمان جوانان کشور را در نظر بگیریم . علاقه و تمایل به
رمانتسم از خصوصیات جوانی است . پس هنگامیکه کمیسیون صد ها هزار دختر و سررا مثلاً به ساختن
بزرگ راه ، پایکال و امور جلب میکند ، در عین حال منافع و تمایلات ویژه جوانان را با مصالح عالی و همگانی
مردم یعنی ایجاد شریان تازه حمل و نقل در سبیریه در هم آمیزد .

بطور خلاصه دموکراتیسم سوسیالیستی موجب میشود که در قبال منافع اجتماعی گوناگون و فزاینده
واکنش همکارانه بعمل آید و مرموسوسی می برای ابتکارها و فعالیت های اجتماعی و سیاسی که خرد
تود و هایتکراتند فراهم آید .

پیشرفت سازمان دولتی سوسیالیستی و دموکراسی سوسیالیستی پروسه ایست که نقش اساسی را
در آن حزب کمونیست ها ایفا مینماید . حزب کمونیست اتحاد شوروی را پیروزی انقلاب اکتبر و سراسر
تاریخ شصت ساله کشور شوروا با مقام رهبری جامعه ما و نیروی هدایت کننده آن رسانده است . این
نقش حزب در قانون اساسی کشور شوروی بروشنی منمکن گردیده است .

حزب کمونیست اتحاد شوروی در جریان رهبری فعالیت شوراهای شوراهای را نمیگرد و خدود
وظائف ارگانهای حزبی و دولتی را کاملاً معلوم میکند و خط مشی خود را در رجه اول از طریق کمیسیست
هایی که در آنها کار اشتغال دارند بر حلسل در میآورد . ماهیت این اصل لنینی در قانون اساسی
کشور بطور دقیق مشخص گردیده و در آن گفته شده است که تمام سازمانهای حزبی در چهار چوب قانون
اساسی اتحاد جماهیر شوروی فعالیت میکنند . کمیسیست های شوروی هم مانند تمام مردم شوروی بخشی
درک میکنند که از کجا نمدن و تثبیت نقش رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی در دولت و اجتماع
در قانون اساسی بهیچوجه استیازی برای حزب حاصل نمیکرد . بحکس این امر مسئولیت بیشتری را به

عهد و آن میگردد. زیرا حزب کمونیست اتحاد شوروی نقش هدایت کننده و خویش را نه با استفاده از قدرت حاکمیت بلکه در رهبریت و شخصیت و اعتبار سیاسی فراوان و تاثیر پدید آورنده در توده های مردم عمل میکند. مساعی دانی حزب ما بظهور تحکیم قانونیت سوسیالیستی و مراعات حقوق افراد در جهت مصالح کمترش و مکران است که در سرشت نظام اجتماعی مانده شده است. بطوریکه امید انیم یکی از شیوه های معمولی تبلیغات آنتی کمونیستی معاصره در تلاش بد نام کردن سیستم شوروی است و عبارت از استفاده به تزیینی و فشارهای غیرقانونی و نقض اصول دموکراسی و قانونیت سوسیالیستی است که در سالهای برقراری پرستش شخصیت وجود داشته. در ضمن معلوم است که ترجیح میدهند درباره این واقعیت سکوت اختیار کنند که این حزب کمونیست اتحاد شوروی بود که آشکارا و بدون گذشت این رویه را که برخلاف مواد قانون اساسی بود محکوم کرد و در راه برقراری موازین لیستی زندگی حزبی و دولتی کارهای فراوانی انجام داد و تضمین های استواری علیه سو استفاده از مقام و قدرت و نقض حقوق اتباع کشور موجود آورد.

کمونیست ها جامع عمل پوشاندن به حقوق دموکراتیک و آزادی را صلاح مؤثر زحمتکشان در مبارزه در راه سوسیالیسم و کمونیسم بشمار می آورند. آشنائی با حقوق خویش و توانائی استفاده از آنها بسود ساختن جامعه نوبهترین جنبه راه روش فعال انسان شوروی در زندگی و سطح عالی فرهنگ سیاسی آنست که تشکل و پیشرفت آن در مرکز توجه حزب ما بوده و هست. معلوم است که فهم و درک مسئولیت خود در برابر جامعه از طرف اتباع شوروی و درک وظیفه و الای میهن پرستانه خویش و لزوم انجام کار و فعالیت از روی صداقت و وجدان بسود مردم و آبادی مستمر برای دفاع از دستاوردهای میهن اکثر همه عناصر جدایی ناپذیر این فرهنگ سیاسی است. این نظر که انجام وظایف فردی در برابر جامعه بهمان اندازه لازم و ضروری است که تحقق حقوق و آزادیها و از طرف بسیاری از افراد شرکت کننده در بحث و مذاکره طرح قانون اساسی هم ابراز گردید. این اندیشه پرورشی در مواد مربوطه در قانون اساسی مابیان شده است.

ما بطور استوار طرفدار این نظریه ایم که دموکراسی سوسیالیسم نه با نظم و نسق بوروکراتیک و سرمایه خانه ای و نه با خودکامی آنارشیستی (هرج و مرج طلبانه) نسبت به اصول سوسیالیستی و موازین و قوانین آن در یکجائی گنجد. میدانیم که روی پرچم انترناسیونال اول که وسیله مارکس و انگلس بوجود آورد شد این کلمات نقش بسته بود: "حق بدون وظیفه وجود ندارد و وظیفه بدون حق وجود ندارد". امروز این شعار جمعیت رفاقت بین المللی کارگران بیکی از اصول مهم زندگی و فعالیت زحمتکشان شوروی بدست آمده است. استقرار و بسط و تکامل دموکراسی سوسیالیستی کار فرنگی است. ما خوب میدانیم که در این زمینه ما مسائل حل نشده و مشکلات داریم. تکمیل کار بزرگ ترتیب و تنظیم تمام موازین قانونگذاری مطابق قانون اساسی جدید در برابر ما قرار دارد. ما میدانیم که در راه بهبود کارتها با واحد های دستگاه اداری که باید با دقت بیشتری به ابتکارهای خلاق و مشکلات و نیازهای کارگران زحمتکشان برخورد نمایند. نیروی زیادی بصرف رسیده است. ولی ما از آنگاهای کنترل خلقی که قانون اساسی ما به اهمیت و توجاه اعتبارشان افزوده و سخت گیری و قدرت عمل بیشتری را انتظار داریم.

ما برای تکامل دموکراسی شوروی و برای بسط و تکامل سازمان دولتی کشور در جهت رسیدن به روانی که اداره امور کشور را خود مردم بلاواسطه بدست گیرند از صرف نیرو و وسیله در ریخ نخواهیم کرد. با تصویب قانون اساسی جدید اتحاد شوروی کامیابند و بگری در راه این هدف بزرگ کمونیست های تمام کشورهای بر داشته شده است.

تجربه پیدایش و پیشرفت نخستین کشور سوسیالیستی جهان در خارج از مرزهای کشورمان نیز همواره توجه فراوان جهانیان را بخود جلب کرده و نه طرفداران سوسیالیسم و نه دشمنان طبقاتی آن نسبت بدان بی اعتنائی نبوده اند. بهمین سبب کاملاً قانونمندانه است که در گزینش های عظیم در بسط و تکامل سیستم سیاسی جامعه شوروی که در قانون اساسی جدید اتحاد جماهیر شوروی منعکس گردیده و در پروسه بحث و مذاکره آن و تصویبش هم در مرکز توجه تمام مردم سیاره ما قرار داشته. جهات عمده ای را که اهمیت بین المللی این رویداد بزرگ در زندگی مردم شوروی در آنها بازنتاب یافته است میتوان مشخص کرد.

قانون اساسی جدید کشور ما قدم پر هر چیز است تازه ای در تئوری و پراتیک بین المللی ساختن سوسیالیسم است و آنها را با تجربه سازمانده نخستین کشور تمام خلقی سوسیالیستی در جهان غنی تر میسازد.

لنین با آشکار ساختن اهمیت اصولی بین المللی کردن تجربه انقلابی و فرا گرفتن خلاقیت تمام آنچه مبارزه زحمتکشان در سراسر جهان بدست میدهد خاطر نشان میساخت که هر کوشش جداگانه ساختن جامعه نمیتواند بشکل معینی یکجانبه باشد و این یا آن نقص را داشته باشد و که "سوسیالیسم کامل و یکپارچه" با همکاری انقلابی پرولتاریای تمام کشورهای ساخته میشود (۱). میدانیم کشورهای برادری که در ترازمان در راه سوسیالیسم کامیاب شده اند هنگام تهیه و تدوین قوانین اساسی خود دستاوردهای قانونگذاری شوروی را که در آن موقع یگانگی تجربه عملی ساختن دولتی سوسیالیستی بود و در نظر می گرفتند. اینک در بسیاری از این کشورها مسئله ایجاد جامعه پیشرفته سوسیالیستی مطرح گردیده و با موفقیت حل و فصل میشود. بطوریکه رهبران و مطبوعات این کشورها قید میکنند قانون اساسی شوروی بنده مقیدی برای تمیین چشم انداز پیشرفت کشورهای آنهاست.

مانیز بنیاده خود هنگام تهیه و تدوین قانون اساسی جدید اتحاد شوروی نه فقط بتجربه تاریخ کشورهای شوروی درباره قانون اساسی متکی بودیم بلکه به پراتیک و تجربه سایر کشورهای سوسیالیستی همتوجه فراوان بدول داشتیم. این امر از جمله به امکان داد مضمون برخی از مواد قانون اساسی را که بمحقوق و وظائف اتباع کشور مربوط میشود غنی تر سازیم و ساختار کلی قانون اساسی را بهتر کنیم. همه اینها را به هم مرتبطه چیز دیگری غیر از گردآوری تجربه جمعی در امر ساختن دولتی سوسیالیستی نیست. هر قدر این تجربه بیشتر باشد قانونمندی های عام تشکل و پیشرفت سیستم سیاسی سوسیالیسم روشن تر آشکار میگردد و راهمیت بین المللی آنها کاملتر نمودار میشود. البته ما همت این نیست که قالب های معینی پدید میآید که فقط آنها را باید تقلید کرد. ما همت این است که رهنمودهای علمی مستدل و در عمل آزمایش شده ای تهیه و تدوین میگرد که به کمک آنها در شرایط مشخص کشورهای گوناگون میتوان را اصل در دست معضلات بفرنج استقرار و پیشرفت سازمان دولتی سوسیالیستی و دموکراسی سوسیالیستی را پیدا کرد.

زندگی نشان داد که چنین رهنمودهایی نه فقط در ساختن سوسیالیسم بلکه در یافتن راههای رسیدن بدان نیز مفید واقع میشوند. بطور نمونه ما همت بسیاری از آواکش ها و اظهار نظر ها در کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین درباره قانون اساسی تازه شوروی بر این امر گواهی میدهد.

۱ - لنین و مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ۵ جلد ۲۶ صفحه ۳۰۶.

رجال برجسته و مطبوعات این کشورها یاد آور میشوند که تجزیه ساختن سوسیالیسم که در قانون اساسی ما انعکاس یافته حاوی نکات بسیار ارزنده ای برای خلقهای است که پس از آزاد شدن از وابستگی استعماری با انتخاب راه بعدی پیشرفت و مسافت مربوط به استحکام سازمان دولتی ملی خود روبرو هستند.

علاوه بر این اهمیت بین المللی قانون اساسی تازه اتحاد جماهیر شوروی با تاثیر انکارناپذیر آن در جریان پیکار کوشی دوسیستم جهانی هم معلوم و مشخص میگردد.

سوسیالیسم با موجودیت خود بنا بر مشق خود همواره در زندگی داخلی کشورهای سرمایه داری تاثیر مثبت می بخشد و به مبارزه عساده لانه نیروهای مترقی یاری میرساند. قانون اساسی تازه که مجموع تجربه هشت ساله پیشرفت کشور ما در راه اکثریت را در خود جمع دارد نیروی جادو به نمونه سوسیالیستی را چند برابر میسازد. این قانون اساسی راههای عملی حل مشکلات و اقتصاد موقتیک مسائل بنیادی پیشرفت اجتماعی بسود مردم زحمتکش را بطور نمایان آشکار میکند.

حقیقتی که در باره سوسیالیسم و دموکراسی آن در قانون اساسی تجسم یافته به کمیونیت هسای جهان در مبارزه با امپریالیسم و این دشمن مشترک طبقاتی ما سلاح مؤثری است. مبارزه با امپریالیسم و ناپسندگان بسیاری از احزاب کمونیست و کارگری این نکته را یاد آور میشوند.

معلوم است که قانون اساسی جامعه سوسیالیستی پیشرفته بنیاد کسانی که با سوسیالیسم مبارزه میکنند برای جلوگیری از پیروزی نظام جدید از طرف مال و نیرو در ریخ نیورزند خوشایند نبود.

من در گزارشی خود به اجلاس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی (۴ اکتبر سال ۱۹۷۷) در باره حملات کاملاً نیتونه و ارمخالفان بورژوازی مانسبت به طرح قانون اساسی صحبت کرده ام. پس از تصویب قانون اساسی هم وضع در این مورد عوض نشد. است. بهمین سبب آنچه را گفته ام تکرار نمیکنم. خوانندگان میتوانند با مراجعه به متن آن گزارش که طی آن دلایل و براهین تبلیغاتی بورژوازی بررسی شد و کیفیت مجموع و بر کاراته آنها نشان داده شده و با نظریات ما در باره این مسئله معین آشنا شوند.

ما میدانیم هنوز در جهان کسانی هستند که به عملیات تبلیغاتی که دولت شوروی و دموکراسی سوسیالیستی را لکه دار میکند باور دارند. من یقین دارم که شنائی هرچه بیشتر مردم سراسر جهان با قانون اساسی تازه اتحاد شوروی زندگی مردم در کشورها انعکاس استن از تعداد این قبیل افراد کم است. بدین مناسبت من به اهمیت و نقش و شکر خود را به احزاب کمونیست و کارگری بخش غیر سوسیالیستی جهان ابراز دارم. زیرا آنها اغلب در شرایط دشوار در محیط تبلیغاتی دامنه دار و لجام گسیخته ضد شوروی و برای کمک به تشریح واقعی جریان زندگی در کشورها و تجزیه و تحلیل عینی مسائل جامعه پیشرفته سوسیالیستی کافر اوانی انجام میدهند. هر قدر مردم بیشتر از دستاوردهای سوسیالیسم مطلع باشند و هر چه روشن تر بفیاس و شرفی مسائل را که این جامعه میبایست حل میکرد و نظریه جمعی سازند و همانقدر طرفداران مومن و معتقد نظام اجتماعی تازه بیشتر خواهد بود و همانقدر همه مواضع سیاسی و ایدئولوژیک سوسیالیسم جهانی و تمام احزاب مارکسیستی - لنینیستی کنفری رهبری کنند و در مبارزه علیه امپریالیسم و بخاطر صلح و دموکراسی و ترقی اجتماعی اند استوارتر خواهد بود.

جنبه دیگر اهمیت بین المللی قانون اساسی جدید اتحاد شوروی عبارت از این است که تمام مواد و مضون آن در خدمت صلح و امنیت خلقها و استحکام همبستگی ضد امپریالیستی تمام نیروهای مترقی است. تمام هدفها و نیات مردم کشورها وابسته به کار خلاق و صلح آمیز است. در اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، برخلاف کشورهای امپریالیستی طبقه یا گروههای اجتماعی که در مسابقه عملیاتی و تدارکات جنگی نینفع باشند و وجود ندارند. مردم کشورها با گجاندن فصل ویژه ای در قانون اساسی

کند رآن خصلت صلحجویانه سیاست خارجی اتحاد شوروی تأیید و تثبیت میگردد. بار دیگر عزم واضح خود را در پیروزی آزمون لنینی صلح و منی نجات بشریت از بیم روحفست جنگ و محرومیت های مادی و خطرات هلاکتباری که سابقه عملیاتی همرا دارد تأکید کردند. در این فصل مواد ی گجانده شده که با تمهیدات اصولی که اتحاد شوروی بمنزله یکی از امضا کنندگان مهترین قرارداد های بین المللی و از جمله سند نهائی کنفرانس هلسنکی بعهده گرفته است توافق کامل دارد. این اقدام و بسودن تردید بخاطر کوشش های که در جهان برای سالم ساختن هر چه بیشتر محیط بین المللی و وسط و تکامل کاهش تشنج بحمل میآید وزن و اعتبار بیشتری می بخشد.

اتحاد شوروی یکی از اجزای متشکله سیستم جهانی سوسیالیسم است. همبستگی عمیق و پیگیر بین المللی حزب مردم کشورها را با نیروهای مترقی و آزاد پیشخ جهان و با جنبش جهانی کمونیستی پیوند میدهد. بهمین سبب و کاملاً طبیعی است که در قانون اساسی خصلت طبقاتی سیاست خارجی دولت شوروی و آرمانهای اجتماعی آن و علائق سیاسی و پشتیبانی سنتی آن از مبارزه خلقها در راه آزادی ملی و ترقی اجتماعی پرورش یافته است. آن مواضعی هم که حزب کمونیست اتحاد شوروی بر پایه بنیاد ل نظریه کار جمعی یا سایر احزاب کمونیست مشخص و معین کرده و در اسناد مشترک آنها نظیر اسناد کنفرانس برلن احزاب کمونیست و کارگری اروپا تثبیت شده و در قانون اساسی بازتاب یافته است.

خلاصه اینکه قانون اساسی ما چیزی را در مقام قانون دولتی اتحاد شوروی قرار میدهد که بضمون واقعی سیاست خارجی کشور سوسیالیستی را تشکیل میدهد یعنی علاقه و توجه آنرا به صلح و ایجاد شرایط بین المللی که پاسخگوی مصالح مبارزه در راه آزادی ملی و ترقی اجتماعی و سوسیالیسم و کمونیسم باشد.

در جریان تهیه و تدوین قانون اساسی ما بدین نکته توجه داشتیم که این قانون اساسی عامل مهمی برای بسط و تکامل و تعمیق دموکراسی سوسیالیستی روسیله میروند ی برای ساختمان کمونیسم خواهد بود.

بحث و مذاکره و تصویب قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی به افزایش کار و فعالیت اجتماعی سیاسی مردم کشور در جهت انجام وظایف مترقی که بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی بنظر ساختمان جامعه کمونیستی معین کرده کمک کرد. مردم شوروی که در اطراف حزب کمونیست لنینی متحد شده اند در انجام این وظایف نه فقط وظیفه مهمی و الای خوش و بلکه وظیفه انترناسیونالیستی خود را در برابریه کارگر جهان و تمام بشریت در مدنظر دارند.

دوران تازه تاریخ جهان

میخائیل سوسلوف.

عضو پیروزی سیاسی کمیته مرکزی
حزب کمونیست اتحاد شوروی و
دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست
اتحاد شوروی

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت تمام بشریت، مترقی اینک شصتین سالگرد آنرا جشن میگیرد
رویداد عده قرن بیستم است. این انقلاب جریان پیشرفت جهان را از پیخ وین تغییر داد و تعویض
نظام سرمایه داری با نظام کمونیستی را عملاً پی ریزی کرد و بدین ترتیب سر آغاز دوران جدید تاریخ
جهان گردید.

افتادن حاکمیت بدست طبقه کارگر زحمتکشان کشورها ایجاد نخستین کشور سوسیالیستی جهان
در شانترین شکل انبساط تاریخی عمیق علمی و نیروی درگرون سازنده و تعالیم انقلابی مارکس و انگلس
ولتین گردید. پیروزی اکثریت سراسر سوسیالیست تاریخی پس از آن با ثبات رساننده که برای تحقق مصالح
طبقه‌های زحمتکشان و برای نجات آنان از استثمار و برای از بین بردن ستم ملی و عدم مساوات و برای
آزاد کردن خلقها از فقر و حقوق و قربانیها و دهنده هشت جنگ و بطور خلاصه برای بازسازی جهان راه دیگری
بجز آنکه تئوری علمی کمونیست هانشان میدهد و کشورهای سوسیالیستی و طبقه کارگر جهانی تحت رهبری
احزاب مارکسیست - لنینیست آنها می پیمایند و راه دیگری نیست و نمیتواند باشد.

۱

شصتین سالگرد اکثر کبیر بزرگترین رویداد در پیشرفت اجتماعی معاصر و ساختمان دولتی اتحاد
شوروی یعنی پایه و بن قانون اساسی جدید همزمان بود. این سند که منعکس کننده کارهای برجسته
مردم شوروی و حزب کمونیست آنست هم از لحاظ سیاسی و هم از نقطه نظر تئوریک فوق العاده اهمیت
دارد و نیز همانطور که برترتف در بیست و نهمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی گفت و بهنگام
تهیه قانون اساسی تازه باین هدف توجه شده است که "نه فقط اصول کلی نظام سوسیالیستی که
بیانگر ماهیت طبقه‌های کشورها است و بلکه ویژگیهای اساسی جامعه سوسیالیستی پیشرفته و سازمان سیاسی
آن هم به ثبت برسد" (۱). اینک پس از بحث و مذاکره فعال و موافقت همگانی قانون اساسی همانند
قانون اصلی زندگی جامعه سوسیالیسم پیشرفته که ساختمان آن حاصل عده مبارزه و کار سازنده مردم
شوروی در شرایط دورانی است که با انقلاب اکبر آغاز گردید و اعتبار قانونی یافت.

۱ - ل. برترتف و باخط مشی لنینی (بزبان روسی) - جلد ۵ مسکو - دایره انتشارات سیاسی
۱۹۷۶ - صفحه ۵۴۷.

سوسیالیسم پیشرفته مرحله قانونمند صورت بندی (فورماسیون) کمونیستی است. این مرحله
دوران تاریخی طولانی را در بر میگیرد که در جریان آن بهترین مسائل ساختمان کمونیستی حل و فصل
میکردند. برخی از این مسائل بقرار زیر است: ایجاد زیربنای مادی - تکنیکی کمونیسم و نزدیک ساختن
و بدنیال آن در همه آمیزی و شکل مالکیت سوسیالیستی بروسائل تولید و از بین بردن مرزهای طبقه‌ای
از میان برداشتن اختلافهای اصلی میان شهر و روستا، کار فکری و جسمی و تامین و تقویت کامل اشیاء مورد
نیاز و مصرف مردم و تربیت و پرورش انسان نو.

فقط بر پایه ای که خود سوسیالیسم بوجود آورد و باشد نیروهای سازنده آن بطور کامل آشکار
میکردند و تاثیر قوانین عینی پیشرفت آن بانیروی هر چه بیشتر بروز میکند و قانونمند میگردند آن که پایه
و اساس تکامل مستمر جامعه سوسیالیستی و وسط و تکامل پروسه‌های درونی فراهم آورنده فراروشی این
جامعه به جامعه کمونیستی است قویا جلوه‌گر میشود.

کار تئوریک ژرف حزب کمونیست اتحاد شوروی و احزاب برادر سایر کشورهای سوسیالیستی امکان
داد قانونندی های اساسی ساختمان سوسیالیسم پیشرفته معلوم و مشخص کرد. این قانونندی های
بدین قرار است: تامین سطح عالی پیشرفت نیروهای تولید میریایه استفاده از تازه ترین دستاوردها
های انقلاب علمی و فنی و بسط و تکامل هر چه بیشتر هر دو شکل مالکیت سوسیالیستی یعنی دولتی و
کلخوری تعاونی در زیربنای اقتصادی نزدیک ساختن تدریجی آنها و افزایش روز افزون رفاه و آسایش
مردم که هدف اصلی اقتصاد سوسیالیستی است و حفظ و تکمیل اصل سوسیالیستی تقسیم و توزیع
بر پایه مقدار کار بمنزله شیوه اساسی تقسیم و توزیع طی مدتی طولانی و ایجاد تغییر و تحول در ساختار
اجتماعی در جهت بسط و تعمیم هر چه بیشتر نقش رهبری کنند و طبقه کارگر و تحکیم اتحاد آن با سایر
قشرهای زحمتکشان و تقویت وحدت تمام جامعه و یکپارچگی و همگونی اجتماعی آن و وحدت ایدئولوژیک
و سیاسی فزاینده تمام ملت ها و خلقها بر پایه برابری حقوق و اشتراک آرمانهای کمونیستی آنها و پیشرفت
سریع اقتصاد و فرهنگ آنها، فراروشی دولت دیکتاتوری پرولتاریا به دولت تمام خلقی سوسیالیستی و
تعمیق و بسط و تکامل همه جانبه دموکراسی سوسیالیستی و بالا بردن سطح معلومات و فرهنگ توده‌های
مردم و افزایش هر چه بیشتر آگاهی سیاسی و کمال و یختگی ایدئولوژیک آنها و شکل گرفتن جهان بینی
علمی و مارکسیستی - لنینیستی زحمتکشان و تحکیم همکاری همه جانبه با کشورهای سوسیالیستی برادره
تشدید و تقویت نقش رهبری کنند. حزب کمونیست در تمام عرصه های زندگی اجتماعی بمنزله شرط لازم برای
پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم.

ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی در اواخر سالهای ۳۰ بطور عده پایان یافت. در کشورهای
که از لحاظ اقتصادی عقب ماند و بود توده‌های انبوه زحمتکشان آن حقوق انسانی بودند و در فقر
و فاقه بسر میبردند یعنی در روسیه تزاری طی بیست سال در نتیجه سعی و کوشش کارگران و دهقانان
که اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم را تحقق می بخشیدند و سوسیالیسم کاملاً پیروز شد و ایجاد
زیربنای مادی و تکنیکی سوسیالیسم و موفقیت های صنعتی کردن سوسیالیستی و بازرساندن تعاونی
کردن اقتصاد دهقانی و برقراری دوستی میان خلقها بمقیاس تمام کشور و تحقق انقلاب فرهنگی و لغو
مناسبات تولیدی سرمایه داری و برقراری کامل مناسبات تولیدی سوسیالیستی اجزای متشکله این پیروزی
بود.

موفقیت های بزرگ اقتصاد سوسیالیستی که طی ۶۰ سال موجودیت کشور شوروی بدست آمده
بر همگان روشن است. فقط میتوان یاد آورد که در دوران پس از جنگ (در مقایسه با سال ۱۹۴۷) درآمد
ملی اتحاد جماهیر شوروی بیش از سیزده بار افزایش یافته و بازدهی کار در صنایع از هفت برابر هم بالاتر

رفته و گردش خرد کالای بازارگانی دولتی و تعاونی ازبازنده برابرهم افزون ترگردیده است و تقسیم اینهمانشانه افزایش سریع بپدید آورد وضع مردم از لحاظ مادی است.

این واقعیت نیز جالب توجه است که موفقیت های خیلی بزرگ در پیشرفت اقتصاد کشور ما در دهه اخیر یعنی درست در شرایط سوسیالیسم پیشرفته بدست آمده است. در ضمن در این جا صحبت بر سر شاخص های چشمگیری رشد اقتصادی و پیادمانه وسیع اقتصاد مانیست. این جا سخن از تغییرات کیفی اصولی است که در آن پدید آمده که امکان داده اند تمام حلقه های تولید اجتماعی تقسیم و مبادله را در یک مجتمع واحد اقتصاد ملی بهم پیوند داد و متوسط و تکامل آنرا بر پایه یقین دستاورد های انقلاب علمی و فنی و برتریهای سوسیالیسم تأمین نمایند.

آن رشته هایی در کشورها سریع ترین آهنگ هارشد میکنند که مشخص کنند ترقی علمی و فنی در مجموعه اقتصاد ملی است. این رشته های صنایع بقرارزیراست: ماشین سازی، آلات و ابزار و دستگاه سازی، تولید وسائل مورد نیاز ماشین های خودکار، رشته های الکترونیک، گاز، شیشه، پتروشیمی و میکرو بیولوژی. نوسازی کیفی پتانسیل تکنیکی اقتصاد کشور بر پایه ای استوار برای تحقق مشارکی در بیستی پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی برای افزایش سریع ثمر بخش مجموعه تولیدات اجتماعی به خصوص رسیدن فراهیب آورد.

عالیترین هدف اقتصاد سوسیالیستی برآورد ساختن هرچه کاملتر نیازمندیهای روز افزون مادی و معنوی مردم است. افزایش مواد مصرفی و مورد لزوم مردم هم بوسیله بالا بردن مستمر تولید کالاها و مصرفی و هم بوسیله افزایش مداوم درآمد مردم شوروی از طریق اضافه کردن منظم حقوق و دستمزد، بنیاد های اجتماعی مصرف بکاره های مالیاتها تأمین میشود. طی برنامه پنجساله نهم (سالهای ۱۹۷۱-۱۹۷۵) افزایش حقوق و دستمزد، کاهش مالیاتها و افزایش حقوق بازنشستگی، مستمری، کمهزینه تحصیل و کمکهای مادی دیگر از بنیاد های اجتماعی درآمد ۱۱۵ میلیون نفر را بالا برد (باید در نظر گرفت که مجموع سکنه کشور ۲۵۹ میلیون نفر است) طی برنامه دهم پنجساله هم به حقوق و دستمزد معاش سی و یک میلیون نفر از کارگران و کارمندان افزوده میشود.

افزایش درآمد نقدی مردم شوروی در زمینه حفظ سطح ثابت قیمت های دولتی خرد و فروشگاهی مواد خوراکی و وسایل مصرفی اساسی تحقق مییابد.

موفقیت های مادی در ساختمان اقتصاد کشور و بالا بردن سطح رفاه و آسایش مردم نتیجه کوششهای قهرمانانه خودتودمادی مردم برپهری حزب کمونیست است. سوسیالیسم بوجود آورنده نیروی مانیسم سازنده مردم و پیشروی موفقیت آمیزشان بجلو است.

طبقه کارگر در ایجاد پایه های تکنیکی کمونیسم و پیشرفت جامعه شوروی سهمی قاطع و تعیین کننده دارد. مواضع حساس و مهم آن در اقتصاد سوسیالیستی و انقلابیگری آن، تشکیل و جمع گرائی آن، انضباط و آگاهی سیاسی آن، شرکت فعال در اداره امور، در و روموز اجتماعی تعیین کننده بر اهمیت برتر آن در تمام مراحل ساختمان سوسیالیستی و کمونیستی است.

علاوه بر این پیشرفت هرچه بیشتر ساختار اجتماعی جامعه شوروی در جهت نزدیک شدن هرچه بیشتر حقایق و گروه های اجتماعی و تحکیم هرچه بیشتر وحدت آن نیز بر پایه رشد مداوم اقتصاد تحقق

می پذیرد. پیشرفت همگونی اجتماعی جامعه ما را خصوصیات شیوه زندگی مردم شوروی تعیین میکند زیرا مردم شوروی تمام جنبه های خوب و مثبتی را که ترقی جامعه بشری بهمراه دارد کسب کرده اند. این خصوصیات عبارتند از کار آزاد و خلاق بسود جامعه و وحدت اجتماعی - سیاسی و ایدئولوژیک مردم، و روحیه جمع گرائی واقعی و رفاقت پاکیزگی اخلاقی و دوستی استوار تمام ملتها و خلقهای کشور.

انترناسیونالیسم به یکی از موازین راه روش و اعتقاد عمیق مردم شوروی مبدل شده است. یکی از ویژگیهای مهم جامعه و دولت سوسیالیستی این است که به تناسب پیشرفت آنها دموکراسی هم بتدریج بسط یافته و عمیق تر میگردد. نخستین کشور سوسیالیستی جهان با تائید کامل با آموزش مارکسیسم - لنینیسم پدید آمد. و بمنزله دولت دیکتاتوری پرولتاریا، حاکمیت سیاسی طبقه کارگر

در اتحادیه ها، آنان و دیگر زحمتمندان یعنی در اتحاد با اکثریت مطلق مردم بسط و تکامل یافت. دیکتاتوری طبقه کارگر که با انقلاب اکثریت در کشور ما برقرار گردید، گسترده ترین دموکراسی برای مردم زحمتمندان و اکثریت اهالی بود که نظیرش تا آن زمان دیده نشده بود. دموکراسی سوسیالیستی، با دموکراسی بورژوازی از بیخ و بن باین جهت متمایز است که اصولی را که اعلام کرده و واقعاً عملی میشود، انقلاب و سوسیالیسم بمردم شوروی حق کاره تأمین در دوران بازنشستگی، حق استفاده از مرخصی با حقوق و کمک

بهداشتی رایگان، حق مسکن و تحصیل واکد از کرد، انقلاب میان تمام ملت ها و خلق ها مساوات برقرار کرد و در تمام حقوق اجتماعی زنان را برابردان برابر ساخت. انقلاب آزادی بیان، مطبوعات و اجتماعات و نظائر را برای زحمتمندان یعنی کسانی که در گذشته از این حقوق محروم بودند، تأمین کرد. دموکراسی سوسیالیستی و آزادی، دموکراسی و آزادی است که بدست مردم و برای مردم بوجود

آورده شده است. لنین با تعریف و توصیف دیکتاتوری پرولتاریا بمنزله شکل ویژه اتحاد طبقاتی میان پرولتاریا و پیشرو زحمتمندان و قشرهای بیشتر غیر پرولتر زحمتمندان تأکید میکند که این اتحاد و این نوع دولت بسط شوروی " ایجاد و استواری نهائی سوسیالیسم " (۱) برقرار میکند. یعنی فقط برای دوران تاریخی معینی که در واقع همان دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است. حقیقتاً هم تجربه کشور شوراهات تأیید کرد که پس از الغای طبقات استثمارگر و پیروزی سوسیالیسم، در شرایط بسط و تکامل همگونی اجتماعی و وحدت معنوی و سیاسی جامعه، دیکتاتوری طبقه کارگر وظیفه رسالت خود را برپایان میرساند و ضرورت وجودی خود را از دست میدهد.

فراروی دولت دیکتاتوری پرولتاریا به دولت تمام خلقی بدین معنی است که در جریان ساختمان کمونیستی پیوستن تمام قشرهای اهالی بصواضع ایدئولوژیک و سیاسی طبقه کارگر برپایان رسید و توسعه پایه اجتماعی دولت شوروی که اینک بیانگر اراده و منافع کارگران، دهقانان و روشنفکران و تمام ملت ها و خلق های کشور ما است، جامعه عمل پوشیده است. در شرایط موجود بیت دولت تمام خلقی دایره حقوق و آزادیهای اجتماعی - اقتصادی سیاسی و شخصی اتباع اتحاد جماهیر شوروی نه فقط توسعه یافته، بلکه تأمین این حقوق از طرف دولت هم کامل تر و قاطع تر گردید و شرایط لازم برای تحکیم هرچه بیشتر قانونیت سوسیالیستی و مراعات موازین قوه قضایی فراهم آمده است.

دست آورد های اقتصادی و سیاسی و معنوی سوسیالیسم تعیین کننده مهمترین خصایص دوران معاصر یعنی درانی است که با اکثریت برآورد کرده است.

۲

تمام مهارت کمونیسم لنینیسم در باره رسالت تاریخی و جهانی پرولتاریا با دست آورد های انقلابی و فعالیت ایجاد گرانه طبقه کارگر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی که توانستند همه اقسام اجتماعی و گروههای زحمتمندان را در پیروسی زرف ترین در گرونیهای اجتماعی متحد و یکپارچه سازند، تأیید گردید. تجربه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای برادر همچنین این مطلب را تأیید نمود که طبقه کارگر فقط در

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی)، جلد ۲۸، صفحه ۳۷۷.

صورتی میتواند نقش خود را بشا به نیروی عمده در برانداختن نظام استعماری و تحقق ساختمان سوسیالیسم با موفقیت ایفا کند که حزب انقلابی که به تئوری مارکسیسم - لنینیسم مجهز باشد و آگاه ترین بخش کارگران و دهقانان و روشنفکران را متحد سازد و بر پایه اصول مرکزیت و موکراتیک تشکیل شده باشد و آنرا رهبری کند .

اعتدالی روزافزون نقش رهبری حزب کمونیست یکی از مهمترین فاکتورهای رشد جامعه سوسیالیستی و ساختمان کمونیسم است . حزب کمونیست اتحاد شوروی - حزب طبقه کارگر است که در شرایط سوسیالیسم رشد یافته به پیشاهنگ و حزب تمام مردم شوروی تبدیل شده است . اکنون صفوف این حزب شانزده میلیون عضو را که قریب هفت میلیون نفر آنها (۴۲ درصد) کارگرند و در برمیگیرد . حزب کمونیست اتحاد شوروی بر اساس تحلیل مارکسیستی - لنینیستی دقیق پروسه های اقتصادی و اجتماعی - سیاسی واید نولوژیک و کاربرد ماهرانه قوانین رشد اجتماعی راه پیشرفت را در برابر کشورها میگذارد ، نیروی عظیم سازندگی را در مردم بیدار میکند و پیشرفت هدفمند سراسر زندگی اجتماعی و محل موفقیت آمیز مسائل بجزنجی را که در جریان این پیشرفت پدید میآید تامین میسازد . تنها رهبری حزب که از عالی ترین وجهه و اتحاد کامل مردم برخوردار باشد میتواند به افزایش فراوان و شریک شدن نیروهای مادی و معنوی همه جامعه بنظر ساختمان کمونیسم و بهبود اوضاع شرایط مادی و فرهنگی زندگی مردم دست یابد .

در جریان بحث و بررسی طرح قانون اساسی شوروی مردم اهمیت اصولی گنجاندن ماده ویژه ای در باره نقش حزب کمونیست اتحاد شوروی در زندگی جامعه شوروی در آن را بخصوص تصریح کردند . طبق همین نظریات اکنون در قانون اساسی اتحاد شوروی مقام حزب کمونیست در سیستم سیاسی کشور ما بطور کامل روشن تعیین شده و نقش رهبری کننده و هدایت کننده آن بطور جامع تعریف و توصیف شده و محتوای فعالیت آن مشخص گردیده است .

در قانون اساسی گفته شده است : " حزب کمونیست که به آموزش مارکسیسم - لنینیسم مجهز است در زمانی اصلی پیشرفت جامعه و خط مشی سیاست داخلی و خارجی اتحاد شوروی را تعیین میکند و فعالیت لیت ایجاد گرانه عظیم مردم شوروی را رهبری مینماید و مبارزه آن در راه پیروزی کمونیسم خالصی مبتنی بر موازین علمی و برنامه مشخص میبخشد " .

یکی از ویژگیهای فعالیت حزب کمونیست در امر رهبری در شرایط معاصر عبارتست از تشدید بیشتر تاثیر و نفوذ زندگی درونی حزب در سراسر جامعه است .

حزب همچنانکه برنامه آن ایجاد میکند برای همه سازمانهای دولتی و اجتماعی که فعالیت آنها را مانند هسته رهبری کند هماهنگ و هدایت میکند و در رتبه و کاربرد کاملترین و موثرترین اشکال و شیوههای کار با آنها یاری میرساند و همواره سر مشق است . حزب نسبت به بالا بردن سطح فعالیت های مبتکرانه سازمانهای اجتماعی و دولتی همواره اهتمام میورزد و در تثبیت شیوه های لنینی در کار آنها که برخوردار علمی نسبت به همه مسائل و محل خلاق آنها را امیطلبد و کوشش میورزد .

حزب کمونیست در زندگی درونی خود بطور جدی مراقب رعایت اکید موازین لنینی است و اشکال و شیوه های فعالیت سازماندهی و سیاسی خود را بطور استکی نباید یر تکمیل میکند . حزب کمونیست نسبت به رعایت رهبری جمعی و تحقق پیگیری و انحراف اصل مرکزیت و موکراتیک ، اهتمام و مراقبت دائمی دارد . طلب میکند که کمترین و تمیق و موکراتیک در روش حزب همواره با استحکام انضباط حزبی و بالا بردن حسن مشورت و همکاری یکدیگر انجام شود . همرا باشد .

حزب کمونیست اتحاد شوروی نسبت به بهبود منظر ترکیب کیفی و استحکام اید نولوژیک و سازمانی صفوف خود انتخاب و یکارگام در تربیت کادرها برای رشته های گوناگون ، تعمیم انتقاد و انتقاد از خود و تکمیل ساختار سازمان های حزبی و سازمانهای ایالتی حزب ، بسط و استحکام پیوند با توده ها و توجه فراوانی به اول میدارد .

رشد و تکامل زندگی درونی حزب ، بهبود رهبری سازمانی ، سیاسی و اید نولوژیک و اعتدالی سطح کار آن همه حلقه های آن در این سمت های عمده مجریان میباید . موازین و اصول زندگی درونی حزب برای این اساس همه جانبه تکامل میباید و این امر تکمیل هر چه بیشتر موازین و اجتماع سوسیالیستی و کلیه سیستم سازمان سیاسی جامعه و یاری میورساند . حزب کمونیست اتحاد شوروی وظایف خود را در آن مینماید که آموزش لنینی در باره حزب انقلابی طبقه کارگر را بدو و انحراف تحقیق شود و اصول لنینی ساختمان حزبی و رهبری سیاسی را که از توده آزمایش زمان بیرون آید و تکامل یابد و از آنها یاد فاع نماید .

مارکسیسم - لنینیسم میآموزد که در هر دوره سازمان سازی سوسیالیستی نظرسنجی اجتماعی زندگی و با وجود قدرت محرکه سوسیالیسم پیشرفته ، خود انسان هم که عامل این تغییر و تحول است ، تغییر میکند و از لحاظ اختلافیات و معنیات رشد میباید . این امر از روی نمونه های واقعیت زندگی امروز ما به وی ملاحظه می شود . کار اید نولوژیک و تربیتی همه جانبه حزب در رشد معنوی انسان نقش بزرگی دارد . حزب کمونیست اتحاد شوروی مردم را با حس برادری انترناسیونالیستی و مبین پرستی سوسیالیستی تربیت میکند و میگذرد تا آنجا که از میراث غنی فرهنگی بشریت برخوردار شوند و فعالیت سازندگی آنها در امانت همه جامعه افزایش یابد . جامعه شوروی دارای ذخایر معنوی و اخلاقی بسیار غنی است . حزب میکوشد از این ذخایر بفریب پیروزی کامل کمونیسم استفاده کند . فعالیت تئوریک حزب کمونیست اتحاد شوروی و تکامل و پیشرفت خلاق تئوری مارکسیسم - لنینیسم در شکل گرفتن جهان بینی کمونیستی مردم شوروی و استحکام مبانی وحدت اید نولوژیک و سیاسی جامعه سوسیالیستی نقش عظیمی ایفا میکند . تئوری انقلابی برای حزب کمونیست چنانکه لنین میآموزد : " قبل از هر چیز و پیش از هر چیز رهبر نمودن مردم است " (۱) . توجه دائمی و جدی ترین بر خود هانست به تئوری از سرشت حزب لنینی بمنزله حزب انقلابی ، نوا و روحی که همیشه به پیش میرود و از مایه است جامعه سوسیالیستی که کمونیسم رشد میباید و در راه تکامل خود با مسائل بسیاری روبرو میشود که باید بطور علمی روشن گردید و محل شوند نیز از خصلت وظایفی که در برابر حزب و مردم که تنها با پیروی از تئوری مارکسیسم - لنینیسم میتوان آنها را انجام داد ناشی میگردد .

وفاداری نسبت به آموزش مارکسیسم - لنینیسم انقلابی شرط مسلم ایفای موفقیت آمیز نقش رهبری کننده و هدایت کننده حزب کمونیست اتحاد شوروی در جامعه شوروی است . حزب کمونیست اتحاد شوروی تئوری انقلابی را که در آثار ادیان مارکس و انگلس و لنین و در بسیاری از اسناد حزب ما و جنبش کمونیستی جهانی تبلور یافته گرامی میدارد .

حزب مانسبت به تئوری بشا به مجموعه ای از احکام جامد و بی روح که یکبار برای همیشه و به عوارذ در زندگی تدین شده باشند برخوردار نمیکند ، بلکه برخوردار از خلاق و همانند برخوردار به امر زنده ای است که همواره در تغییر است .

حزب کمونیست اتحاد شوروی - حزب کمونیسم علمی ، حزب مارکسیسم خلاق است . حزب با تمام فعالیت خلاق و سازنده انقلابی خود را بر پایه دانش و تئوری پیشرو استوار میکند . توجه و اهتمام مستمر حزب مانسبت به تربیت اید نولوژیک و سیاسی زحمتکشان ، ترویج و تبلیغ وسیع مارکسیسم - لنینیسم رشد و تکامل همه جانبه و فضای بیشتر تئوری با نتیجه گیریهای جدید که پاسخگوی شرایط و اوضاع تغییر پذیر میباشند و تجارب نوری که خود حزب ما و جنبش کمونیست و کارگری بین المللی و هممنبر و های انقلابی معاصرند و خسته اند ، نیز از همینجا ناشی میگردد .

۱ - لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۳۱ ، صفحه ۴۴ .

مهمترین ویژگی دوران مابعد است که سراسر پیشرفت جهان تحت تاثیر قاطع سوسیالیسم موجود جریان دارد. این تاثیر بیشتر بر واقعیتها بشود زیرا است:

— موفقیت های ساختمان سوسیالیستی و کمونیستی و ترقیات اجتماعی همه جانبه کشورهای سوسیالیستی برادر.

— بهم پیوستگی روزافزون دول سوسیالیستی و همکاری نزدیک احزاب رهبری کننده آنها و تعمیق هم پیوندی اقتصادی و سیاست خارجی هماغانه کشورهای جامعه سوسیالیستی.

— ارج و اعتبار جهانی روزافزون کشورهای سوسیالیستی و افزایش چشمگیر نقش آنها در سیاست و اقتصاد جهانی.

تاثیر مشترک این عوامل بد و صورت در اوضاع جهان انعکاس می یابد:

نخست آنکه دستاوردهای تاریخی بزرگ سوسیالیسمی که به پیروزی رسید موجود و محسوس است و علاوه بر این شرایط داخلی و خارجی هر چه مساعدتری هم برای رشد و تکامل هر چه بیشتر آنها وجود دارد. در همین حال شرایط مساعد روزافزون برای گسترش موفقیت آمیز مبارزه طبقاتی زحمتکشان در جهان سرمایه برای پیروزی آنها ی جدید جنبش دموکراتیک و جنبشهای رهایی بخش ملی و برای تحولات اجتماعی قاطع هم در اینگاههای سرمایه داری هم در منطقه وسیعی از جهان کفمانی پشت جبهه استثمار و خیره امپریالیسم را تشکیل میداد و امروزه عرصه مهم ترقیات اجتماعی تبدیل گشته نیز موجود است.

دوم برای ایجاد تغییرات بنیادی در سراسر سیستم مناسبات بین المللی بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارا اعظماهای اجتماعی متفاوت برای آنکه همکاری تمام کشورهای و خلقها بر اساس برابری حقوق و منافع متقابل تأمین شود و همتراز همه برای آنکه بشریت برای همیشه از خطر جنگ جهانی نجات یابد شرایط مقدماتی عینی پدید آمده است.

تغییراتی که در هر دو این جهات صورت میگیرد با هم پیوند ناگسستی دارند. آنها نمود آری یک پروسه کلی یعنی پروسه بازسازی انقلابی جهان اند که پیشرفت اجتماعی راهم بقیاس ملی و هم بقیاس بین المللی در بر میگیرد.

چرخش به سمت صلح و کاهش تشنج به توسعه و تکامل تمام مناسبات بین المللی کیفیت تازه ای بخشد خود جریان زندگی صحت استنتاجی را که حزب ما و اندیشه جمعی بین المللی کمونیست ها در این مورد به عمل آوردند و آنکه جنگ جهانی در شرایط معاصر ناگزیر و مقدر نیست تأیید میکند.

کمونیست ها و همسر دم شوری به سهمی که میهن اکبر در امر کاهش و خاتم اوضاع بین المللی ایفا کرد موایفا میکند. بحق فخر و مباحثات میکنند. از فرمان لنینی درباره صلح تا برنامه صلح صوب بیست و چهارمین کنگره که در کنگره بیست و پنجم توسعه یافت و تکمیل شد خط مشی پیگیر بود و انقطاع و جسد دارد. اکنون اصول بنیادی سیاست خارجی صلحد و ستانه شوری در قانون اساسی اتحاد شوروی ثبت شده است.

ل ۱۰۱. برژنف د بیکر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در تهیه و تدوین و تحقق خط مشی سیاست خارجی دولت شوروی نقش برجسته ای دارد. هدف مساز این خط مشی آنستکه تشنج زدائی به پروسه ای پایدار و سازگشت ناپذیر که هم چیز از در برگیرد و در همه جا صادقی باشد. مبدل گردد.

شاهراه اصلی بسوی این هدف عبارت از آنستکه در امر قطع سابقه تسلیحاتی و آغاز به اقدامات عملی در زمینه خلع سلاح توفیق حاصل شود. امروز بشریت مسئله ای حاد تر و مهم تر از این مسئله ندارد.

نمی توان نادیده گرفت که کشی و خامت زدائی در دریای متلاطمی سر میزند. در جهان سرمایه داری محافظ متغذی هستند که اگر تاسب کوشی نیروها در جهان سیاست فعال کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و دیگر دول صلحد و ست و فشار افکار عمومی جهان مانع آنها نمیشد. هم اکنون این کشی را به قهر در یاروانه میگردند. در برخی از نقاط جهان کانونهای خطر انفجار دارند آنها باقی است همچنان وجود دارد. محافظارتجائی و میلیتاریستی از تلاش برای کشاندن جهان به دوران "جنگ سرد" دست بردار نیستند. تشدید فعالیت "قرنی های" پیمان آتلانتیک شمالی که در تلاش افزایش هزینهها و نظامی کشورهای آنها هستند و افزایش بودجه نظامی ایالات متحده آمریکا و تشدید عملی و آشکار فعالیت برای تهیه انواع جدید سلاح از آن جمله سلاح هلاکتبار کامل و دقیق مانند بمب تبوترون — همه اینها ساختار جدیدی آغاز و روچدید سابقه تسلیحاتی را در بردارند. بهمین جهت نیروهای صلحد و ست محقانه مهمترین وظیفه خود را در آن می بینند که در آیند هم علیه خطر جنگ با جدیت مبارزه کنند.

اتحاد شوروی بر مساعی خود برای تحقق بخشیدن به برنامه مبارزه در راه صلح و همکاری بین المللی و در راه آزادی و استقلال خلقها صوب بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مافزاید. ما تمام هم خود را برای عملی ساختن کامل توافقهای هلسینکی و برای انجام موفقیت آمیز جلسه ملاقات یلگراد بکار خواهیم برد. خلقهای جهان در آیند نیز میتوانند به اتحاد شوروی بشابیه تکیه گاه امر صلح و امنیت در سراسر جهان اعتماد و اطمینان داشته باشند.

در تاریخ بارها اتفاق افتاده است که نمایندگان نظام اجتماعی که روزوال میرود ضمن کوشش بر اعتقاد بد موجودیت آن به لباس هواداران ترقی و آزادخواهی درآمده اند. چیزی مشابه این هم در دوران ما جریان دارد. ارتجاع جهانی که از موفقیتهای امر صلح نگران شده و در برابر توسعه نفوذ اندیشه های سوسیالیسم در شرایط و خامت زدائی به وحشت افتاد و خرابکاری ایدئولوژیک و کارزار تبلیغاتی افترا آمیز علیه سوسیالیسم جهانی را تشدید میکند. در این تبلیغات دامنه داره سو استفاده سالوسانه از حقوق و آزادیهای بشر در مقام اول قرار دارد.

مدافعان نظام اجتماعی که بر بنیاد استشاری بر همان زحمتکشان و محرومیت و حق سوسیالیستها تن از افراد بشر نباشد و با سیستم اجتماعی که مسئول بحرانها و تشدید مستمر گرائی و بیکاری و مسئول جنگهای غارتگرانه و در همه ملبون نگرشته و معلول تمام د هشتهای استعمار نه نژاد پرستی و فاشیسم است تلاش دارند خود را هواداران آزادی قلد اد کنند. دعوت به آزادی بنام این نظام بمعنای دفاع از سلطه امپریالیسم و ارتجاع و دفاع از آزادی بهره کشی انسان از انسان و آزادی تبعیض و تنفر نژادی و اسارت معنوی زحمتکشان است. در سراسر جهان میان زحمتکشان و میان دموکراتهای اصیل شماره مخالفان همین این باصطلاح آزادیها و خود آن نظام اجتماعی که این "آزادیها" را بوجود میآورد و از آنها حمایت میکند افزوده میشود.

انقلاب اکبر به این نوع "آزادیها" در کشورهای پاپان داد و ما هرگز به احیا آنها را نخواهیم داد و پیروهای مخالف امکان نمیدهمیم به اقدامات خرابکارانه علیه دستاوردهای زحمتکشان بپردازند. رفتارمان نسبت به یک مشت عناصر فررومایه "ناراضیان" هم که دستیاران امپریالیسم اند از همینجا ناشی میشود. خواستن آزادی عمل برای این عناصر در واقع امر خواستن آزادی برای اقدامات خرابکارانه امپریالیسم در داخل مرزها و کشورهای است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی طرفدار توسعه تماسهای همه جانبه میان خلقهاست و این تماسها را عنصر جدیدی ناپذیر و بیسیاست و خامت زدائی میداند. ما طرفدار ارتباط و وسیع اخبار و اطلاعات درست و

ارزشهای معنوی خلقها بود موهبتیم • اما مخالف آن هستیم که از این فعالتهای که باید به بسط و تکامل همکاری بین المللی خدمت کند • بهشابه وسیلهای برای مدخله گروهی از کشورهای درآمده داخلی دیگران استفاده شود •

۴

و چنانچه از دوران ما به اعتدای بیسابقه جنبش انقلابی جهانی است • رده های مختلف این جنبش در کشورهای در سطح پیشرفت متفاوت نیروهای مولد • رشد اجتماعی و اقتصادی • مختلف • ساختارهای سیاسی و سنن تاریخی گوناگون مبارزه میکنند • خصوصیات ملی و تاریخی بسیار زیاد و مختلف این کشورها در برابر هر حزب کمونیست مسئله انطباق خلقی و مبتکرانه آموزش مارکسیسم - لنینیسم و تجزیه و تحلیل دقیق و مشخص و در نظر گرفتن تمام ویژگیهای اوضاع کشور را مطرح میکند و در راههای هدایت توده ها به سوسیالیسم و اشکال سازماندهی زحمتکشان • شیوه های مبارزه برنامهای مشخص تحولات اجتماعی تفاوتها را پیدا میدهد • از جمله سخن بر استفاده از امکانات گذار مسالمت آمیزه سوسیالیسم است که در نتیجه پیروزی انقلاب کمپرس سوسیالیستی اکثر • بوجود آمدن و ترقی شگرف سیستم جهانی سوسیالیسم و فروپاشی سیستم های استعماری • اعتدالی عمومی جنبش بین المللی کارگری و جنبشهای بخش ملیس و بحران همه جانبه سرمایه داری بیزان قابل توجهی گسترش یافته است •

در این حال زندگی نشان میدهد که اشکال گوناگون طرق مبارزه در راه سوسیالیسم و شیوه های انجام درگیریهای بنیادی سوسیالیستی • اصول مشترک تئوری و پراتیک مارکسیسم - لنینیسم و قانونگذاری عام انقلاب سوسیالیستی و ساختار سوسیالیسم را بر مبرم و واحد تر میکند • این قانونها پیمانه " آیین و مقررات " انتزاعی • بلکه راهنمای عمل اند که طبق مابانی علمی تدوین شده • در عمل مورد آزمایش قرار گرفته اند و دید پیمانی است که بطور خلاق باید بکار برده شوند • مسئله برخورد به این قانونها پیمانه در واقع امر مسئله برخورد به اعتبار جهانی آموزش مارکسیسم - لنینیسم و به تجارت فراوان مبارزه طبقه اتوسی و ساختار سوسیالیسم است • تصادفی نیست که کمونیستها که در شرایط بسیار متفاوت فعالیت میکنند • تاکید میکنند که آنها بعد توجه به قانونهای انقلاب سوسیالیستی و ایجاد نظام سوسیالیستی را جایز نمیدانند زیرا چنین اقدامی آنها را به سرگردانی بیهوده در دوره راهها میکشاند •

یافتن طرق و اشکال مشخص مبارزه در راه دموکراسی و سوسیالیسم در شرایط ملی و تاریخی معین هرگز بدین معنی نیست که هر یک را در هر کشور باید کار را از صفر یا از هیچ شروع کرد • مارکسیست - لنینیست ها بدو می بینند که شیوه خط بطلان کشیدن بعد رسبهای تاریخ و کوشش برای آنکه به برقریرت که شده از " موضع مخالف " اشکال آزمون شده مبارزه کار را آغاز کردن نمیتواند راه مطمئنی برای تهیه و تدوین استراتژی و تاکتیک سیاسی مستقل باشد • حزب کمونیست اتحاد شوروی همواره از بررسی دقیق و بکار بردن تجربی تجارب احزاب برادر ریشتمیانی کرد • و میکند • چنانکه می دانیم لنین ضمن بررسی تاریخ حزب بلشویک خاطر نشان کرد • است که این تاریخ " با اوج خاص و بطور موقفیت آمیز " آخرین کلام " تجارب سیاسی امریکا و اروپا را فرا گرفته است " (۱) • حزب ما در حال حاضر هم با توجه فراوان تجارب احزاب برادر را بررسی میکند و آنها را در فعالیتهای خود در نظر میگیرد •

تاریخ گواهی میدهد که هر چه در خلق مارکسیستی - لنینیستی نسبت به تئوری و پراتیک تغییر و تحولات اجتماعی یعنی برخوردی که با قبول سرکردگی طبقه کارگر و درک ضرورت شرکت آن در اداره دولت و رسیدن آن به حاکمیت سیاسی در اتحاد با دیگر قشرهای زحمتکشان ارتباط ناگسستی داشته باشد • برای نیروهای انقلابی موقفیت بیار میآورد • مارکس سوسیالیسم را در واقع بدین سبب توانست از پسند ارگراشی

۱ - لنین • مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) • جلد ۴۱ • صفحه ۸۰

بمعلم مبدل کند که آن نیروی اجتماعی را که قادر است ضرورت یعنی تجدید ساختار سوسیالیستی جهان را تحقق بخشد کشف کرد • این نیرو طبقه کارگر بین المللی است • امتناع از قبول رسالت تاریخی این طبقه یعنی به قهر فروختن از مارکسیسم به پند ارگراشی اجتماعی است •

سیاست اتحاد های وسیع اجتماعی و وحدت همضیروهای چپ و دموکراتیک که احزاب برادر کشور های سرمایه داری از آن پیروی میکنند در طرح مسئله تامین نقش پیش از طبقه کارگر و حزب کمونیست آن خاصه تازه بسیاری وارد میکند • اما بطوریکه تجربه نشان میدهد به هیچ وجه این مسئله را منتفی نمیکند • بلکه آنرا مبرم تر و راهمیتتر می سازد •

یکی از معدود ترین اصول جنبش انقلابی همبستگی انترناسیونالیستی مبارزان علیه ستم های اجتماعی و ملی است • موقفیت های برجسته نیروهای انقلابی در دوران معاصر بدین همکاری و ریشتمیانی متقابل بین المللی آنها غیر قابل تصور میبود • کنفرانس برلن احزاب کمونیست و کارگری اروپا اهمیت همبستگی انترناسیونالیستی را در دوران ما قسریا تاکید کرد •

خصلت چند جانبه انترناسیونالیسم انقلابی معاصر • گسترش دامنه نیروهای اجتماعی و سیاسی • واقعات مشترک بین المللی که برای حل مسائل بنیادی نوسازی جهان ضرور است • نمیتواند این واقعت را از نظر هانپنهان کند که ناقل و بیانگر عهد • این انترناسیونالیسم همچنان طبقه کارگر و جنبش کمونیستی جهانی است • طبقه کارگر و جنبش جهانی کمونیستی بر حسب سرشت و ایدئولوژی خود بعنوان پیگیر ترین نیروی انترناسیونالیستی و بعنوان مبداء متحد کننده در پروسه کلی انقلابی معاصر عمل میکنند • انترناسیونالیسم • همبستگی • یکپارچگی و تشریک مساعی آنها بعد م بر هر چیز بر پایه اشتراک منافع بنیادی طبقه کارگر بین المللی • اشتراک هدف • جهان بینی و وحدت دانش انقلابی مارکسیستی - لنینیستی مبتنی است •

اکنون ارتباط متقابل دیالکتیکی ملی و انترناسیونالیستی در جنبش انقلابی انعطاف پذیر تر میگردد • اهمیت جهانی ملی در مجموعه پیشرفت جهانی و در فعالیت هر یک از احزاب برادر رسد و ن تردید بیشتر میشود • اما در این حال نقش وحدت بین المللی همضیروهای آزاد بیخوش نیز اهمیت هر چه بیشتری کمب میکند • هیچگاه شرایط درونی مبارزه طبقاتی تا این حد با تناسب نیروها در عرصه جهانی • با وضع مناسبات بین المللی • با موقفیت های سیاست خارجی سوسیالیستی و با مبارزه جهانی در راه صلح و ترقیات اجتماعی پیوند نزدیک نداشته است •

ضرورت همبستگی و وحدت تنیروهای انقلابی بین المللی را این واقعیت نیز ایجاب میکند که محافل ارتجاعی و امپریالیستی اقدامات خود در مبارزه علیه سوسیالیسم • دموکراسی و آزادی ملی را بطور منظم هماهنگ میکنند و از بکار بردن زشت ترین وسایل برای صدور ضد انقلاب هم مضایقند ارند •

رفیق برژنف در کنفرانس برلن اظهار داشت : " درباره انترناسیونالیسم پرولتری یعنی همبستگی طبقه کارگر و کمونیستهای همه کشورهای در مبارزه در راه هدفهای مشترک • همبستگی آنها با مبارزه خلقها در راه آزادی ملی و ترقیات اجتماعی • همکاری داوطلبانه احزاب برادر ضمن رعایت اکید برابری حقوق و استقلال هر یک از آنها عقیده ما چنین است که اینگونه همبستگی رفیقانه ای که اکنون متجاوز از صد سال است کمونیستها پرچم آن هستند • در دوران ما نیز تمام اهمیت فراوان خود را کاملاً حفظ میکند •

این همبستگی سلاح نیرومند و آزمون شده احزاب کمونیست و بطور کلی جنبش کارگری بوده و هست " (۱) • چنانکه می دانیم رفیق برژنف در کنفرانس برلن نظر حزب ما را نیز درباره ضرورت مقابله وسیع

۱ - " کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری اروپا • برلن • ۳۰-۲۹ ژوئن ۱۹۷۶ " مسکو • اداره انتشارات سیاسی ۱۹۷۷ • صفحه ۸۳

نظریات و تجارب احزاب برادره بنظر آنکه نظریات مطرح شده از جانب آنها طی مباحثه رفیقانه مورد بررسی قرار گیرد و بیان داشت . ما با آن رفقای از اعضای بسیاری از احزاب کمونیست و کارگری کاملاً موافق هستیم که طرفدار شیوه های برادرانه و محترمانه مباحثات هستند و معتقدند که این مباحثات باید به استحکام مواضع مشترک ما و منافع تئوریک و پراتیک همه جنبش کمونیستی مساعدت کند .

کمونیست های شوروی و تمامی مردم شوروی فعالیت های تبلیغاتی ایدئولوژیک و سیاسی را که بطور وسیعی از جانب احزاب برادر بنا به سمیت هشتمین سال انقلاب کمپرو سوسیالیستی اکثر سازمان داده شده باخشنودی و سپاسگزاری ارج میهند . ما در این فعالیت بار دیگر تجلی درخشان همبستگی سنتی برادران طبقاتی خود را با مبارز مردم شوروی در راه سوسیالیسم و کمونیسم و مداخله و ترقیبات اجتماعی در سراسر جهان می بینیم .

حزب کمونیست اتحاد شوروی بنوع خود بر این عقیده بود و هست که آنچه در مباحثات میان احزاب کمونیست عمدتاً تعیین کننده است ، دوستی و همکاری و مبارزه مشترک در راه منافع مشترک است . حزب ما فعالیت خود را در جنبش بین المللی کمونیستی همواره بر این اساس بنیانگذاری کرده و میکند .

پروژوی انقلاب اکثر انقلابهای سوسیالیستی در دیگر کشورها و تشکیل سیستم جهانی سوسیالیسم و ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته در اتحاد شوروی و ساختمان موفقیت آمیز آن در کشور های جامعه کشورهای سوسیالیستی و استحکام مواضع بین المللی سوسیالیسم و تغییر تناسب نیروها در جهان بنفع آن - همه اینها استنتاجات تئوریک مارکسیستی - لنینیستی در باره ضرورت قانونمندانه تمویض اجتناب ناپذیر سرمایه داری بانظام جدید را تأیید میکنند . تشدید فوق العاده همه تضاد های سرمایه داری معاصر بحران عموس سیستم اقتصادی و سیاسی و ایدئولوژیک آن که همچنان غیر قابل حل است و به ژرفای بیگانه و بحرانی که یگانه راه خروج از آن سوسیالیسم است و نیز گواه این امر است . در درانی کما اکثر کپی را آغاز گردید اندیشه های مارکس و انگلس و لنین از چهارچوب تئوروی بدآید . این اندیشه ها بکار پراتیک صد ها میلیون انسان تبدیل شده اند . این اندیشه ها رهنمود فعالیت بسیار متنوع حزب ما و همچنین احزاب دیگرانند که خانواده واحد جهانی کمونیست هارا تشکیل میدهند و مترقی اجتماعی بشریت را در شرایط صد بیستم - صد و سوازی انقلابی جهان بیگشا یند .

علیه ایدئولوژی تابع ساختن طبقه کارگر به

سیستم سرمایه داری

خبرنگار مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " درگت و شنودی با برخی از اعضا رهبری و شخصیت های برجسته احزاب کمونیست و کارگری پرسش هایی را مطرح کرد و نظر آنان را درباره آن سئوالات جویا شد . پرسش ها بشرح زیر است :

ضمون فعلی سیاست و جهان بینی که در ماهیت امر معنی تابع ساختن طبقه کارگر به سیستم سرمایه داری در کشور شماست ، چیست و نمونه های برجسته نظریات و عقاید و شعارهای آنها کدام است ؟ میزان واقعی نفوذ و تاثیر آنها در کشور شما تا چه اندازه است ؟ حزب شما برای مبارزه با این سیاست و جهان بینی چند تا ابیری اتخاذ کرد بوجه اقدامات میکند ؟ در این شماره مجله " مسائل بین المللی " ما پاسخ های ایرج اسکندری دبیر اول حزب توده ایران ، جیمس اوست عضو شوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحد آمریکا و ژیلبرتووی برادر بیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست کلمبیا ویدرومیتا عضو کمیسیون سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست پرورا از نظر خوانندگان میگردانیم .

ایرج اسکندری

دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

مقدم بر هر چیز باید یادآور شوم که سیستم سرمایه داری اساساً بر پایه ساختن طبقه کارگر و بنظام استثمار سرمایه داری استوار است . بنابراین این تبعیت بخودی خود نمیتواند ایدئولوژی باشد بلکه بنیان مادی است که تمام ایدئولوژی بورژوازی روی آن پی ریزی میشود . در ایران هم مثل همه کشورهای سرمایه داری تبعیت طبقه کارگر از سیستم سرمایه داری با استثمار این طبقه بسود سرمایه داران داخلی و خارجی مشخص میشود .

در باره نمونه های برجسته نظریات و عقاید و شعارهای که هدف از آنها گمراه ساختن جنبش کارگری در کشور ما است ، باید بگویم که فرق اساسی با آنهایی که در سایر کشورهای سرمایه دار مباحثه داده می شود ندارند . تفاوت آنها در ساده لوحانه بودن شعارها و استدلالهاست .

نفی و انکار مبارزه طبقاتی در جامعه ایران برای اثبات این حکم است که گویا " انقلاب شاه و مردم " به استثمار انسان از انسان پایان داده و زحمتکشان ایران از این به بعد باید در ردیف سرمایه داران نقش خود را در پیشرفت اقتصادی و در راه رفاه و آسایش همگانی و ترقی اجتماعی ایفا نمایند . میگویند این نظریه را درست رارواج دهند که گویا وحدت ملی مبارزه طبقاتی را از بین میبرد و معکس همکاری نزدیک میان کارگران و کارفرمایان بنظر بهبود کارموسسات و پیشرفت تولید را که درست در نقطه مقابل آن قرار دارد ایجاد میکند .

رژیم از یکطرف شدیدترین تشفیفات ضد کارگری را اعمال میکند (از قبیل حضور دائمی ماسوران سازمان امنیت در کارخانه ها - پیگرد - اخراج کارگران - بازداشت های غیرقانونی و ضرب و جرح کارگران احتضانی وغیره) و از طرف دیگر بطور سیستماتیک هم مذهب اسلام را در مقابل اندیشه های مارکسیسم و کمونیسم میان کارگران تبلیغ مینماید . رادیو - مطبوعات و تلویزیون هر روز اخبار نادرستی درباره اوضاع کشورهای سوسیالیستی پخش میکنند و روحانیونی که در خدمت دولت اند علیه " ماتریالیسم و کمونیسم آنتیستی " سخنرانی کرده و زحمتکشان را به اطاعت و رضاد مقابل " سرنوشتی که خداوند در این جهان برایشان مقدر ساخته و دل بستن به سعادت و آسایش دنیا بدیگر " فرامیخوانند .

رژیم ضد دموکراتیک شاه - از سوی دیگر - برای نگراه ساختن طبقه کارگر و روکش در مقابل مقاصد و نیات انقلابی آن از زراد خانه سرمایه داری برخی اشکال رفورمیستی سهم کردن کارگران در سود کارخانه ها را بعمارت گرفته است . طبق اصول " انقلاب شاه و مردم " کارگران هر یک از موسسات به نسبت کمیت و کیفیت کار اضافی که انجام میدهند حق دارند سالانه سه پنجاه چیزی از درآمد موسسه را دریافت کنند . علاوه بر این بموجب فرمان شاه بخش معینی از سهام برخی از موسسات صنعتی باید بکارگران فروخته شود و کارگران میتوانند مبلغ لازم برای خرید سهام را از بانکهای کشور وام بگیرند ولی در عوض باید سهام خرید شده را تا پایان پرداخت وام در بانک گرونگذارند . دستگا ههای تبلیغاتی کشور با استناد به سهم شدن کدانی کارگران در سود کارخانه ها و مالکیت جمعی واهی کل سهام وسیله کارگران از " انقاص " سرمایه داری در نتیجه " توسعه مالکیت صنعتی " دم میزنند و خیلاست خود علیه سوسیالیسم " بنزله کالای وارداتی از خارج و غیر قابل قبول برای جامعه ایران " ادا می دهند .

بنابین گفته محافل رسمی سیستم اجتماعی - اقتصادی ایران معاصر گویا پدید میبوه ایست که از " سنن ملل هزار ساله " ناشی شده است . دستگا ههای تبلیغاتی بطور مستمر میگویند " باثبات رسانند " که گویا مارکسیسم کهنه شده است و گویا سرمایه داری تغییر ماهیت داد و پیشرفت آن پیش بینی های مارکس را رد میکند . بنظر اراشاعه رفورمیسم در میان طبقه کارگر از همه زراد خانه تبلیغات بورژوازی استفاده میشود .

برقراری رژیم ترور سیاسی خونین در ایران طبعاً مانع بررسی کامل افکار عمومی است و بنا بر این ارزیابی صحیح میزان تاثیر واقعی تبلیغات رفورمیستی در طبقه کارگر دشوار است . ولی همین واقعیت که رژیم مساعی فراوانی برای اشاعه نظریات رفورمیستی میان زحمتکشان بکار میرود بما امکان میدهد در بار مقاومت طبقه کارگر در مقابل اینگونه تبلیغات قضاوت کنیم . سنن انقلابی در طبقه کارگر ایران هنوز نیرومند است . سطح نازل زندگی زحمتکشان ، گرانی فوق العاده کالاها و ضروری ، کمی دستمزدها ، اخراج خود سرانکارگران ، محرومیت زحمتکشان از حقوق ابتدائی ایجاد اتحادیه های دولتی (در ایران سازمانها میسند یکاوسی دولتی وجود دارد) و بالاخره سرکوب خشن و پلیسی هرگونه ابراز تراضی و اعتصاب - همه گسواه بر این واقعیتند که رفورمیسم در طبقه کارگر کشورمان نفوذ زیادی ندارد . و در هجا اعتصاب بزرگ که طی سال گذشته بوقوع پیوسته این حقیقت را تایید میکند . ولی به تاثیر که این تبلیغات و تدابیر طول زمان میتواند روی زحمتکشان ایران داشته باشد نباید کم بهاداد شود . اگر در نظر بگیریم که بخش اعظم ارتش آمیلیوزی کارگران مزد بگیران اهالی روستاها هستند و بنا بر این هنوز نافع طبقاتی خود را کاملاً در نمیکنند ، خطر این تبلیغات کاملاً آشکار میشود . رژیم دیکتاتوری ایران موفق شد آریستوکراسی کارگری کم و بیش حرف همنو و مطیع که طرفدار سیاست رژیم است بوجود آورد . این قشر کوچکی است و واحد و دی از لحاظ اخلاقی منفرد شده است و اما در صورتیکه از آن پشتیبانی بعمل آید قادر است تاثیر زیان بخشی روی زحمتکشان باقی گذارد .

حزب توده ایران بطیرغم فعالیت در شرایط غیرعادی و شدیدترین تشویق و فشارهاش که بر آن وارد میآید بطور بیگری علیه نظریات رفورمیستی رژیم مبارز میبکند . فعالیت حزب با خطرات انداختن جان خود و بنظر روشن کردن افکار زحمتکشان وسیع آنان برای اقدامات مختلف بد فاع از نافع حیاتیشان ، بکار در میان آنها ادامه میدهد . حزب با انتشار مقاله های مختلف در مطبوعات حزبی (روزنامه " مردم " و مجله " دنیا ") ، با ترجمه و طبع و انتشار آثار کلاسیک های مارکسیسم - لنینیسم و نشر جزوه های ویژه برای زحمتکشان ایران و در برنامه های رادیویش خود علیه مواضع رفورمیستی رژیم در دیکتاتوری و همچنین علیه نظریات چپ گرایانه ای که بنومه خود طبقه کارگر ایران را گمراه میسازند و آنرا ابرامانار شیمس و ماجراجویش میکشاند و بشد شهباززه میکند .

جمعی اووست

عضو هیروی سیاسی کمیته مرکزی
حزب کمونیست ایالات متحده
امریکا

اندیشه های همکاری طبقاتی و با مشارکت طبقاتی در ردیف آنتی کمونیسم و نژاد پرستی از وسائیل عمد و ایدئولوژیک برای تابع ساختن طبقه کارگر به سیستم سرمایه داری است . این اندیشه ها در کشور ما وسیله سیاستمداران بورژوازی رفورمیست های مرتجع از قماش ج . مینی و عمال آنها در جنبش کارگری کوبا به سیستم دموکراتیکهای راستگرایاندر رواج داد میشود . از جمله " دلائل " طرفداران ایسن قبیل اندیشه ها ، دلائل زیر امیتوان بعنوان نمونه یاد آور شد :

" گدشت وفد کاری بر این " : هر فرد برای رهائی کشور از تنگناهای اقتصاد یوغیره باید برابر باد دیگران گدشت وفد کاری کند . از این شعار برای جلوگیری از افزایش دستمزدها هم استفاده میشود (وقتی اینهمه بیکار در کشور وجود دارد ، ما نباید افزایش بیش از اندازه دستمزدها را خواستار شویم) . درباره این مسائل هم زیاد بحث و گفتگو میشود که مثلاً " خطرواردات از خارج ما را تهدید میکند " ، یا اینکه جلوگیری از افزایش دستمزدها میتواند " به قدرت رقابت در برابر نیروی کار آرزان در خارج یاری رساند و بدین ترتیب وارد کردن کالاها ی خارجی را پس صرف میکند " و یا اینکه " افزایش قدرت رقابت نیازمند تشدید کار و کاهش تعداد کارگران است تا بتوان از نیروی کار هر کارگر و از تعداد کمتری کارگر محصول بیشتری بدست آورد " .

یک دلیل دیگر : " ما باید با پاتورم رفورمیسم و با بیکاری همراگه در شرایط وجود سیستم سرمایه داری آزاد و رقابت آزاد بخواهید سطح تورم را کاهش دهید باید به قبول بیکاری تن در دهید و اگر سعی شما در کاستن سطح بیکاری است وقت باید با تورم سازگار گردید " . اما حتی از این موضع هم نمیتوان روشن کرد که بچه سبب در ایالات متحده ، امریکا ، در آن واحد هم بیکاری انبوه زحمتکشان وهم تورم فوق العاده وجود دارد .

" سیستم ما سیستم درآمد و منفعت است " کار تولید بدون منفعت وجود ندارد . درآمد منطقی و عقلانی چیز خوب است . بسیاری از کارگران و از جمله کارگرانی که دارای غریزه ضد طبقاتی اند این دلیل و منطق را با این شرط می پذیرند که درآمد ها باید حد و حدود " منطقی و عقلانی " داشته باشند . این یکی از دلائل حساسی است که باید در شود . این نظریه که درآمد ها باید " منطقی و عقلانی " باشند به معنی واقعی کلمه این " ارزش " نسبی را داراست که با واقعیت موجود به چوجه جور در نمی آید ، زیرا واقعیت

عبارتست از درآمد های اضافی که شرکت های بین المللی و انحصارهای ملی بدست می آورند . بهمان نسبت که کارگران به این حقیقت پی میبرند غلبه براندیشه " ضرورت درآمد ها " که مانع رشد آگاهی ضد انحصاری و ضد سرمایه داریست امکان پذیر میگردد و در راه برای درک و فهم اندیشه های سوسیالیستی همواره میشود .

وسایل و امکانات ایدئولوژیک سرمایه انحصاری نیروی بسیار جدی و مهمی است و آنها مانع از پیشرفت مبارزه طبقاتی و رشد آگاهی طبقاتی میگردد . مانع از آن میشوند که کارگران بنیروی خود پی ببرند و بخود و وحدت خود بپروا اعتماد کنند و ضرورت داشتن موضع طبقاتی مستقل و حزب سیاسی مستقل ضد انحصاری و نقش رهبری طبقه کارگرا درک کنند .

با توجه به اینکه کارگران از تجربه شخصی خود و تجربه سایر زحمتکشان در مبارزه درس نمیگیرند و کمونیست های ایالات متحد و امریکا مبارزات فردی و سازمان نیافته اعضای سندیکاها و اشکال ویژه جنبش که در بسیاری از سندیکاها بنظر ایجاد تحول در سیاست سندیکائی از مشارکت طبقاتی به مبارزه طبقاتی انجام میدهد توجه فراوانی میزدول میاورند . این جنبش تاثیر عمیقی در سندیکاها میبخشد و آنها را براه تغییر و تحول و فعالیت و موثراتیک افکند . است . بطور مثال در انتخابات اخیر سندیکا فولاد سازان نمایندگی ای که اعضای ساد سندیکا پیشنهاد کرد . بودند در صحنه اصلی که یک سوم اعضای تمام سندیکا را شامل میگردد از لحاظ تعداد آراش که بدست آوردند بود اول شد .

مبارزه اعضای عادی سندیکا در برخی از رهبران سندیکاها نیز مشروط واقع میشود . مثلاً وین پیسینجر صدر جدید هیئت رئیسه سندیکای فلزکاران اعلام کرد که او در شورای اجراییه فدراسیون کار امریکا و کنگره سندیکا های تولیدی در راه صرف نظر کردن از مواضع " جنگ افروزان " در سیاست خارجی بسود موضع گیری صلحجویانه و در راه پیروی از فعالیت شدید در سیاست داخلی برای جلب کارگران غیر متشکل به اتحاد پیمای کارگری و وضع قوانین اجتماعی مترقی مبارزه خواهد کرد .

حزب کمونیست ایالات متحد و امریکا کوشش خود را روی کارمیان کارگران صنایع سنگین که پر شمار ترین واحد طبقه کارگراست و بترکز میسازد . به انتشار مطبوعات کمونیستی و جزوه ها و تراکت ها روزنامه های کارگاهها میان کارگران صنایع سنگین و همچنین ایجاد کلوب های حزبی برای کارگاهها در موسسات گوناگون توجه فراوان میشود . حزب کمونیست ایالات متحد و امریکا جزوهای بسیاری خطاب به فولاد سازان کارگران صنایع اتوبیل سازی و کارگران معادن و دیگر کارگران انتشار داده است . در این جزوه ها سوسیال دموکراتهای راستگرا ، مشارکت طبقاتی و همچنین ماجراجوشی خرد ، بورژوازی افشا میگرد و در مسائل اقتصادی نظیر تناسب میان دستمزدها و قیمت ها ، درآمد ها و تورم بررسی میشود و موفقیت های اتحاد جاه طلب شوری و سایر کشورهای سوسیالیستی شرح داده میشود . طی تبلیغات دانته دارا خبر برای افزایش تعداد خوانندگان روزنامه " دیلی ورلند " ۱۲۰۰ نفر بمتعدد آینه شدگان افزود و گردید فرو شو و انتشار آن در موسسات بیزان قابل توجهی افزایش پیدا کرد .

ژولیترووی یسرا

دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست کلمبیا

ایدئولوژی تابع ساختن طبقه کارگر به سیستم سرمایه داری در کلمبیا بشکل رفورمیسم کاذب و پاتر- نالیسم و اندیشه های همکاری طبقاتی تظاهر میکند . اساس ترین شماری که سیاستمداران ایدئولوگ ها برای گمراه ساختن جنبش کارگری در کلمبیا مورد استفاده قرار میدهند شعار " اقتصاد مورد توافق " است .

صاحبکاران و زحمتکشان و دولت است . دولت ائتلافی در حزب سنتی محافظه کار و لیبرال هم این شعار را عطا کرد و اند . در شرایطی که جنبش توده معاشی که خواستار افزایش دستمزدها و بعلت بالا رفتن سطح تورم اند و بسرعت گسترش مییابد و دولت کمندی " اقتصاد مورد توافق " را براه انداخته و شورای ملی ویژه مسائل دستمزدها را فراهم خواند . اما بطوریکه میدانیم نمایندگان اتحاد سرمایه داران و دموکراتز سندیکائی سنتی (اتحاد زحمتکشان کلمبیا و کنگره فدراسیون زحمتکشان کلمبیا) در ترکیب این شورا هستند و نمایندگان سازمان مستقل طبقاتی یعنی کنگره فدراسیون سندیکائی زحمتکشان کلمبیا را در آن راه نیست . پس از وندگی های بسیار حاد و بدولت توصیه میشود که دستمزدها را بیزان ناچیزی افزایش دهد . ولی این افزایش حتی پانسی از بالا رفتن قیمت ها در نتیجه تورم هم برابری نمیکند و عملاً بمعنی کاهش دستمزدها واقعی کارگران است . اما این قبیل اقدامات بطور موقت از شدت فعالیت کارگران و مطرح ساختن خواستههایشان میگذرد .

تاثیر چنین ایدئولوژی باافسانه های رنگارنگی در باره " اقتصاد مورد توافق " هنوز زیاد است . محافل قابل توجهی از طبقه کارگر و مقدم بر همه آنها کمیته موسسات دولتی و ورشده خدمات مشغول بکارند و از احزاب محروم گردید و معطوف به تضییق و فشار از طرف دولت ناچارند بدان متوسل شوند و هنوز هم این افسانه ها را باور میکنند .

بنظر من پشتیبانی از تمام اشکال مبارزات هاد لانه پرولتاریا و همبستگی فعالانه کمونیست های با خواستههای زحمتکشان و مظاهرات اقتصادی و سیاسی آنان ، مقدم بر هر چیز از موثرترین وسائل واکش در برابر سیاست تابع ساختن طبقه کارگر به سرمایه داری است . کمونیست های کلمبیا از خواستههای زحمتکشان و از مبارزه ای که سازمانهای مرکزی سنتی سندیکاها تحت فشار کارگران سازمانهای اولیه سندیکائی بناچار بدان دست میزنند پشتیبانی میکنند . در عین حال ما میان کارگران به فعالیت های مختلف تربیتی باصبر و حوصله و بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم و تجربه جنبش جهانی کارگری ادامه میدهم . در کلمبیا این وظیفه با اشکال گوناگون بانجام میرسد و حزب ما اهمیت آنرا هر چه بیشتر تأیید میکند .

پدر روماتیا

عضو کمیسیون سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست پسر

مضمون ایدئولوژی تابع ساختن طبقه کارگر به سیستم سرمایه داری در کشور ما در وجهت آشکار میگردد .

اولی عبارت از تلاش بنظر ممانعت از این است که طبقه کارگر آگاهی طبقاتی خود را استوار سازد و زیر این آگاهی بوی امکان میدهد ضمن مبارزه در راه چشم انداز تاریخی ویژه خویش نقش سیاسی مستقلی ایفا کند . میگوید که گویا پرولتاریا هنوز به از لحاظ کمی و نه از لحاظ کیفی تکامل نیافته و گویا نقش رهبری در حال حاضر در آید . باید از آن محافل سرمایه داران (آنها را " نیروی زنده " جامعه مینامند) و همچنین از آن برخی از کاتگوری های قشرهای میانه باشد و زیرا گویا آنها در سطح عالی تحصیلی و حرفه ای و فنی هستند و دستگاه اداری دولتی را در اختیار خود دارند . اینها دلائل کاذبی هستند . سطح متوسط پیشرفت از مشخصات سرمایه داری و ایستاده در کشور ما است . واحد های نیرومندی از طبقه کارگر در کشور ما وجود دارد که در اتحاد پیمای صنفی بیشتری متشکل شده اند (تعداد شان بیش از چهار هزار است) و در کشور ما بیش از صد فدراسیون سندیکائی ملی و چهار مرکز سندیکائی موجود است .

نیروی جاذبه این سازمانها در آن بخش از دهقانان و قشرهای میانکله از سیاست اتحاد با طبقه کارگر پشتیبانی میکنند و متوجه فعالیت حزب ما و همچنین در جریان درگوشی های سالیهای ۱۹۶۸-۱۹۷۵ عقاید امپریالیستی و اندیشه های سوسیالیستی در طبقه کارگر مبادی گسترده ای انتشار پیدا کرد. این درگوشی ها توسط زحمتکشان را بر مرکز فعالیت های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشاند. زیرا اتحاد و مدعی به تقسیم درآمد موسسات و اداره امور آنهاست یافتند. و تا اندازه ای هم در استفاده از آنچه در مالکیت این موسسات است سهم شدند. در عین حال تضاد این پروسه در این است که دموکراتهای انقلابی پرو میگویند وسیله این تدابیر طبقات را با هم سازش و آشتی دهند و بایعهای " وحدت ملی " را پی ریزی کنند.

دوم اینکه ایدئولوژی تابع ساختن طبقه کارگر به سیستم سرمایه داری مکی به آداب و رسوم و شیوه زندگی، مذاهب و چیزهای دیگری است که نتیجه سیاست موجود حاکم بر کشور میباشند و این مناسبات را در نقطه مقابل ارزش های عالیتر انسانی قرار میدهند. یکی از شرایط مقدماتی ویژه این ایدئولوژی " تمدن غرب و مسیحی " است که گویا باید از آنها دفاع کرد. در عرصه سیاسی به ملت گرایش و منطقه گرائی (" ایندو امریکانیسم " و " ترسریسم " (۱) و نظایر اینها) روی میآورند تا کشور را از پیشرفت جهانی و تاثیرات آن جدا و منفرد ساخته و بدان ویژگی خاصی بخشند. این امر امکان میدهد این یا آن گرایش را بمنزله " بیگانه و خارجی " و " مشابه " تقلید از خارجیان " قلمداد کنند. نظریات دیگری مانند کشورهای " فقیرونی " و " صنعتی و عقب مانده صنعتی " هم رواج دارد و بلاخره ما با تلافی آنها برای پی اعتقادی به قوانین عام پیشرفت اجتماعی و مضمون واقعی دوران ما روبرو هستیم و این امر ضلالت سردرگمی ایدئولوژیکی است که ایدئولوگ های امپریالیسم هم آنرا تشدید میکنند.

ایدئولوژی تابع ساختن طبقه کارگر به سیستم سرمایه داری در بخش مهمی از قشرهای اهالی نفوذ و تاثیر دارد ولی در جنبش کارگری بتدریج تضعیف میگردد. در کشور ما آگاهی طبقاتی کارگران بطور مستمر افزوده میشود. در حال حاضر ما در امتداد وحدت سندیکائی فعالیت میکنیم و پایه استواری برای اتحاد کارگران و دهقانان فراهم آوریم. نه فقط منطق و برهان بلکه فاکت ها هم " تئوریهایی " فوق الذکر را با شکست مواجه میکنیم. در کشور ما یک سلسله درگوشی های ضد امپریالیستی، ضد الیگارشی و حتی ضد سرمایه داری بوقوع پیوسته است.

مبارزه علیه ایدئولوژی تابع ساختن طبقه کارگر به سیستم سرمایه داری با فعالیت حزب ما در راه متشکل ساختن قشرهای مختلف اهالی بویژه طبقه کارگر پیوند دارد. فعالیت در سازمانهای سندیکائی در واقع و عملاً به انتظار سوچ اندیشه های سوسیالیستی کمک کرد و روشن است که این پدیده بخود ی خود نیروبخش مبارزه علیه گرایش های چپ است. در عین حال تجربه مبارزه بر ضد اربابان و قوانین موجود در کشور و پایه و اساس آن زحمتکشان را به لزوم گسستن از ایدئولوژی بورژوازی متقاعد ساخت. اینک بهترین کادرهای حزب بکارهای ایدئولوژیک گمارد میشوند. حزب همچنین در سازمانهای فرهنگی، کشورهای صنعتی و سایر سازمانها فعالیت میکند و همین جریان بدان امکان داد در قشرهای متوسط نفوذ فراوانی کسب کند. توده های مردم را متشکل سازد و مبارزه آنان یاری رساند. اینها بمن خود شرایط مساعدی برای تبلیغ و ترویج اندیشه های سوسیالیسم و ازین بردن نفوذ و تاثیر ایدئولوژی بورژوازی در زحمتکشان بوجود می آورد.

۱- از " el Tercer mundo " یعنی " جهان سوم " .

چرا ما با کمونیست ها هستیم

بد نیال سلسله انتشاراتی درباره این موضوع (۱) مجله گفت و شنود خبر ما را با کمونیست های هند وستان که در سازمانهای توده ای ایالت پنجاب فعالیت میکنند بچاپ میرساند.

کارزار سینگ

من از خانواده " دهقانی فقیری هستم. برادر بزرگم کمونیست بود و من این امکان را داشتم که با فعالیت روزانه حزب از نزد یک آشنا شوم، عبارت دیگر شاهد کاری باشم که برادرم و رفقایش بدستور حزب انجام میدادند. خود این فعالیت هم توجه مرا بخودش جلب کرد زیرا امیدم و درک میکردم که این کار بسود مردم عادی و ساده انجام میشود. صفات شخصی کمونیستها هم برای من جالب بود. آنها مردم پاک و شرافتمندی بودند که مقدم بر هر چیزی منافع همگان و نه آن خویش میاندیشیدند و در فعالیت و مبارزه نمونه بودند. بهمین سبب است که من همیشه به کمونیستها و حزب کمونیست علاقمند بودم.

ولی من هنگامی بحضرت حزب درآمدم که در سازمان مخفی اتحادیه الکتریسیته کار میکردم و به تجربه خود باین نکته یقین حاصل کردم که مبارزه در چپ با رجب اتحادیه ها به تنهایی برای حل تمام مشکلات ما کافی نیست.

من حالا هم در سازمان سندیکائی کار میکنم. ما کارگران راد راه مبارزه با خاطر برخی از خواسته های اقتصاد پشان متحد میسازیم. مردم حالا دیگری برای مبارزه در این راه آماده اند. ولی ما میکوشیم آنها را بهمینام که این کافی نیست و در ضمن مردم را آماده مبارزات سیاسی میکنیم. ما در فعالیتهای سیاسی هم شرکت میکنیم. هنگامیکه اجتماع در هند وستان به تعرض دست میزند ما فعالیت سیاسی را بقیاس ایالت سازمان میدادیم و کارگران را برای شرکت در این عملیات بسیج میکنیم. ما برای آنها شرح میدادیم که در روزهای دشوار باید پشتیبان سندیکای خود را نباید خواسته های خود را به مسائل اقتصادی محدود کرد. باید جلوتر رفت؛ فقط سوسیالیسم میتواند ما را به هدف مقصود ما برساند.

من موفق به جلب اعضای تازه به حزب شدم که همه از کارگران رشته برق اند. زمانی بود که من تنها فرد کمونیست در سازمان سندیکائی بودم. حال تعداد آنها به ۴۰۰ نفر رسیده است.

جنبش جهانی کمونیستی شعار معروف " پرولترهای جهان متحد شوید! " را با داده است. این واقعیت که تمام کارگران جهان دارای منافع مشترکی هستند بمانیرو توان می بخشد. ما همه دوش بدوش یکدیگر مبارزه میکنیم و فقط با مساعی مشترک میتوانیم موفق به حل و فصل معضلات مشترکمان بشویم. ما میکوشیم تجربه احزاب کمونیست کشورهای دیگر را بگیریم و شیوه های مبارزه را از آنها میآموزیم. بحقیقه ما در اوضاع و احوال سیاسی کنونی که در کشور ما پیش آمده، این تجارب اهمیت فراوان کسب میکند و بسا واقعا کمک میرساند. بهمین سبب است که من نه فقط به عضویت در حزب کمونیست خود مان بلکه از تعلق داشتن به تمام جنبش جهانی کمونیستی فخر و مباهات میکنم.

دس راج

تصمیم پذیرفتن عضویت حزب کمونیست هنگامی که من در اعتصاب شرکت جست بودم که ۳۶ روز طول کشید در من بوجود آمد. درست همان وقت من بخواهی درک کردم که فقط این حزب واقعا به امر طبقه کارگر صدیق و وفادار است و برنامه مبارزه در راه منافع آنرا داراست. پس از آن با بسیاری از کمونیستها ملاقات و گفتگو کردم و وارد حزب شدم.

باید بگویم که من از محیطی که دشمن کمونیستهاست برخاسته و آنها پیوسته ام. عقاید و نظریات

۱- رجوع کنید به: مجله " مسائل بین المللی " شماره های (۱ و ۲) سال ۱۳۵۶.

تمام خوشان و دوستان من ارتجاعی بود و پیش از این خود من هم بایک سازمان ارتجاعی بطور فعال همکاری میکردم. - بطوریکه، وقتی پس از آن اعتصاب من در افکار و نظریات خود تجدید نظر کردم مناسبات خویشان و دوستان با من بی‌اندازه بد شد. برخیها مرا احق نامیدند و عده ای بمن میخندیدند. با اینکه اینطور تصمیم گرفته که در عمل با آنها ثابت خواهد کرد که حق با من است. ضمن انجام کارهای حزبی با دشواریهایی روبه رفته ام که میکوشم بتدریج آنها را برطرف سازم. یکی از بزرگترین مشکلات بیسواد می بود. من فقط ۷ کلاس درس خوانده ام، انگلیسی بلد نیستم و بهمین سبب هم بخودم اجازه نمیدادم انجام وظایف پر مسئولیت را بعهده بگیرم. رهبران حزبی آمریت سارا Amritsara خیلی بمن کمک کردند.

ما کمونیستها ضمن فعالیت در جنبش سندیکائی فقط در راه افزایش دستمزدها و اضافه حقوق و افزایش مدت مرخصی و دیگر خواستههای مردم کارگران مبارزه نمیکنیم. هدف عده مبارزه با ایجاد تغییرات بنیادی در زندگی طبقه کارگر است. ما این مبارزه را بطور پیگیر دنبال میکنیم. تمام مردم این رامیبینند. میتوانم بگویم که حال زن و بچه های من و تمام اقوام نزدیک من به حزب اظهار علاقه میکنند. در محیطی که پرورش یافته، همواره بمن میگفتند دشمن عده، حزب کمونیست هند وستان است، و تمام احزاب کمونیست "حال اتحاد شوروی" اند. پس از ورود به حزب فهمیدم که اینها همه دروغ است. دوستی و روابط ما با اتحاد شوروی و شیوه زندگی که در آنجا پیدا آمده و رو بکمال میرود برای اندیشه های کمونیسم میان کارگران هند وستان وجهه و اعتبار وجود میآورد. بسیاری از رفقای ما که اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را دیده اند تعریف میکنند که کسب دانش و کار و حقوق باز - نشستگی و حقوق مهم دیگری را آنجا برای کارگران تضمین شده است. مادر زندگی روزانه خود بیش از پیش پشتیبانی جهان سوسیالیسم و جنبش کمونیستی را احساس میکنیم. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به پیشرفت و تکامل صنایع کشورها کمک میکنند. کمک آنها در کشورها و احدهای مختلف صنعتی ساخته میشود. تمام اینها موجب تثبیت و استواری اندیشه های است کمبود دفاع حزب ما است و در همین حال به افزایش نفوذ کمونیستها میان توده های پاری میرساند.

موهیندر پورک

تمام اعضای خانواده من، پدر و مادر و خواهران و اقوام نزدیک همه عضو حزب اند. من از همان دوران کودکی چیزهای زیادی درباره لنین و اتحاد شوروی شنیدم. درباره آنها شغور و آوازی خواندند. معلوم است که من همیشه به کمونیستها تمایل داشتم، ولی از اینکه من مثل یک زن چگونه میتوانم در جنبش کمونیستی شرکت کنم و چگونه چه کمکی به امر مشترک میتوانم برسانم تصور روشنی نداشتم. ملاقات با زنی که از فعالین حزب بود. مراد رزم خود و در انتخاب راهی که برگزیدم استوار ساخت. او موسیقی را خوب میدانست، (و من هم موسیقی علاقه داشتم و میخواستم به تحصیل ادامه بدهم) ولی دانشه معلومات و مطالب مورد علاقه وی بسیار وسیع بود. او در حزب کاربردی انجام میداد و در همین حال می توانست ماهیت و مقصود از این فعالیت را هم تشریح نماید. پس از ورود به حزب من بطور فعال در جنبش زنان بکار پرداختم.

تا اندازه ای که من بر اساس تجربه شخصی خود میتوانم قضاوت کنم وقتی انسان کمونیست می - شود قادر بر درک عمیق مسائل دوران معاصر میگردد. در همین حال وقتی زن در حزبی کار میکند مسئولیت بزرگی هم در مقابل کسانی که با او اعتماد میکنند و هم در مقابل حزب احساس مینماید. در هند و ستان افراد ساده ای از کمونیستها پشتیبانی میکنند از ماتو قعات زیادی دارند، و علاوه بر این میخواهند ما را افرادی نمونه و نوعی سرمشق زندگی ببینند. ستمهای دیرینه ما چنین است که درباره انسانها مقدم بر هر چیز بر اساس زندگی روزانیشان قضاوت میکنند. البته در زندگی کشور ما

تغییراتی روی میدهد و شعور و آگاهی مردم هم از برخی جهات عوض میشود. ولی من مانند گذشته باین عقیده ام که کمونیست باید در زندگی شخصی ساده و متواضع باشد و در مناسبات با مردم و برخورد به حل مسائل گوناگون هم سادگی و تواضع را پیشه خود سازد. در این امر او باید نمونه برای دیگران باشد. نام کمونیست نیازمند صفات شخصی اخلاقی عالی است.

انسان از این لحاظ هم احساس مسئولیت میکند که جنبش کمونیستی یک جنبش بین المللی است. در ضمن مادر سازمان های زنان و اتحادیه های هم که عضو سازمانهای بین المللی اند فعالیت میکنم. ماهرو زیاطرز کار آنها و آنها با کار ما آشنا میشوند. ما میدانیم جهان امروز چنین است که آنچه در هر یک از گوشه های آن روی میدهد در زندگی سیاسی هند وستان تأثیر میکند و در همین حال آنچه ما انجام میدهم باین یا آن شکل در رو رسد اد های جهان و بسط و تکامل جنبش جهانی کمونیستی مؤثر است. وقتی انسان چنین ارتباطی را احساس میکند، میکوشد با تمام قوا فعالیت نماید.

تنها شق ممکن در قبال فاشیسم

شدید متوسل شدند و ملی در نتیجه روز بروز شدن با مقاومت مردم و وجود تضاد های دیر رونی شدیدی که بمبارزه بی امان برای رسیدن به قدرتی منجر شد بود ، آنها تا نگزیر بودند پیش از برقرار ساختن فاشیسم راه طولانی مانورهای مختلف را طی کنند ، به تعرض و عقب نشینی بپردازند و از قانون اساسی قوانین و لوائح تکمیلی دیگری را هم به مرحله اجراء آرند . با همه اینها در نتیجه مصادف شدن با مقاومت جدی در سر راه خود ، این نیروها تا به امروز هم موفق نشده اند فاشیسم را بصورت قانسوسی بگری بکشاند . آنها خود را ناگزیر میدانند که کمترین در یکتا توری ها را بایکند مگر کسی ظاهری آرایش دهند . مثلاً در سال ۱۹۶۲ قبل از اینکه قانون اساسی سال ۱۹۴۶ را که از جانب مجلس موسسان تصویب رسیده بود ، لگد مال کنند ، همین نیروها مجبور شدند قانون اساسی تازه ای بتصویب رسانند که حقوق معینی را تضمین میکرد . در سال ۱۹۶۹ هم بلافاصله پس از تصویب سند شماره ۵ که جانشینان قانون اساسی جدید گردید و به دیکتاتور قدرت مطلق تفویض نمود و نقش سنگره و قوه قضائی را بهیچ وجه مبدل کرد ، همین وضع روی داد .

نظام دیکتاتوری با چنین ابزار نیرومند حاکمیت مجهز شده بود طی سالهای ۱۹۷۴-۱۹۶۸ موفق شد برنامه های رشد اقتصاد ی با شاخص اضافه رشد یازده درصد در سال را تحمیل کند . این امر مطلقاً به برکت شرایط مساعد بازاری جهانی برای برزیل امکان پذیر گردید ، زیرا در آن دوره برای کالاهای صادراتی سنتی برزیل سطح قیمت ها بالا بود و این خود برای بازرگانی امکانات فراوانی پدید میآورد ، در نتیجه گذشت های بزرگ در برابر انحصارات برای سران بردن سرمایه بصورت وام و سرمایه گذاری شرایط مساعدی فراهم آمد و همچنین خرید مقدار زیادی نفت با قیمت مناسب امکان پذیر گردید . اما برای رسیدن به چنین شاخص هایی وجود شرایط مناسب و مساعدی در درون کشور نیز ضروری بود که عبارتست از :

استثمار شدیدی زحمتکشان ، کاهش دستمزدها و واقعی از طریق ثابت نگه داشتن منظم آن و تشدید جریان تولید ، آهنگ های سریع رشد اقتصاد ی که بشنا به " معجزه اقتصاد ی برزیل " جلوه داد ، میشد و نیکسون رئیس جمهور ریچین یا ایالات متحده ، امریکا کوشش میکرد آنرا بشنا به الگوی رشد و ترقی برای همه کشورهای امریکا ی لاتین ارائه کند در حقیقت به چنین بهائی بدست آمده بود .

چنین سمگیزی اقتصاد ی و مالی بمنظور تسریع رشد سرمایه داری بر پایه استفاده از تکنولوژی مدرن همچنین مستلزم توسعه بازار داخلی به مقیاس وسیعی بود . اما برای انجام این کار اصلاحات ساختاری عمیقی لازم بود . ولی کودتا درست بدین منظور انجام نگردید که از اجرای این قبیل اصلاحات فوری و فوری جلوگیری کند . درست بهمین علت تکنوکراتهای دولتی بجای در نظر گرفتن مصالح ملی به آنچه از طرف انحصارات بزرگ بین المللی تحمیل شده بود توجه داشتند و آنهم تولید کالا برای صادر کردن بود . بحیثیارت یک مجتمع صنعتی معاصر در شمال تشدید وابستگی کشور به انحصارات بین المللی ایجاد گردید . بهمین جهت عدم موفقیت این " الگو " طی مدت کم و بیش کوتاهی قابل پیش بینی بود .

در آغاز سال ۱۹۷۴ دیکتاتور دیگری یعنی ارنستو گایزل به حاکمیت رسید . تعداد زیادی از تکنوکراتهای شناخته شده از جمله وزیر برنامه ریزی کابینه رئیس جمهور ریچین با هیئت کارشناسان اقتصاد پیش کسور و اعتماد کامل صدوق بین المللی پول هستند ، در کابینه دولت وی شرکت جستند . از این روستا نیست که گایزل وزارت برنامه ریزی را منحل نکرد ، بلکه کوشید همان مشی گذشته را دنبال کند و در همین حان به اقتضای آنچه در عمل پیش میآید در آن اصلاحاتی بعمل آورد .

هدف برنامه ملی عمران و آبادی جدید یعنی برنامه دوم کوشش برای خروج ازین بستی بود که دولت جدید در نتیجه میراث نامطلوب اسلاف خود که سمگیزی آنها در درجه اول متوجه بازار خارجی

مبارزات خلق های امریکا ی لاتین که با قاطعیت و شدت در مقابل ارتجاع داخلی و بین المللی مقاومت نشان میدهند نقش هر چه آشکارتری در جنبش ضد امپریالیستی معاصر ایفا میکنند . در منتخبی از مقاله او به احیای هائی که در این شماره درج می گردد در بران احزاب برادر کشورهای برزیل و نیکارا گوئه در بار میزگیها و معضلات مرحله کنونی مبارزه نیروهای مترقی کشورهای خود در راه استقلال ، دموکراسی و ترقی اجتماعی صحبت میکنند . در مقاله نویسنده مسائل اجتماعی اتحاد شوروی برخی از شیوه های که امپریالیسم ایالات متحده امریکا برای اشاعه افکار رنخضریات خود در کشورهای امریکا ی لاتین بکار میبرد مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار میگیرد .

خسوزه سوارش

عضو مشاور کمیسیون اجرائی
کمیته مرکزی حزب کمونیست
برزیل

تجزیه و تحلیل اوضاع واقعی که مردم برزیل طی نزدیک به چهار دهه سان در آن بسر می برنند مویده آنستکه بدون مبارزه در راه دموکراسی وسیعی که بتواند راهگشای گسترش کامل ابتکارات، توده های انبوه در مبارزه رهائی بخش و اعتلای سطح اقتصاد ملی متوافق با منافع خلق و دفاع از استقلال ملی باشد ، به آزادی ملی نمیتوان دست یافت .

از سوی دیگر این بررسی نشان میدهد که ارتجاع تنها به کمک اعمال شدید ترین شیوه های جبر و ستم که هدفش جلوگیری از مبارزه توده معاست میتواند کشور را در وضع وابستگی اقتصاد ی نگه دارد . بهمین علت است که رژیم دیکتاتوری نظامی از همان آغاز مجبور شد در کشور حکومت نظامی اعلام کند . هدف از این اقدام آنستکه پروسه پیدایش و پیشرفت سرمایه داری دولتی - انحصاری وابسته در برزیل تسهیل شود و برنامه ای که هدفش تسریع رشد اقتصاد ی تمرکز سرمایه بقیاس وسیع و تولید کالا های صادراتی و ثابت نگه داشتن دستمزدها زحمتکشان به بهانه مبارزه با تورم و همچنین اجرای نقشه های تجاوزکارانه و توسعه طلبانه است ، تحقق پذیرد . در روزیسی از کودتا (۱) نظامیانی که حکومت را بدست گرفتند در پرچم " دفاع از قانون اساسی ، سنگره و قوه قضائی را " لگد مال کردند و در سر اسر کشور به تفضیلات

۱ - در آوریل سال ۱۹۶۴ جناح راست نظامیان که از توسعه جنبش مردم به هراس افتاده بود ، با حمایت محافظ امپریالیستی با توسل به کودتای دولت پوروزا - دموکراتیک ژ . گولارت را سرنگون کرد . هیئت تحریریه .

و وارد امتیازات مواد خام بود بدان دچار گردید و بود در برنامه جدید با توجه به ضرورت تادیبه و اسباب کلان خارجی توسعه بازار داخلی در درجه اول اهمیت قرار داشت و میبایست با تنگ کردن عرضه به بازار خارجی مقام عمد را احراز کند.

امادراین عطف توجه فوق العاده به بازار داخلی اتخاذ تدابیر اجتماعی - اقتصادی لازم و عمیقی که اجرای این وظیفه را امکان پذیر سازد پیش بینی نشد. بود از جمله چنین تدابیری قبل از همه میبایست لغو سیاست ثابت نگه داشتن دستمزدها و اجرای اصلاحات ارضی را در یکالی باشد که زمینداری بزرگ را "تفیند" و همه بازمانده های نیمه فئودالی از آنجمله مالکیت کوچک را ملغی سازد. تحقق چنین اقداماتی در عین حال بمعنی لغای مالکیت خصوصی بزرگ زمین و واگذاری زمین مردم است. این اراضی اکنون در دست انحصارات بزرگ و مقدم بر همه در دست انحصارات امریکائی است. این تدابیر میتواندست به سیاست فداکلیت با حمایت از تمرکز زمین داری بزرگ که طی سالها اعمال شده و برای همیشه خاتمه دهد. اجرای این تدابیر میتواندست به سیاستی که با منافع انحصارات بزرگ امریکائیست توافق دارد ضمیمه ملکی وارد سازد و بمنزله صرف نظر کردن از هژده فبائی بود که گوریل های غاصب حاکمیت دنبال میکنند.

فقدان پیگیری در برنامه جدید کاملاً روشن بود. این برنامه پرمدعا بطور کلی مقصد را دنبال میکرد: تمویض واردات و توسعه بازار داخلی تا مقیاس "صرف همگانی" و اجرای سیاست صادراتی بعنوان مکمل توسعه بازار داخلی. به اصطلاح سیاست تمویض واردات که هدف آن محدود کردن قابل ملاحظه بخشی از سرمایه های وارداتی مواد خام بود بنوعی با منافع گروه های انحصارات بزرگ خارجی در تضاد بود.

نظام دیکتاتوری بالاخره با شکست کاملی مواجه شد که برای رژیم پس آمد های تجدید برداشت این شکست با وضوح تمام بوجود بحران جدیدی اقتصادی و مالی و اجتماعی گواهی میداد که به تمامی شئون زندگی کشور سرایت کرده بود. پس آمد های بحران در زمینه سیاسی نیز بلافاصله تأثیرات خود را نشان داد. ناراضی توده های مردم به چنان مقیاسی رسید که دولت در انتخابات عمومی نوامبر سال ۱۹۷۴ با بزرگترین شکست پس از برقرار کردن رژیم دیکتاتوری مواجه شد. انتخابات بلوغ و کمال سیاسی خلق پرزیر آتشکار ساخت و پرولتاریا و دانشجویان روشنفکران کاتولیکها و هم نیروهای عمد کشور و از آنجمله بخش قابل ملاحظه ای از کارفرمایان بنامزد های یگانه حزب اپوزیسیون مجساز یعنی جنبش دموکراتیک برزیل که تقریباً بشابه جنبه وسیع مخالفین رژیم عمل میکرد و راعداوند. نیروهای ویژه اعمال تزییقات رژیم در سراسر کشور با بزرگترین اقدامات سروریستی پس از سال ۱۹۶۴ به این اقدام کسحکم کنند سیاست متضاد با مصالح عالیله ملت از طرف توده های انبوه مردم بود پاسخ گفتند. ضربه اصلی به حزب کمونیست و کمیته مرکزی آن وارد آمد. با وجود این رژیم دیکتاتوری مجبور شد عقب نشینی کند و عملاً به شکست خود اعتراف نماید. در پایان سال ۱۹۷۵ دولت ناگزیر شد در برنامه مالی - اقتصادی خود تجدید نظر کند و واقعیت آنرا سچور کرد که ۱۸۰ درجه موضع خود را تغییر دهد. در نتیجه تغییراتی که در خط مشی سیاست اقتصادی و مالی داده شده توجه کارشناسان اقتصادی روی این مطلب مترکز شده که "گند کردن" اقتصاد نام گرفت و شاخص رشد کمتری - نزدیک به پنج درصد در سال در آن پیش بینی شد. بود. این تغییرات همچنین موجب دور شدن از سیاستی گردید که وظیفه عمد و آن توسعه بازار داخلی بود.

از آنجاکه انجام تعهدات مربوط به پرداخت وام های خارجی ضروری بود و دولت از تومبوسور به جستجوی اعتبارهای تازه شد. این امر موجب گردید که وام های خارجی که مقدار آن در حال حاضر

تقریباً سی میلیارد دلار میرسد افزایش یابد. پس آمد چنین سیاستی افزایش تورم بود که به پنججاه درصد رسید و بنوعی خود باعث گرانی و افزایش هزینه زندگی گردید. پرولتاریا در مقابل این اوضاع با تحت فشار قرار دادن شدید دولت واکنش نشان داد و خواستار تنظیم دستمزدها گردید و دولت را مجبور کرد برای تضعیف سیاست "ضد تورمی" خود تدابیری اتخاذ کند و تا حدودی با افزایش دستمزدها موافقت نماید.

عدم موفقیت تدابیر جدید دولت بحران اقتصادی و اجتماعی را حادتر نمود. عوارض روز افزون بحران سیاسی رژیم دیکتاتوری را هر چه بیشتر منفرد میسازد. با وجود تزییقات فراوان و مقیاس وسیع متحدودیت فعالیت اپوزیسیون و در انتخابات شهرداری در سال ۱۹۷۶ جنبش دموکراتیک برزیل تقریباً در همه مراکز صنعتی و ویژه درسه ایالت کسبترین ایالات کشور هستند و برنا مزد های دولتی پیروز گردید. در اوایل سال ۱۹۷۶ متجاوز از هزار تن از نمایندگان روشنفکران نامه ای برای دولت ارسال داشتند و طی آن علیه سانسوری که در سراسر کشور اعمال میشود اعتراض نمودند. در آغاز سال ۱۹۷۷ سند جدیدی که از جانب کنگران ملی روحانیون مسیحی تهیه شده بود و انتشار یافت. در این سند مسئله دولت مورد تحلیل قرار گرفته بود و رژیم فاشیستی موجود در کشور محکوم شده بود.

همه این عوامل موجب نگرانی روز افزون دولت است. دولت برای ایجاد تفرقه میان نیروهای اپوزیسیون و تصویب رساندن تدابیر ارتجاعی در کنگره کممقصد از آنها جلوگیری از شکست قطعی تر در انتخابات عمومی است که برای سال ۱۹۷۸ در نظر گرفته شده و دست به تلاشهای زده است. پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست برزیل که در مارس سال ۱۹۷۷ تشکیل شد در مورد این نوع مانورهای دیکتاتوری باین نتیجه رسید که کشور در وضعی است که وخامت آنرا نمیتوان نادیده گرفت. همانطور که در پلنوم خاطرنشان شد در همزمینه های زندگی ملی مظاهر شکست های آشکار سیاست اقتصادی و اجتماعی که رژیم فاشیستی بر کشور تحمیل کرده و رو به فزونی است. در رژیم دیکتاتوری شکاف های پدیدار میشود و به همین علت بین ثبات و گزند پذیر تر و در عین حال خطرناک تر میشود. فاکت های بسیاری در دست است که نشان میدهد به تعدد کسانی که به تدابیر اتخاذ شده از جانب رژیم باور ندارند. افزودن میگردد. تعدد افرادی هم که به توانائی آن برای جلوگیری از تورم و افزایش وام های کشور و بالا رفتن قیمت ها و جلوگیری از شوه خوار و دیگری پدیدهای منفی که موضع زندگی اکثریت قریب به اتفاق اهالی را وخیم تر میکند اعتقاد ندارد. روز بروز بیشتر میشود.

ولی این عوامل کنگوا پدید آمدن نخستین نشانه های تضعیف موقعیت رژیم است بمعنای آن نیست که رژیم دیکتاتوری دیگر بمزوال نزدیک شده است. رژیم هنوز به حد کافی برای حملات متقابل نیرو دارد و این حملات متقابل میتواند فوق العاده شدید باشند. "ناراضی فزاینده توده های انبوه و اختلال جنبش اپوزیسیون ملی بر ضد فاشیسم متحد و شدن هر چه بیشتر با یونین های سیاسی رژیم در کشور وضعی را بوجود میآورد که بسوی بحران سیاسی پیش میرود. به همین علت خروج ایحسران و پیروی از سیاست مشترک قاطعی نسبت به استقرار نظام دموکراتیک در برزیل. یعنی نسبت به آنچه که باید هدف نیروهای اپوزیسیون باشد. در برابر آنها قرار میدهد (۱).

رویدادهای بعدی درستی استنتاجات کمیته مرکزی حزب کمونیست برزیل را تایید کردند. دولت در پاسخ به امتناع کنگره از تصویب یک رشته تدابیر ارتجاعی علیه قوه قضائی و در زمینه محدود کردن حقوق فوق العاده خود کنگره و تغییر در خصلت انتخابات سال ۱۹۷۸ در آغاز آوریل سال جاری کنگره را تعطیل

کرد و قوانین مبتنی بر سنسند شماره ۵ اصلاحات در قوه قضائیه و اجرای انتخابات غیر مستقیم فرمانداران و یک سوم نمایندگان مجلس سنا و تدابیر دیگری را به عنوان فرمان دولت مورد تأیید کرد .
 اجرای این تدابیر را آغاز ماه سال جاری موجب تظاهرات کارگران و دانشجویان گردید و مسوولان نیرومند مبارزه ای را پدید آورد که با جنبش دانشگاہی سن پائولو آغاز گردید و به تمام کشور سرایت نمود . در خیابانهای شهرهای عمدتاً برزیل تظاهرات عظیم دانشجویان بوقوع پیوست و استادان و نمایندگان محافل روشنفکری و روزنامه نگاران ، حقوقدانان و وکلای مدافع به پشتیبانی از خواستههای دانشجویان برخاستند .

علاقه مندان به دموکراسی و ایجاد دولت قانونی اینک خواست مشترک محافل اجتماعی کشور است . دانشجویان و استادان ، نمایندگان محافل روشنفکری و اتحادیه وکلای مدافع و انجمن ها و قدر راسیون ها که نمایندگانشان ، کارفرمایان و محافل کلیسایی هستند و اعضای کنگره از هر دو مجلس جانبداری خود را از احیاء و اجرای قانون اساسی کنونی آشکارا ابراز داشتند . کارمندان علمی هم که با وجود دشواریهای فراوان توانستند جلسهملاقات سالانه خود را تشکیل دهند مدافعان دموکراسی و جانبداری از ایجاد دولت قانونی برخاستند . حتی برخی از نمایندگان نیروهای مسلح اینطور اظهار نظر کرد . اندک زمانی تغییرات فرارسیده است . در این پرونده نزدیک شدن نیروهای دموکراتیک بیکدیگر هدفهای مشترک عبارتند از : لغو سند شماره ۵ و تمام لوایح قانونی فوق العاده و آزادی زندانیان سیاسی و عمومی . کمیته های برزیل در راه وحدت همه جریانها تکیه خواستار احیای دموکراسی در کشورند مبارز میکنند . بطوریکه در پیام حزب کمیونسٹ خطاب به ملت خاطر نشان شده " بحرانی که رژیم بدان دچار گشته در شرایط نزدیک شدن هر چه بیشتر نیروهای اپوزیسیون بیکدیگر و توسعه دامنه خواستهها بنفع سنگینی دموکراتیک جریان دارد " (۱) .

در مقابل مانورهای دولت که هدف از آنها ایجاد تفرقه در اپوزیسیون در برابر گشت های ناچیز است ، حزب کمیونسٹ برزیل اعلام میدارد که بوسیله گنجاندن سند بنیادی در قانون اساسی و با بررسی تغییرات در قواعد و مقررات انتخابات ریاست جمهوری نمیتوان بحران را بر طرف کرد . این بحران را تنها با سیاست قاطعی که مورد توافق نیروهای اپوزیسیون بود و مهمترین مسئله ای را که برای همه این نیروها مسئله مشترکی است در برگیرد ، یعنی استقرار شیوه دموکراتیک اداره کشور را حل و فصل نماید ، میتوان بر طرف ساخت . در پیام کمیته مرکزی حزب کمیونسٹ برزیل گفته میشود : " ما راه دموکراتیک را پیشنهاد میکنیم که با آرمانهای اساسی اکثریت قاطع مردم توافق دارد " (۲) .

مردم علیه دیکتاتوری

رنکار و گارسیا

عضو کمیته ایالتی حزب
 سوسیالیست نیکاراگوئه

— خبرنگار مجله مسائل صلح و سوسیالیسم — بیش از چهل سال است که در نیکاراگوئه دیکتاتوری سلسله سوموسا حاکمیت را در دست دارد . بعقیده حزب سوسیالیست نیکاراگوئه ، که حزب کمیونسٹ های آن کشور است چه چیزی به حفظ این رژیم ضد خلق کمک میکند ؟

— رنکار و گارسیا — دیکتاتوری سوموسا در واقع هم یکی از بدترین و فاسدترین رژیم ها در امریکای لاتین است . برخی از واقعیت های تاریخ کشورمان را یاد آوری میکنم . در فوریه سال ۱۹۳۴ ژنرال آناستاسیو سوموسا فرمانده گارد ملی که با سفارت امریکا هم دست بود نقشه قتل خائنانه اوگوستوس سارا ساند- نیو قهرمان ملی نیکاراگوئه را طرح ریزی کرد . میدانیم که از سال ۱۹۲۲ برهبری اوگوستوساوند نیو نیوسرد چریکی علیه نیروهای امپراتور امریکا در کشور جریان داشت . پس از این توطئه بود که دیکتاتوری خانوادگی سوموسا برقرار شد و اعضای این خانواده تا امروز هم حکومت نیکاراگوئه را در دست دارند .

دیکتاتوری به نیکاراگوئه بچشم ملک پنهان خود نگاه میکند . در تمام رشته های اقتصاد با انحصارهای امریکایی و دغارت ثروت های طبیعی کشور ما و استثمار زحمتکشان نیکاراگوئه هم دست و شریک است . طلای نیکاراگوئه و صنعت چوب ، موز ، قهوه ، پنبه و برنج — تمام اینها درآمد عظیمی عاید دیکتاتوری و اربابان امریکایی آن میکند . کارگران و دهقانان که تمام ثروت های کشور کار آنها است ، به شرایط مسکنت باری محکوم شده اند و از ابتدائی ترین حقوق محروم اند ، به آنها هم از طرف دولت و هم از طرف سرمایه داران و مالکها با اشکال مختلف ظلم میشود .

ایجاد و تحمیل و تشریت نیروهای مسلح نیکاراگوئه بکمک ایالات متحد امریکا به امریالیسم امکان میدهد که نه فقط رژیم سوموسا را حفظ کند بلکه هر نوع بروز گرایش های مترقی در کشورهای امریکای مرکزی و حوضه دریای کارائیب را تهدید نماید .

دیکتاتوری از مردم و توده های زحمتکش شهرود جدا و منفرد شده است . تنها چیزی که رژیم ضد خلق را در راس حاکمیت نگه داشته حمایت امریالیسم امریکاست .

— خبرنگار مجله مسائل صلح و سوسیالیسم — در این شرایط اشکال مبارزه کمیونسٹ های نیکاراگوئه و شما نیروهای مترقی کشور علیه حکومت استبدادی کدامند ؟

ر . گارسیا — اشکال مبارزه ای که حزب ما مورد استفاده قرار میدهد مطابق با شرایط مشخص کشور است . اینک قشرهای تازه اجتماعی به مبارزه علیه دیکتاتوری می پیوندند . جنبش کارگری پیشاپیش این مبارزه قرار دارد . این جنبش و با وجود عواقب خطرناکی که آزادی و زندگی شرکت کنندگان در آنرا تهدید میکند ، فعالیت واقعات خود را تشدید مینماید . کفدراسیون عمومی کار (کمستقل است) و مرکز

1 - " Voz operaria " , avril de 1977 .
 2 - " " " " " "

سند یکناس که تحت نفوذ کمیست هافارد ارد طی سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۴ اعصابهای عظیم زحمتکش را سازمان دادند که مواضع رژیم رابطور جدی متزلزل ساخت و امکاناتی را که طبقه کارگر بنا لاقوه داراست آشکار کرد .

حزب ما سازمان رزمنده ای مانند سند یکناسی صنایع ساختمانی را بوجود آورد و در بخش های مختلف شهرها اهالی را بمبارزه علیه صاحب خانه های که با پشتیبانی دولتست اجرین را بر حمانه استثمار میکنند بسیج کرد . نهضت دایته داری در شهرها ایجاد کرد بد که در آیند ، بنا امکان مید هد میان اهالی بکارو فعالیت سیاسی بپردازیم ، مردم را آگاه سازیم و به پیوستن آنها بمبارزه علیه امپریالیسم و دیکتاتوری کملکتیم .

برغم تلاش حکومت استبدادی برای سرکوب جنبش دهقانی در روستاها هم تغییرات جدی روی داده است . ارتش در سال ۱۹۶۷ بیش از دو بیست سازمان دهقانی را در مناطق کوهستانی کشور نابود ساخت . تعداد زیادی یازدهقانات و از جمله زنان و کودکان کشته شدند . با اینهمه مبارزه در راجد ست آورد زمین و ملیه بازمانده های فتودالی ، خود سری دیکتاتوری و انحصارهای امریکایی که در اقتصاد روستائی ریشه دوانیده اند ادامه دارد .

با وجود اینکه حزب ما از آغاز تا همین آن در سال ۱۹۳۹ در شرایط غیرعطفی فعالیت میکند و به خشونت آمیزترین وجهی مورد پیگرد و تشویق و فشار قرار دارد ، ما امکاناتی برای استفاده از شیوه های علمی مبارزه پیدا میکنیم و این شیوه های مبارزه را بامتد های کارمخفی تلفیق مینماییم .

برای نمونه میتوان فعالیت اتحاد آزادی د موکراتیک نیکاراگوئه را شاهد آورد . این جههدر نتیجه کوشش های فراوان حزب مادر تمام سطح و در تمام عرصه های زندگی اجتماعی ایجاد کردید . مادر چهار چوب آن میتوانیم بنام خود فعالیت کنیم . به بیان دیگر ما بشابه حزب مارکسیستی - لنینیستی نیروی رهبری کننده ، جنبش هستیم که تمام نیروهای مترقی کشور در آن شرکت میورزند . این نیروها عبارتند از : احزاب سیاسی گوناگون ، محافل مذ هیس و همچنین اتحادیه های صنفی زحمتکشان . این امر ما امکان مید هد که به ارتباط نزدیکتری با مردم دست یابیم .

در باره انواع دیکر فعالیت های جنبی باید بگویم شرح و توصیف آنها بسیار مشکل است . گاهی این فعالیت در کارهای بسیار ساده و صبورانه ، ولی ضروری خلاص میشود و در برخی ازموارد هم جنبه بسیار بخرنجی پیدا میکند . بهر حال این قبیل فعالیت ها پایه ای برای اقدامات جدی تر مردم است و با آنکه با کار علمی مربوط میشود .

— خبرنگار مجله صلح و سوسیالیسم — رفیق گارسیا ، آیا میتوانید در باره برنامه و وظائف اساسی مبارزه نیروهای مترقی و دموکراتیک توضیحی بد هدید ؟

- ۱- ر . گارسیا — برنامه اتحاد آزادی د موکراتیک هد فهای زیرین را دنبال میکند :
 - ۱- سرنگون ساختن رژیم د دیکتاتوری ؛
 - ۲- آزادی مردم از وابستگی اقتصادی ، سیاسی و نظامی ایالات متحده امریکا ؛
 - ۳- انجام اصلاحات ارضی را دیکال بمنظور انقای ماند ه های فتودالیسم ؛
 - ۴- انجام اصلاحات بنیادی د درسیستم آموزش و پرورش بمنظور ایا بردن سطح آن تا حد پیشرفت معاصر و انقای بیسواد بودنست یافتن باین هد ف که فرهنگ و دانش ب مردم خدمت کند ؛
 - ۵- جلب زنان بمنزله کمی اجتماعی و واگذاری حقوق برابر با مردان بمانها ؛
 - ۶- برقراری مناسبات با تمام کشورهای منظر از نظام اجتماعی آنها .
- مشی بعدی اتحاد آزادی د موکراتیک وابسته بموقعیت طبقه کارگر در این جهه خواهد بود .

در باره حزب پیشرو طبقه کارگر نیکاراگوئه باید گفت که این حزب به نقش تاریخی که باید ایفاء کند آگاهی دارد .

یکی از وظائف کنونی مبارزه با معیارت از جلب عناصر متردد خورد ، بورژوازی ، منفرد ساختن ارتجاعی ترین محافل و تشدید فعالیت جنبش دهقانی است .

— خبرنگار مجله مسائل صلح و سوسیالیسم — امپریالیسم تحمیل نظام اجتماعی شبیه آنچه سوموسا در نیکاراگوئه برقرار ساخته بتمام کشورهای این منطقه راضیمن سلطه خود بر امریکای مرکزی مید انسد . کمیونست های نیکاراگوئه پی آمد های بسط د موکراسی در این کشور را برای اوضاع سراسر امریکای مرکزی چگونهد تصور میکنند ؟

ر . گارسیا — امپریالیسم بمنظور ادامه ستگیری خود وفارت و چپاول ابدی خلقهای امریکای لاتین تعدادی سازمانهای گوش بفرمان بوجود آورده است . سازمان کشورهای امریکایی و سازمان کشورهای امریکای مرکزی د نمونه از این قبیل سازمان ها است .

خلقهای کشورهای ما بخوبی مید انسد که این سازمانها قادر نیستند هیچ سود و امتیازی نصیب آنها کنند یا شرایط زندگی آنها را بهبود بخشند و از توسعه طلبی امپریالیسم جلوگیری کنند . این سازمان ها در رفتار ما هیچ ارج و اعتباری ندارند . بهمین سبب است که پس از ورشکستگی واقعی سازمان کشورهای امریکای مرکزی ، امپریالیسم سازمانهای کاملاً نظامی را برد یگر سازمانها ترحیب داد و به شورای د فیسالی امریکای مرکزی توجه بیشتر مخطوف داشت . این سازمان کتحت کنترل ایالات متحده امریکا قرار دارد ، فعالیت ارتش های اکثر کشورهای امریکای مرکزی راه آهننگ میسازد . دیکتاتوری سوموسا که بشابه ژاندارم منطقه به امپریالیسم خدمت میکند با سرمایه انحصاری امریکا در فارت و چپاول تمام خلقهای امریکای مرکزی شریک همد ست است . امپریالیسم برای تسهیل این فارتگری سازمان بازگانی — اقتصاد ای هم بوجود آورد که بازار مشترک امریکای مرکزی نامید ه میشود و از آن فقط انحصارهای بین المللی و الیکارشی محلی منتفع میگردد . این سازمان فارت و چپاول وحشیانه ثروت های طبیعی و تشدید استثمار خلقهای کشورهای ما را تسهیل میکند .

گسترش د موکراسی در جامعه نیکاراگوئه ناگزیر به واکنش زنجیری د سراسر منطقه منجر خواهد شد و به آزادی تمام کشورهای امریکای مرکزی و حوضه دریای کارائیب از تشدید استبداد رژیم های نظیمر دیکتاتوری سوموسا و افلاس و ورشکستگی رژیم های ضد خلقی و دیکتاتوری در سالوادور و گواتمالا کمک خواهد کرد .

چنین دورزمانی محافل امپریالیستی ایالات متحده امریکا را نگران میکند . آنها از بیست دادن مواضع خود در امریکای مرکزی از دیکتاتوری خونینی که برکشمر ما حاکم است علیرغم دعاوی سالوسانه واشنگتن د ایر بر طرفداری از آرمانهای آزادی و دفاع از حقوق بشر ه شدیداً ایشتیامانی میکنند .

خلق ما برغم تشویق و فشار امپریالیسم و شکنجه و بیگردد ه مبارزه خود را در راه آزادی و استقلال تشدید میکند . کشور ما د رواق در حالت جنگ بدون وقفه ای بسر میبرد که دیکتاتوری علیه مردم اعلام کرده است . مطبوعات ، راد یو و تلویزیون تحت مانسور شدید قرار دارند . زند آنها پر از میهمین پرستان است . حزب ما با وجود اینکه در شرایط بسیار دشواری قرار ارد توانست پرولتاریا را رهبری کند و مردم را به مبارزه علیه استبداد برانگیزد . کمیونست ها که اغلب جان خود را در مبارزه برای رسیدن بآرمانهای مردم فد میکنند تا پیروی خود را وقف نبرد در راه آزادی ملی ، صلح ، د موکراسی و ترقی اجتماعی کرد ه اند .

آئینه گزینمای واقعیت

کارن خاجاتووف

معاون اداره خبرگزاری
مطبوعاتی نووستی (اتحاد جماهیر شوروی)

چرخش تاریخی از " جنگ سرد " به کاهش تشنج بین المللی برقراری اصول همزیستی مسالمت آمیز میان کشورهای با نظام اجتماعی مختلف کمترین تغییرات یعنی تناسب نیروها در عرصه جهان بسوسود صلح ، ترقی و سوسیالیسم بود در تمام رشته های زندگی اجتماعی و در افکار صد ها میلیون انسان در سراسر جهان بشد متاثیر میکند .

در عصر ماکه سوسیالیسم موثرترین نیروی پیشرفت تاریخی و تسریع کننده عظیم ترقی اجتماعی است تعیین کننده سیمای جهان روبرویش " دوشیوه " ، دوقوماسیون ، دواقتصاد ، یعنی شیوه دوقوماسیون واقتصاد کمونیستی و سرمایه داریست " (۱) .

در شرایط کاهش تشنج امکانات بیشتری برای آشنائی توده های انبوه مردم تمام قاره ها با اندیشه های کمونیسم علمی و آگاه ساختن آنها از حقایق مربوط به دستاورد های سوسیالیسم جهانی برتر بهای شیوه زندگی سوسیالیستی فراهم آید . در عین حال امپریالیسم هم بقدر تلاش خود برای بی اعتبار ساختن اندیشه های کمونیسم و پراتیک ساختمان سوسیالیستی و کمونیستی در اتحاد شوروی و سایر کشورهای بلوک سوسیالیستی و مشوب ساختن آنها نود مها میافزاید . در ضمن تاکتیک خرابکاری ایدئولوژیک ارتجاع بین المللی هم هر چه در دقیق تر و ماهرانه تر بهانه ریش تری میگردد .

جعل اخبار ، دروغ و شهیت و افترا بمنزله وسایل عمده تاثیر در توده ها در زراد خانه ایدئولوژیک امپریالیسم بقوت خود باقی میماند و این همان چیزی است که لنین اندکی پیش از پیروزی انقلاب کبیر - اکتوبر باره اش نوشت : " یک شگرد مطبوعات بورژوازی که همواره در تمام کشورهای پیشتر مورد استفاده قرار میگردد و بطور اطمینان بخشی " موثر واقع میشود این است : دروغ بگو ، سرصد اروا بهنداز ، فریاد بزن ، دروغ را تکرار کن " از این کارچیزی دستگیرت خواهد شد "

سرمایه داران و مطبوعات سرمایه داری منابعی هستند که " با تمام پیرو و جنجال راهباند از نسد ، در تلاش آند که صدای حق و حقیقت را خاموش کنند ، مانع از آن میشوند که حرف راست و حقیقت شنیده شود . تاسیلی از فحش و جار و جنجال همه چیز را فراموش و مانع از توضیح و تشریح مفید و شمره بخش گردند " (۲) . تمام آنچه گفته شد در کشورهای آمریکا لاتین هم که دهها سال است قربانی توسعه طلبی اقتصادی و سیاسی و بیشرمانه ترین نوع اشاعه نظریات و اندیشه های امپریالیسم آمریکا هستند بروشنی مشاهده میگردد .

۱ - لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۴۲ ، صفحه ۲۵ .
۲ - لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۳۱ ، صفحه ۲۱۷ .

امریکای لاتین بطور سنتی نوعی آزمایشگاه تهیه اشکال ، شیوه ها و شگرد های تبلیغاتی ایالات متحد ، آمریکا برای کشورهای در حال رشد بوده است . پس از پیروزی انقلاب کوبا و پیدایش وضع تازه کیفی در این قاره امپریالیسم امریکایلیغات خود را در جهت مرزهای جنوبی خود تشدید کرد و وظائف جدیدی تحقق هدفهای استراتژیک خود در امریکای لاتین را بدستگاه تبلیغاتی خویش واگذار ساخت . گسترش دامنه مبارزه ضد امپریالیستی ، دموکراتیک و انقلابی و توسعه زمینه اجتماعی آن امکانات ایالات متحد ، امریکارا در تحقق نقشه هایش در کشورهای امریکای لاتین بشیوه های سنتی " چماق بزرگ " و " دیپلماسی توپ و تفنگ " و آنهم بدون پیوهراس از مجازات ، محدود میسازد . در عین حال تغییر ناپذیری هدفهای امپریالیسم در این منطقه جهان محافل حاکمه ایالات متحد ، امریکارا به توسعه و تکمیل زراد خانه تبلیغاتی خویش و تشدید آن با وسایل دقیق تر و ظریف تر " چنگ روانی " و امیدارد و از این وسایل بشیوه خود انحصارها و ادارات و دواتر دیپلماتیک ، نظامی و جاسوسی و خرابکاران هم استفاده میکنند .

موثرترین وسیله تاثیر در افکار عمومی مطبوعات بورژوازی و مقدم بر همه مطبوعات " قدرتمند و پرنفوذ " است . این مطبوعات در انحصار سرمایه مالی کلان است که وابسته به ایالات متحد ، امریکا است . مضمون روزنامه های پرتیراژ امریکای لاتین که از لحاظ مالی از همه پر قدر تر و از لحاظ تاثیر سیاسی از همه متمتذ تر اند با الگوی تبلیغات امپریالیستی تطابق دارد و بازتاب آنست . بموضوعاتی در درجه اول توجه میشود که مقصود از آنها منحرف ساختن توجه خوانندگان از مسائل بنیادی زندگی واقعی خواه درد اخل کشور و خواه در سراسر جهان است .

نشریات باصطلاح تجاری ایالات متحد ، امریکا و مقدم بر همه نوع اسپانیای مجله " ریدرزد ایجست " و همچنین مجلات بی شمار ، روز و خبر کشورهای امریکای لاتین ، در ردیف روزنامه های یومیه ، بخش مهم سیستم تاثیر و نفوذ تبلیغاتی امپریالیسم را تشکیل میدهند . موضوع اصلی این نشریات تلاش برای پیوند دادن خوانندگان از لحاظ ایدئولوژی به سیستم اجتماعی موجود ، خشنی ساختن احساس اعتراض و تلقیح لزوم ابراز فردگراشی " اند پیوید و ایلیسم " بورژوازی تا درجه افراط است . از شیوه یکسان و همانند و انمود کردن تمام افکار یعنی سعی در همگون ساختن قالب های تبلیغاتی امپریالیسم با افکار عمومی ، بنظور تحمیل سمت های نادرست و قلابی اجتماعی ب مردم ، بمنزله شیوه اصلی عمده ، استفاده میشود . مارکس وانگلس هم بموقع خود ماهیت شیوه یکسان و انمود کردن عقاید و خواسته ها را تعریف و تشریح کردند . آنها نوشتند طبقه حاکم " ناچار است منافع خود را مانند منافع مشترک تمام اعضای جامعه و انمود سازد ، یعنی اگر بطور مجرد به بیان مطلب بپردازیم ناچار است به افکار خود شکل همگانی بدهد و آنها را بمنزله یگانه افکار محقول و واجد اهمیت همگانی قلمداد کند " (۱) . بدین ترتیب تبلیغات امپریالیستی میکوشد اشتراك نظروا هی و خیالی با تمام مردم را بوجود آورد و اندیشه ها را که به آنها تلقین میگردد ، یگانه اندیشه قلابی و دارای اهمیت برای همگان " و انمود سازد .

نقش برنامه های رادیو و تلویزیون از لحاظ تاثیر آنها در افکار عمومی در امریکای لاتین روز افزون است . برای بخش مهمی از مردم رادیو سهل الوصول ترین و منظم ترین و گاهی هم یگان منبوع کسب خبر است . تبلیغات امپریالیستی از مجاری مختلف انتشار داد میشود . مقدم بر همه برنامه های رادیویی " صدای امریکا " است . ج . کارتر رئیس جمهوری امریکا اندکی پس از روی کار آمدن در مارس سال ۱۹۷۷ گزارشی درباره برنامه های رادیویی برای کشورهای خارجه بمنگروه تسلیم کرد . او در این گزارش برخی از کشورهای امریکای لاتین را در شماره بگفته وی ، معدودی از کشورهای حساب آورد که برای تبلیغات رادیویی امریکا

۱ - مارکس - انگلس ، مجموعه آثار (بزبان روسی) ، جلد ۳ ، صفحه ۴۷ .

کاملاً مساعدند. ثانياً یو.سی.آ. (۱) است که برای شعبه‌های خود در امریکای لاتین برنامه‌های راد یوشی آماده می‌فروشد و آنها موظف اند این برنامه‌ها را وسیله فرستنده‌های محلی بخرند و بالاخره همگانی و جمعی‌ترین مجرای تبلیغاتی عبارت است از مورد استفاده قرار دادن ایستگاههای راد یوشی بازرگانی کشورهای امریکای لاتین.

د واثر تبلیغاتی امریالیسم تلویزیون را از جمله بهترین منابع امید بخش برای تاثیر در راه‌السی امریکای لاتین بشمار می‌آورند. بعقیده آنها تلویزیون از لحاظ سرعت پیشرفت از سایر وسایط ارتباط جمعی پیشی می‌گیرد. در سال ۱۹۶۰ در کشورهای امریکای لاتین دویلمیون و نیم تلویزیون وجود داشت ولی این رقم اوایل سال ۱۹۷۵ به ۱۸ میلیون بالغ گردید. اگر این واقعیت را در نظر بگیریم که بطور متوسط یک خانواده چهار نفری از یک ستگاه تلویزیون استفاده میکنند آنوقت معلوم میشود که در امریکای لاتین از هر سه چهار نفر یک نفر برنامه‌های تلویزیون را تماشا میکند.

تلویزیون بیش از سایر وسایط ارتباط جمعی وابسته به ایالات متحده امریکا است. بیش از هشتاد درصد تمام برنامه‌های کشورهای امریکای لاتین در آنجا سرهم بندی میشود. سیاست امریالیسم امریکا در رشته تلویزیون کشورهای امریکای لاتین در برقراری کنترل کامل روی مضمون برنامه‌ها خلاصه میشود و بدین منظور از زمین دستاورد های علمی و فنی از قبیل ماهواره‌ها، تلویزیون پانایا بل و مانند اینها استفاده میکند. کشورهای امریکای لاتین از تشکیل هند گان مرکز خبری و اطلاعاتی Comsat و Intelsat اند که وسیله ایالات متحده امریکا وجود آورد، شده است. این مراکز خبری گرفتن برنامه‌های تلویزیونی را که از ایالات متحده امریکا پخش میشود میسر میسازند. سهام قاطع این مراکز خبری و اطلاعاتی به انحصارهای امریکایی و مقدم بر همه به "آمریکان تلیف اند تلگراف" و "اینترنشنل تلیف اند تلگراف" و "جنرال الکتریک" تعلق دارد. ایجاد مراکز پخش برنامه در سمت معین ایالات متحده امریکا بسوی کشورهای امریکای لاتین در چهارچوب "عملکرد ماهواره‌ها" که در واقع بمعنی ایجاد سیستم تلویزیونی قاره ای قابل کنترل و یکسان است، یکی از تقسیمه‌های امریالیسم است که هدف‌های دورد رازی را دنبال میکند.

انگیزه پیشرفت تلویزیون مقدم بر هر چیز دیگر از گانی است. در امریکای لاتین بخش مهم پول و وسایلی را که بمرکز آنها ختند اس داد میث و د ارگانهای نسبتاً قلیل ولی در عرض عریض و اویل مطبوعات و راد یوشی تلویزیون میبلندند. ۸۰ درصد تمام اخبار و اطلاعات ویژه رکلام را سرمایه انحصاری و در درجه اول سرمایه انحصاری امریکاییند. انحصارهای ایالات متحده امریکا با استفاده از رکلام بازرگانی این امکان مادی را دارند که سانسور میدی ولی بی سروصدا و کنترل سیاسی مطبوعات و راد یوشی تلویزیون را در اختیار خود بگیرند و ارگانهای نامطلوب و نامناسب خبری و اطلاعاتی را از زمین ببرند و در نتیجه به تاثیر خود در پرورش و آماده ساختن افکار عمومی در امریکای لاتین بیفزایند.

آژانس‌های خبری ایالات متحده امریکا از قدیمیترین و مسائل تاثیر اید پولوزیک آندند. در هیچجا، از مناطق جهان آنها از نفوذی که در امریکای لاتین دارند برخوردار نیستند. در این منطقه آنها هم تا مین وسایط ارتباط جمعی با اخبار و اطلاعات و هم تشریح رویداد های امریکای لاتین برای جهان سرمایه داری را منحصر و خود کرده اند. منبع پخش اساسی تمام اخبار و اطلاعات خارجی در مطبوعات قدرتمند

۱ - یو.سی.آ. یا آژانس خبرگزاری ایالات متحده امریکا، پرزیدنت کارتر در اکتبر سال ۱۹۷۷ لایحه قانونی بفرستد که پیشنهاد کرد که طی آن خواستار تجدید سازمان ارگانهای تبلیغاتی سیاست خارجی ایالات متحده امریکا شد. پیشنهاد شده است اداره دولتی تازه ای تأسیس گردد که یو.سی.آ. و بوروی وزارت خارجه مسئول آموزش و پرورش و فرهنگ را در خود متحد سازد.

ویرنغون " کشورهای امریکای لاتین آژانس‌های یونایتد پرس انترنشنل و آسوشیئد پرس است. اید تولوکو های امریالیستی چنین اظهار میدارند که حاصل کار آژانس‌های خبری ایسالات متحده امریکا چنان است که گویا فقط وظیفه خبری و اطلاعاتی را انجام میدهند و جو مشترک با گرایشهای طبقاتی و اغراض حزبی ندارد. ولی در همین پرده ظاهری بیگانگی این اصول با مداخله در سیاست تلاش بینظیر و انطباقی مضامین ارگانهای و مسائل ارتباط جمعی با هدف های امریالیسم امریکانهاخته است.

گرایش طبقاتی یونایتد پرس انترنشنل و آسوشیئد پرس در گردآوری و تشریح و تفسیر وقایع ها خود را نشان میدهد. مطبوعات قدرتمند امریکای لاتین هنگام تشریح رویداد های بین المللی توجه اصلی خود را به رویداد های ایالات متحده امریکا معطوف میدارد. از طرفی محاسبه معلوم شده است که روزنامه‌های کشورهای امریکای لاتین ۲۵ بار بیش از آنچه روزنامه‌های ایالات متحده امریکا برای اخبار و اطلاعات مربوط به امریکای لاتین محل اختصاص میدهند به اخبار و اطلاعات ویژه ایالات متحده امریکا جامیدهند. اطلاعات آژانس‌های ایالات متحده امریکا خصلت رویداد های خارجی و ویژه آنچه را که در کشورهای سوسیالیستی میگذرد تحریف میکنند. حقایق مربوط به بسط و تکامل مبارزه طبقاتی ضد امریالیستی در امریکای لاتین و اقدامات تروریستی محافظ حاکمه ارتجاعی علیه حزب کمونیست و سایر سازمان های مترقی با دقت و جدیت خاصی مسکوت گذارد میشود.

فعالیت یو.سی.آ. که از طریق ارگانهای اطلاعاتی و خبری محلی وابسته به خود و همچنین به واسطه با استفاده از افراد خانه تبلیغاتی ویژه و پیش یعنی نشر مجلات و رساله‌ها در امریکای لاتین، سازمان دادن برنامه‌های راد یوشی، نمایش فیلم های تلویزیونی و فیلم های مستند و ایجاد مراکز فرهنگی و کتابخانه و در افکار عمومی کشورهای امریکای لاتین تاثیر میکند. بیزارانه خصلت خرابکارانه دارد.

امریکای لاتین یکی از مراکز اساسی فعالیت یو.سی.آ. است. سه چهارم مجموع باصطلاح "مراکز و ملیتی" یو.سی.آ. که از طریق آنها تبلیغات بکلیت اهالی محل انجام میشود، در آنجا متمرکز گردیده است. شعبه‌ها و وابستگای بیشمار یو.سی.آ. که زیر صحنیت دیپلماتیک شعبه‌های خبری و اطلاعاتی سفارتخانه‌ها و کنسولگریها خود را پنهان کرده اند همه مراکز خرابکاری اید تولوزیک اند.

یو.سی.آ. در جریان فعالیت‌های خرابکارانه و پیش با داد امریکای اطلاعات امریکایی پشت همکاری میکند. بنا بر اعتراف "واشنگتن پست" حداقل ۲۹ درصد عملیات مخفی اداره مرکزی اطلاعات طی سالهای متبادی در عرصه فعالیت ارگانهای ارتباط جمعی و تبلیغات انجام میگرفت. این نوع فعالیت آشکار تر از هر جای دیگری در شبلی خود را نمایان ساخت. در دوران حاکمیت دولت وحدت خلق اداره مرکزی اطلاعات ۱۶ میلیون دلار فقط بر روزنامه "مرکوریو" اختصاص داد. بگواهی روزنامه "نیویورک تایمز" در حدود نیمی از بودجه ای که برای انجام اقدامات مخفیانه در شبلی اختصاص یافته بود برای پشتیبانی مستقیم از رجال سیاسی و روزنامه‌ها و ایستگاههای راد یوشی آنها و تلویزیون مورد استفاده قرار گرفت. اقدامات اداره مرکزی اطلاعات در شبلی پیش از شورش فاشیستی در برده وضیم تری از امریکانهاخته است. گزارش کمیته سنای ایالات متحده امریکا ویژه بررسی فعالیت‌های جاسوسی که طی آن یاد آور شده اند که اداره مرکزی اطلاعات در سانتیاگو امکان استفاده از برخی از وسایط ارتباط جمعی را برای خود فراهم آورد، بود. تا بتواند پشتیبانی مردم را نسبت بدولت جلب کرده و نتواند از بهترین جهات آن نشان بدهد. فقط بخش کوچکی از این اسرار را منعکس میسازد. علاوه بر این کارمندان اداره مرکزی اطلاعات به خشتاد رتبهه "کتاب سفید" کمک کردند. این کتاب درباره تغییر حاکمیت در شبلی است و هدف از آن "تیرک" ساقط کردن دولت آفند است.

محور سنتی تبلیغات امپریالیستی در امریکای لاتین تعریف و توصیف سیستم سیاسی در ایالات متحده امریکا است. از این سیستم بمنزله "اعلاترین محصول" سرمایه داری جهانی و "معیار دموکراسی اصیل" یاد میشود. مبلغین امپریالیسم در تعریف از موازین و نهاد های سیاسی ایالات متحده امریکا و "دموکراسی" امریکا سعی و کوشش ویژه ای نشان میدهند. اگر بخوایم مضمون این تبلیغات را بطور فشرده و مختصر بیان کنیم باید آنرا رکلام "شیوه زندگی امریکائی" نامید.

در ارتباط با تاند امپیری که بمنظور بزرگداشت و دستمین سالگرد بنیانگذاری ایالات متحده امریکا اتخاذ شده بود این تبلیغات در امریکای لاتین به اوج خود رسید. در آن دوران تحریف تاریخ مناسبات ایالات متحده امریکا با امریکای لاتین بیش از هر زمان دیگری تشدید یافت. بان امریکانیسم بمنزله یگانه جریان تاریخی که گوید بر برگزیده منافع ملی و آرمانهای ایالات متحده امریکا و کشورهای امریکای لاتین بطور مساویست تبلیغ میشد. بدین نکته توجه فراوان مبذول میگردد که "رسالت" ایالات متحده امریکادر "اشاعه تمدن" در نیم کره غربی و "سنت تاریخی دوستی" ایالات متحده امریکا با خلیفهای امریکای لاتین مستدل و اثبات گردید.

سلاح عمده ایدئولوژیک و سیاسی امپریالیسم امریکادر امریکای لاتین هم مانند سایر مناطق جهان آنتی کمونیسم است. مبلغین آنتی کمونیسم به ریشه کن ساختن کمونیسم "از طریق اعمال زور و مبارزه علیه کویا سوسیالیستی فرامیخوانند و ترور و اعمال زور علیه جنبش های ضد امپریالیستی و انقلابی و دموکراتیک را از لحاظ ایدئولوژیک تبرئه میکنند. در ضمن مقدم بر هر چیز از شیوه های جعل و تحریف شدید اخبار و اطلاعات و تباهی و اختراش شکل وسیعی استفاده میشود. لنین یاد آور میشد که "تأثیر بورژوازی در کارگران هیچوقت و در هیچ جا باعث تخریب ایدئولوژیک فقط منحصر نبوده است. زمانیکه تاثیر ایدئولوژیک بورژوازی در کارگران کاهش مییابد، متزلزل میشود و تضعیف میگردد، بورژوازی در همه جا و برای همیشه بخواهد آخرین دروغ پردازی ها و به تهمت و افترا متوسل شده و واها شد" (۱). منبع تبلیغات "وحشیانه" و "تروریستی" آنتی کمونیسم در درجه اول ارگانهای ارتباط جمعی است که تحت کنترل امپریالیسم است.

مبلغین امپریالیسم و ارتجاع امریکای لاتین سعی ویژه ای برای اشاعه و رواج آنتی کمونیسم بکار میبرند. تهمت و افترا ی کهنه قدیمی درباره "خطر شوروی" که این اواخر بمقیاس وسیعتری تبلیغ می شود، در قهای کاملاً مشخصی زانیهال میکند که با مصالح ملی کشورهای امریکای لاتین در تضاد است و با تشکیلات تجار و کارخانه امپریالیسم تطابق دارد. وظیفه عمده آن منحرف ساختن توجه مردم از مبارزه علیه سیاست تجار و کارخانه واقعی امپریالیسم و جلب آنها به مبارزه علیه با مصالح "خطر شوروی" است که افسانهآیین نیست. امپریالیسم با دامن زدن به وسوسه جاسوس انگاشتن اشخاص و تهمت و افترا درباره "دشمن سرخ ها" میکوشد فعالیت های خرابکارانه افراد و سازمانهای خرابکار خود و مقدم بر همه سازمان مرکزی اطلاعات، در کشورهای امریکای لاتین را از انظار مخفی کند.

تبلیغات امپریالیستی در تلاش آنست که نسبت به سیاست خارجی اتحاد جماهیر شوروی تخم بدبینی و عدم اعتماد در دلها بکارد. در همینست مسأله آمیز کشورهای اسود و فایده یگانه برای اتحاد شوروی را می بیند و "ناپایداری" و "خصالت گذاری" کاهش تشنج بین المللی را تلقین میکند و اینطور انمود میسازد که گویا کاهش تشنج یگانه اتحاد جماهیر شوروی هر لحظه ای میتواند به "جنگ سرد" تبدیل شود. تبلیغات امپریالیستی بدین مناسبت میکوشد دغکارانه سیاست اصولی اتحاد شوروی در مسئله

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار، جلد ۲۵، صفحه ۳۵۲.

همینست مسأله آمیز کشورهای دارای سازمان اجتماعی مختلف را در نقطه مقابل امتناع قاطع آن از قبول انطباق اصل همینست مسأله آمیز در عرصه ایدئولوژی و مبارزه طبقاتی و آزاد بیخشن قرار دهد. در شرایطی که سیاست حقیقی اتحاد شوروی و اشاعه واقعی این کشور را گویا و قالب های سنتسی تبلیغات امپریالیستی را در هم میزند، این تبلیغات در تلاش آنست که خود را با تغییراتی که در افکار عمومی پدید آمده سازگار سازد و بمنظور تحریف پایهای سازمان سیاسی و دولتی و اجتماعی شوروی و تجزیه ساختمان سوسیالیسم و بر تاتیک ساختمان کمونیسم در اتحاد شوروی تاکتیک خود را عوض کند. تبلیغات امپریالیستی آماده است که حتی برخی از دستاوردهای اتحاد شوروی را بپند یرد و ولی فقط بدان منظور که استعداد خود را در سرهم بندی کردن نتیجه گیریهای ضد شوروی بارز یگانه نماید.

اگر پیش از این تبلیغات ضد شوروی بطور مستمر و بی وقفه فلانکتار "مردم شوروی تکمیل کرد" حالا از "بدست فراموش سپردن" آرمانهای انقلابی از طرف مردم شوروی و درباره "تغییر ماهیت دادن" جامعه شوروی و تبدیل شدن آن به "جامعه مصرفی" دهمینند. تبلیغات امپریالیستی بالجای و نهاد ویژه ای اندیشه و نظریات واهی درباره سرکوب دموکراسی و آزادیهای فردی در اتحاد شوروی را اشاعه میدهند. در سرهم بندی کردن این اتهامات که از جمله در کشورهای دارای رژیم های طرفدارفاشیسم نیز مقیاس وسیع تبلیغ میشود عمل تبلیغات صهیونیست ها و ماژوتیست ها هم بطور فعال شرکت میورزند.

فقدان منطق و استدلال در ایدئولوژی طرفداران امپریالیسم و ناتوانی آنها در طرح برنامه های مثبت و شعارهای جاذب برای توده های انبوه مردم آنها را ناگزیر میکند که مرکز ثقل فعالیت خود را از مضمون تبلیغات به رنگ و روغن زدن به اشکال و شیوه های آن منتقل سازند. امپریالیسم میکوشد و فقدان اندیشه های ارگانه بتواند توده های امریکای لاتین را جلب نماید. با تشدید کم و تکمیل کیفی مجموعه امکانات تاثیر تبلیغاتی جبران کند. هر قدر بحران اساسی ایدئولوژیک تبلیغات امپریالیستی در امریکای لاتین عمیق تر است، بر ملا قوت میآید ارگانهای تبلیغاتی هم بمنظور جبران فقر معنوی با انواع شیوه های تجار و کارخانه تاثیر در افکار عمومی افزوده میگردد.

یکی از سنت های مشهور و فکرواندیشمترقی اجتماعی و مطبوعات دموکراتیک کشورهای امریکای لاتین نیش قلم روزنامه نگاران و نویسندگان در افشای پی آمدهای هلاکت بار صدور ایدئولوژی از طرف بیگانگان و ویژه امریکای شمالی است. پایگاه اران این سنن لیدرهای مبارزات آزاد بیخشن ملی علیه یوغ استعمار بودند. موضع ضد امپریالیستی و ضد الیگارشی و ضد خرافه و آزاد اندیشی جوانان و فعالان ارتباط نزدیک با مبارزه خلیفها علیه استعمار خود کامگی و ستم بیگانگان از خصائص خلاقیت مشهورترین روزنامه نگاران امریکای لاتین در گذشته است.

مقدم بر همه مطبوعات احزاب کمونیست کشورهای امریکای لاتین وارث قانونی و ادامه دهند سنن مطبوعات مترقی ایام گذشته اند. ارگانهای مطبوعاتی احزاب کمونیست آرژانتین و ونزوئلا و کلمبیا و کستاریکا و مکزیک و پورو و اکوادور و بیه عوامل ذی نفوذ تاثیر در افکار عمومی مبدل شده اند. در آن دسته از کشورهای امریکای لاتین هم که احزاب مارکسیست - لنینیست در حالت غیرعقلی بسر میبرند، حتی فوق العاده ترین تضییق و فشارها هم قادر به خاموش کردن صدای مطبوعات کمونیستی نیست. برغم خشونت آمیزترین ترورها که زندگی خوانندگان را هم بمخاطره می افکند ارگانهای روزنده مطبوعات کمونیستی در برزیل، اوروگوئه، شیلی، گواتمالا و سایر کشورهای بطور مخفی چاپ و منتشر میگردد.

مطبوعات کمونیستی کشورهای امریکای لاتین با سر بلند ی و صادقانه نقش کوش خود را ایفا میکنند. این نقش همانند "دم عظیم آهنگری است که در جرقه مبارزه طبقاتی و خشم و اعتراض خلق را به آتش

سوزی همگانی میدن میکند. "و این همان نقشی است که لنین در سر آغاز قرن بیستم به روزنامه "ایسکرا" (جرمه ۰ م) محول کرده بود. این مطبوعات بعمل قاطعیت خود در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع صد اوقات و شرافت روزنامه نگاری، علاقه و توجه به رفقا و آسایش مردم زحمتکن و تبلیغ اندیشه "ای دموکراسی و ترقی اجتماعی میان خوانندگان ارج و اعتبار فراوانی بدست آورده است و مرتباً خوانندگان خود را بسا زندگی خلقهای کشورهای سوسیالیستی و موفقیت های مردم شوروی آشنا میکند."

سایر ارگانهای مطبوعاتی مترقی و از جمله روزنامه ها و مجلات لیبرال که از نفوذ معینی میان مردم برخوردارند نیز در ردیف نشریات احزاب کمونیست، انحصار ارگانهای و سایل ارتباط جمعی طرفدار امپریالیست ها را در زمین نفوذ و تاثیر در افکار عمومی برهمنهینند. برخی از اقدامات دولتهای بعضی از کشورهای امریکای لاتین در عرصه ایدئولوژی هم برای مقصد مأمورترین مظاهر تبلیغاتی امپریالیستی محدود و پستی بشمار میآید. کنفرانس چند کشور امریکای لاتین ویژه مسائل مربوط به سیاست آنها در مورد وسائل ارتباط جمعی کشورها بخود و حوضه دریای کارائیب که با پتکارینوسکو در سال ۱۹۷۶ در سن خوزه (کستاریکا) برگزار گردید از سیاست توسعه طلبی و تجاوزکارانه ایدئولوژیک ایالات متحد آمریکا در قاره یشت انتقاد کرد. قرار کنفرانس مبنی بر تاسیس پنگاه خبرگزاری امریکای لاتین که با ایجاد مرکز خبری و اطلاعاتی کشورهای غیرمتعهد همزمان بود موضع مشترک "دنیای سوم" در مسئله "استعمارزدایی اخبار و اطلاعات" را منعکس میکند.

فعالیت ارگانهای خبری کشورهای سوسیالیستی، سازمانهای اجتماعی دموکراتیک بین المللی و ارگانهای مطبوعاتی آنها به افشای تبلیغات امپریالیستی کمک میکند. رفیق برژنف در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به بیستمین کنگره حزب یاد آور شده که: "تفسیرات مثبت در سیاست جهانی و کاهش تشنج امکانها تساعیدی برای انتشار اندیشه های سوسیالیسم بقیاس وسیع بوجود میآورد. ولی از سوی دیگر بر دایدئولوژیک دو سیستم هر چه شدیدتر میشود و تبلیغات امپریالیستی هم ما هرانه تر و دقیق تر میگردد."

در مبارزه میان این دو جهان بینی برای بیطرفی و سازش محلی وجود ندارد. در این جریان هشیاری فراوان سیاسی، کار تبلیغاتی زیاد، فوری و شمر بخش و متع از ضروریات است و مقابله بموقع با خرابکاری های ایدئولوژیک خصمانه را ایجاب میکند. (۲)

امکانات لازم برای تحقق وظیفه ای که بدان اشاره شد، مقدم بر هر چیز، در سرشت عینی جنبش کمونیستی جهانی و جامعه سوسیالیستی، در نیروی پیروزند اندیشه ای مارکسیستی-لنینیستی و در واقعیت سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی که صلح خواهی و دادگری آن برای جامعه بشری به اثبات رسید، نهفته است.

ورشکستگی رفورمیسم بورژوازی و راهی که کمونیست ها پیشنهاد میکنند

ریکو برتروپاولیا
معاون دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست هند و راس

یکی از مسائل عده ای که در سوین کنگره حزب کمونیست هند و راس که چندی پیش برگزار گردید مورد بررسی قرار گرفت، تهیه و تدوین تاکتیک و استراتژی حزب در شرایط تازه ای بود که پس از آنست و رشکستگی خط شی بورژوازی رفورمیستی پیشرفت اجتماعی در کشورها کاملاً آشکار شد، بوجود آمده است رفورمیسم بورژوازی در هند و راس برای نخستین بار به نایب نیروی سیاسی پس از کودتای چهارم دسامبر ۱۹۷۲ به صحنه آمد. دولت نیروهای مسلح که آن موقع تحت ریاست ژنرال لویس آلیانو حکومت را در دست گرفت برنامه ملی پیشرفت یا برنامه دگرگونیهای بنیادی اجتماعی (۱) را عرضه کرد که تحقق آن میتواند پایه های سلطه الیگارشیا را فرو ریزد. الیگارشیا از سالهای ۷۰ قرن گذشته بر کشور ما حاکم است. خط مشی دولت تازه با منافع آن بخش از بورژوازی توافق داشت که خواستار مدرن کردن ساختار اقتصادی و سیاسی جامعه از راه رفورم هائی است که موجب پیشرفت سرمایه داری را فراهم میآورد. حزب ما این بخش از بورژوازی را بورژوازی اصلاح طلب (رفورمیست) و دولت نیروهای مسلح را به نایب دولت رفورمیستی بورژوازی میخواند. از سید آورد، ما آن قسمت هائی از برنامه، دولت را پذیرفته و مورد پشتیبانی قرار داده ایم که جنبه مترقی داشتند و منعکس کننده نیازمندیهای واقعی مردم و منافع جنبش انقلابی هند و راس بطور کلی بودند. در عین حال حزب کمونیست هند و راس هشدار میداد که پروژه ای را که آغاز شده نباید غیرقابل برگشت بشمار آورد و که خطرا حیای حاکمیت الیگارشیا بورژوازی و مالکان بزرگ هنوز از بین نرفته است و بورژوازی رفورمیست در اقدامات خویش پیگیر نیست، متعادل سازشکاری با محافل ارتجاعی است و از تشدید فعالیت سیاسی طبقه کارگر هراسان است (۱). پنج سالی که گذشته است صنعتی و مستدل بودن تذکرات ما را تأیید کرد: دولت لویس آلیانو قادر به انجام وعده هائی نبود که در نخستین مرحله جنبش، ناظران، دهقانان، روشنفکران، دانشجو-

یان، بخشی از بورژوازی صنعتی و بخشی از افسران جزو و ارشد را بسوی وی جلب کرد. در این باره باید شرح بیشتری بدهیم.

(۱) مهمترین قسمت این برنامه اصلاحات ارضی بود که طبق آن ۱۱۰ هزار خانوادۀ روستائی طی مدت پنج سال صاحب ۶۰۰ هزار هکتار زمینی میشدند که از آن مالکان بود و باید مصادره میشد. در برنامه راههای حل مسئله مسکن، بهبود وضع بهداشت، پیشرفت صنایع، مبارزه با بیسوادی و حفظ ثروت های طبیعی و جنگلها هم پیش بینی شده بود.
(۲) رجوع کنید به مقاله: پانچولیا: پروژه گسترش و تعمیق دموکراسی در هند و راس، شماره ۱۱ سئوالات و سوسالیسم شماره ۱۴ سال ۱۹۷۴.

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی)، جلد ۶، صفحه ۱۷۱.
۲ - ل. برژنف، با خط مشی لنینی (بزبان روسی)، جلد ۵، مسکو، انتشارات سیاسی ۱۹۷۶، صفحه ۵۳۳.

پلنوم پانزدهم کمیته مرکزی حزب ما (سال ۱۹۷۴) ضمن تأکید مضمون طبقاتی برنامه، این روش رفت
 به سزاسه برنامه ای که مقدم بر هر چیز یا مانع بهر روزی رفو رمیست تطابق دارد، یادآور شد که هرگاه
 تدابیری که دولت نیروهای مسلح در اندیشه انجام آنها است بطور بیکیفر تحقق پذیرد، مبارزه انقلابی
 نسیقه کارگر، دهقانان و تمام مردم اعتلای تازه ای خواهد یافت. تحکیم سازمانهای اجتماعی نظیر
 سندیکاها، تعاونیهای روستائی و غیره و غلبه بر تفرقه و پراکندگی توده ها (که اقداماتشان تا آن زمان
 جنبه خود بخودی و سازمان نیافته داشت) هم میتوانست از نتایج چنین گام مثبتی باشد. این اقدامات
 اقدامات در عین حال بر ضد آگاهی ضد امپریالیستی و ضد الیگارشئی توده ها، بسط آزادیهایی در مکرانیک
 بورژوازی و لذابهای اعتباری احزاب سنتی سیاسی (لیبرال و ملی) در افکار مردم میانجامید. بهمین سبب
 مادره بسیج مردم به بارزه در راه تحقق هرچه سریعتر اصلاحات ارضی، برگرداندن اختیاراتشته های
 عده اقتصاد که در دست انحصارهای بین المللی بود به کشور، در راه برقراری نظارت شدیدتری بر
 ارزخارجی که در صندوقهای کمپانیهای امریکای شمالی بصورت درآمد ربح و نظایر اینها ته نشین میشود،
 بخاطر لغای امتیازهای اقتصادی یک مشت سرمایه دار و دلال، در راه غنی ساختن احزاب سیاسی و از
 جمله حزب کمونیست که پشتیبان تدابیر دولت و مخالف الیگارشئی و امپریالیسم اند و بالاخره در راه
 پیروی از خط مشی مستقلی در سیاست خارجی بشدت فعالیت میکردیم.

تا کنیک حزب ما عیارت از این است که الیگارشئی سنتی را منفر د سازد، مانع از آن گردد که حاکمیت
 دوباره بدست وی افتد و شرایطی فراهم آید تا نیروهای اجتماعی و سیاسی تازه در حل و فصل مسائلی
 که کشور ما با آنها مواجه است مؤثر واقع شوند. حزب کمونیست هند و راس از دولت لویس آریلیانو
 خواست که علیه الیگارشئی و امپریالیسم تدابیر جدی اتخاذ کند و مردم را به آمادگی و هشیاری فراخواند
 زیرا چپ گرایان افراطی بهیچوجه سلاح را بزمین ننهاده اند. ما از ایجاد جبهه وسیع توده ای به
 اشتراک تمام نیروهایی که در تحقق و تعمیق اصلاحات اجتماعی کنونی ذینفع اند پشتیبانی کردیم. محذب
 در عین حال مبارزه آید لویس کد در تمام رسته های فعالیت خود را بمنظور مقابله با تبلیغات شددید
 راستگرایان افراطی و چپ گرایان افراطی علیه برنامه اصلاحات، تشدد کرد. آنها این برنامه را برنامه
 ای "طرفدار شوروی" اعلام کردند که گویا مالکیت خصوصی را در هم فرو میریزد و به هرج و مرج و آنارشئی
 منجر میگردد.

ولی بورژوازی اصلاح طلب که خیلی دیر در عرصه تاریخ هند و راس پدید آمد فاقد نیروی اقتصاد
 بود و بهمین علت نیز جسارت سیاسی کافی نداشت. این را نیز باید در نظر داشت که این بخش بهر روزی
 در آغاز حتی برنامه ای برای فعالیت خود نداشت. دولت لویس آریلیانو بیش از یک سال وقت خود را
 صرف تهیه و تنظیم برنامه دولت کرد. بورژوازی رفو رمیست، پس از آنکه بالاخره برنامه خود را اعلام
 کرد، قادر انجام آن و جلب مردم بسوی خود نبود و علاوه بر این دستگه اداری سیاسی هم برای سازمان
 دادن اقداماتی در پشتیبانی از برنامه دولت در اختیار نداشت. در نتیجه این، انجام اصلاحات
 اجتماعی به تصمیمات فرماندهی نظامی و در درجه اول باصلاح شورای عالی نیروهای مسلح بستگی
 داشت (هریک از تدابیر مشخص دولت در این شو را مطرح میگردد و به رأی گذاشته میشود). بورژوازی
 رفو رمیست جرات نکرد منافع اقتصادی الیگارشئی مالکان را عمیقاً بخطراندازد. در دستگههایی دولتی
 هم درگونی بوجود نیامد، در نتیجه این هم در تحقق برنامه های آن اغلب عداوت خیر میشد و
 دستگه کهنه دولتی در این کار آشکارا تخریب میگردد.

دولت لویس آریلیانو که از طرف امپریالیسم زیر فشار گذاشته شده بود و از تهدیدهای محاصرت
 نظامی و الیگارشئی کشورهای همسایه (نیکاراگوئه، سالوادور و کواتالا) که نهمه مداخله نظامی به
 بهانه پایان دادن به "هرج و مرج" در هند و راس سرداده بودند به وحشت افتاده بود بسد و ن

فاسحیت عمل میکرد و استواری از خود نشان نمیداد و ناچار از و عده هائی که بر مردم داده بود هرچه
 بیشتر عدول میکرد. بورژوازی رفو رمیست هم از رشد سریع جنبش خلق و خواستههای بازنگری در مناسبات
 مالکیت در روستاها بیم زده بود و از این میترسید که جنبش کارگری که استحکام یافته و پشنتاز سیاسی
 ویژه خود را داشت بعد ها مسئله مالکیت خصوصی را بطور کلی مطرح کند. در نتیجه این بخش
 از بورژوازی علاوه بر برنامه خود را بد و رافکتند و در صدد همکاری با لاتیفونددیستهای محلی و انحصاری بین
 المللی برآمد.

از طرف دیگر باید اعتراف کرد که جنبش دموکراتیک هم بطور کلی در نتیجه عدم کفایت سازمان یافتگی
 صفوفش (از جمله طبقه کارگر و حزب آن) قادر به ریاروئی با فشار و تعرض چپ گرایان افراطی نبود. ما هم
 نتوانستیم راه و خط مشی ویژه خود را که هبارت از ایجاد دولت توده ای دموکراتیک بود بمردم
 پیشنهاد کنیم. چنین دولتی میتوانست در گرو نیهای بنیادی در ساختار جامعه بوجود آورد که فوق
 العاده برای کشور ضرورت داشت و هدف آن در درجه اول لغای سلطه امپریالیستی و الیگارشئی و
 سپس باسانی گذار به ساختار جامعه پیشرفته تری بود. از تجاع با استفاده از این شرایط به حمله متقابل
 پرداخت تا در هر دو سوی که در نتیجه اشتراک روز افزون توده های زحمتکش در آن به خطر جدی برای خود
 سیستم میدل میشد بی ثباتی و تزلزل بوجود آورد. ضرورت مبرم تعویض حاکمیت محافل لاتیفونددیست
 کهنه با حاکمیت پرتحرک تر بورژوازی تازه "پایین شرط که مانع توسعه طلبی نواستعماری یا لات
 متحده امریکان شود در آخرین تحلیل بصورت "تجربه اجتنابی" بسیار خطرناکی درآمد. نفوذ شدید
 سرمایه خارجی بمنظور سرمایه گذاری در اقتصاد کشور آغاز شد، تعویض کارمندان فنی میهن پرست با
 متخصصینی که باربایان خهش و فاداری بودند و از طرح "دسارولیس (۱) پشتیبانی میکردند تحقیق
 پذیرفت. راست گرایان اعصاب بر اه اختند، به دسیسه و توطئه آشکار سیاسی دست زدند، گروهبان
 نیمه نظامی سازمان دادند که قتل رهبران کمونیست و دموکرات را بعهده داشتند، به ضرب و جرح
 کارگران و دهقانان (تالانکرا و لپاگوره) و حتی روحانیون پرداختند و بکم اعصاب شکن ها تعاض
 های روستائی و سندیکاها را با این بهانه که آنها گویا "شیخ اقدامات خرابکارانه" بوده اند مورد حمله
 وفارت و چپاول قرار میدادند (مانند رویدادهای ایستاس و پاسو ترانسکو). مرجعین که با مقاومت
 جدی تودهای زحمتکش رو بر میشدند ب تبلیغات شدید ضد کمونیستی که از روشهای رایج دوران جنگ
 سرد بود متوسل میشدند. این تبلیغات که بشکل لازم تدارک شده و بطور سخاوتندانه ای از لحاظ
 مالی تامین شده بود به نوعی "جنگ صلیبی" علیه نیروهای دموکراتیک میدل شد. هرابکار متوسقی
 بمنزله خرابکاری که هدف از آن حمله به مالکیت خصوصی مقدس است از این میگردید. هرگز نه
 تدبیر اصلاح طلبانه ای "مردمداری ساده لوحانه" اعلام میشد و هر آنچه به برنامه ملی نیروهای مسلح
 مربوط بود (به ویژه اگر آنها را تدابیر مثبتی بشمار میآوردند) سو ضد علیه حقوق انسانها، تهدید
 مالکیت خصوصی و "مدل طرفدار شوروی" خطرناک قلمداد میگردد. تفرقه ورانگی نیروهای
 توده ها و فقدان جبهه گسترده توده ای که نه فقط بدفاع از دست آورد های مردم برمیخاست، بلکه
 سد نیرومندی در مقابل توطئه گران میبود، عملیات کسانی را که دست اندر کار تدارک کودتای فاشیستی
 بودند تسهیل میکرد.

دولت لویس آریلیانو که پشتیبانی توده های مردمی را که خود را فریب خورد میدانستند از دست

۱ - اصطلاح "دسارولیس" از کلمه اسپانیائی Desarrollo بمعنی سیاست ایالات متحده
 امریکاد کشور های وابسته است و هدف آن حفظ نظارت و کنترل امپریالیستی در این کشورهاست.
 اساس "دسارولیس" را آن تئوریهای آیدئولوژیهای امپریالیسم تشکیل میدهد که خواستار چنان تغییراتی
 در اقتصاد کشورهای کم رشد است که شرایط مساعدتری برای رسوخ سرمایه انحصاری بوجود میآوردند.

داده بود و تضاد های درونی آنرا تضعیف کرد* بود ۲۱ آوریل سال ۱۹۷۵ از کار برکنار شد* دولت با اصطلاح سرهنگ ها که ملگرا کاسترو در رأس آن بود زمام امور برادر دست گرفت* این اقدام نخستین حلقه توطئه سیاسی بود که از طرف راستگرایان افراطی و انحصارها بنظور تخریب در پیرو سه* رفم بورژوازی سازمان داده شده بود* ملگرا کاسترو با پیروی از خط مشی دست یافتن به اصطلاح رشد اقتصادی از ایجاد دگرگونی بنیادی در ساختار جامعه صرف نظر کرد* اصلاحات ارضی که استوار سیستم تازه* استفاده از زمین را شامل میشد بقدریج به اصلاحات در "کشاورزی" مبدل شده که علا چیزی بد هفنان نمود* تحقق برنامه هائی که دولت سابقا برای رشد و تکامل صنایع ذوب فلز، ساختار مؤسسات شیمیائی، افزایش تولید شیشه* جام و استخراج معادن غیر فلز در نظر گرفته بود متوقف گردید* صرحهای ایجاد مجتمع های تولید انرژی از آب در آلکایون، مرکز توربینی، تورنا سال، ساختمان کارخانه های تولید کاغذ و غیره بسود کمپانیهای خارجی تغییر کرد* دولت م* کاسترو وابستگی کشور برادر نتیجه* سو* استناد از وام های اسارت آوری که سرمایه* امریکای شمالی میدهد تشدید کرد* هند و راس در حال حاضر پیش از هر وقت دیگری در طول تاریخ خود مقروض است* (۱)

این امر با امریالیسم امکان میدهد شرایط خود را بکشور ما تحمیل نماید و برنامه های پیشرفت آنرا در جهت دیگر بسود انحصارهای ایالات متحده* امریکا سوق دهد* امریالیسم در ردیف خواسته های دیگر خود روی کاهش هزینه های دولت از طریق اخراج دسته جمعی کارگران و کارمندان از کار و افزایش مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم، برقراری حداکثر سطح درآمد نقدی برای بنگاه های دولتی که از اعتبارات خارجی استفاده میکنند و نظایر این اقدامات اصرار میورزد* هدف و مقصود نهائی از تمام این خواسته های است و آن تأمین بازپرداخت وامها و ربح مترتب بر آنهاست* بدین ترتیب شرایط برای رسوخ هرجه بیشتر سرمایه* امریکای شمالی در کشور ما فراهم میگردد*

بدینگونه کنونی تحت فشار تاج خارجی و داخلی به تضییق و فشار و اقدامات فیرد موکراتیک دست میزند و از شعار مبارزه علیه "خطر کمونیسم" و طبع "نفوذ حزب کمونیست هند و راس در ارگانهای دولتی و ارتش" همانند دستاویزی استفاده میکند* تبلیغات شدیدی که طی ماههای اخیر علیه "افسران نمونیت" آغاز شده است، جزئی از برنامه ارتجاع بنظور ایجاد بدگمانی و سو* ظن، کاهش تم نفاق و تحریک میان اعضای شورای عالی نیرو های مسلح، ایجاد تفرقه هرانگدی، برکنار ساختن افسران مترقی که به برنامه رفورم و فادارمانده اند و تحکیم صفوف ارتشیان مرتجع و گروههایی است که میخواهند روحیه تسلیم و رضاد برابر الهتاری و پنتاگون راد ارتش زنده کنند*

حزب کمونیست هند و راس بر این عقیده است که بخشی از نظامیان در آینده ممکن است به مردم بپیوندند* ولی امروز آن دسته از افسران غالب آمده اند که طرفدار سیاست نواستعماری اند که بکسک لیدرهای زرخیدی از قبیل رهبران سابق اتحادیه های بوروکرات منش و پرورش یافته* مؤسسات امریکائی پیشرفت سندیکالیسم آزادی اعمال میشود*

بدین ترتیب دیده میشود که بورژوازی اصلاح طلب (رفورمیست) در هند و راس محدودیت امکانات سیاسی خویش را نشان داد: پیرو سه* گسترش موکراسی که وسیله لیدران آن باتر و لاسرز تحقق مییافت میوقف شده است* خطر حاکمیت رسیدن دولتی فاشیستی، نظیر آنچه در سایر کشورهای امریکای مرکزی اتفاق افتاد، پدید آمده است و تضییق و فشار ممکن است تشدید گردد* بهمین سبب است که سومین کنگره حزب ماد رماه به سال جاری تشکیل شد باین نتیجه رسید که تجدید نظر در خط مشی سیاسی کمونیستها* ضرورتی فوری و فوری مبدل شده است*

(۱) در سال ۱۹۷۶ اقراض دولت به ۵۲ درصد محصول سرانه ملی بالغ گردید*

دیو نیسیو راموس بهارانو در بزرگ کمیته* مرکزی حزب ماد رگزارش خود به کنگره ازد و خط مشی متضاد برای آینده کشور ما سخن گفت: یکی مشی دشمنان خلق ما امریالیسم و الیگارش بورژوازی و مالکان که در تلاش اند تا ساختار کنونی اقتصادی و سیاسی را حفظ کنند؛ دومی مشی توده های مردم که خواستار ایجاد تغییرات بنیادی در اقتصاد کشور و تحولات اجتماعی - سیاسی مترقی اند* بسیاری تحقق پیگیری می توده های مردم انجام انقلاب ضد امریالیستی، ضد الیگارش، دموکراتیک و خلقی ضروری است* (در برنامه ای که به تصویب کنگره* سوم حزب کمونیست هند و راس رسیده هده فها و وظایف مشخص این انقلاب بدقت معین شده است)* با اپرزی از چنین استراتژی که برای مدت کم و پیش طولانی در نظر گرفته شده است، در عین حال معتقدیم که همین امر و زیاید راه و شیوه دیگری را یافته که برای خروج از بحران سیاسی کنونی شرایط و امکان فراهم آورد و مردم را برای مبارزات شدید و فاطم آماده سازد*

کنگره* سوم مادر شرایطی که پیرو سه* رفورم بورژوازی به بن بست رسیده و دولت نیرو های مسلح ارج و اعتبار خود را از دست داده، انجام انتخابات همگانی دموکراتیک را پیشنهاد کرد، اشتراک توده های مردم در چنین انتخاباتی امکان میدهد تا نیروی محافظ ارتجاعی که در تلاش برقرار ری رژیم فاشیستی اند مانع بعمل آید* علاوه بر این انتخابات به انجام بحث و مذاکره* آزاد و دموکراتیک مسائل اجتماعی و راههای حل و فصل آنها که از طرف طبقات مختلف، اجتماعی و احزاب سیاسی از جمله حزب کمونیست هند و راس پیشنهاد میشود، کمک خواهد کرد*

مادر ضمن خواستار تصویب لایحه* مبسوط قانون انتخاباتیم و قانونی که بر اساس آن تمام احزاب سیاسی ام از به ثبت رسیده یا به ثبت نرسیده و تمام سازمانها و همچنین کاندید های مستقل بتوانند در انتخابات شرکت کنند* ما خواستار لغو قوانین غیر دموکراتیک و مانع از تسلسل بزور، تقلب و جعل و تحریف در جریان رای گیری هستیم*

حزب کمونیست هند و راس در عین حال تمام کسانی را که خواستار تجدید سازمان نیرو های دمو-کراتیک و توده ای اند و از جمله نمایندگان کلیسا و ارتش را به کوشش در راه ایجاد جبهه* واحد، تشکیل مجلس مو* سسان و تهیه و تنظیم قانون اساسی (برای تثبیت دگرگونی بنیادی اجتماعی و دمو-کراتیکی که تاکنون تحقق یافته) فرامیخواند* ما از ایجاد بلوک نیرو های اجتماعی و سیاسی که تشکیل یک دولت دموکراتیک، بر پایه* اجتماعی گسترده ای را برای مردم تأمین کند پشتیبانی میکنیم* وظیفه* چنین دولتی عبارت از اتخاذ تدابیر فوری برای حل و فصل مسائل بحرانی خواهد بود که کشور ما با آنسهارو پرواست؛ تحقق دگرگونی بنیادی در ساختار جامعه که هنوز هم بصورت ضرورت تریخی پیشرفت با بقوت خود باقی است، از جمله* این مسائل است*

ما با طرح این مشی استراتژیک در عین حال میدانیم که ممکن است شرایط غیر منتظره ای پدید آید که تغییر و تحول تاکتیک ما را ایجاب کند* از جمله این راه غیر ممکن میدانیم که فعالیت گروههای هرج و مرج طلب راستگرا و چپ گرای افراطی آنها را بر اه ترور بکشاند* ما با توره فقط باین سبب مخالفیم که اقدامات نیرو های زورگو و دستگیر تسهیل میکند، بلکه مقدم بر هر چیزی باین دلیل که مانع اقدامات ساز-مان یافته* توده های میگردد و به ایجاد محیط نامساعد برای مبارزان راه خلق کمک میکند*

تجربه* طولانی و تلخ ما گواه بر این است که شهادت عزم و اراده برای تحقق آنچه مطلوب ما است به واقعیت کلیت نمیکند* به نسبت بسط و تکامل مبارزه* طبقاتی همچنین می باید با در نظر داشتن وظیفه* ایجاد حزب به کرد آوری نیرو پرداخت؛ آنها هم حزبی که بنا بگفته* لنین توانائی آنها داشته باشد که در رأس جنبش قرار گیرد و با مهارت عملیات اعتراض اجتماعی راهبری کند و مبارزه در

راه نیازمندیهای حیاتی مبرم را به خواستههای باضمون بزرگ اجتماعی به مبارزه ای عظیم در راه دمو-
کراسی، ترقی اجتماعی، استقلال ملی و سوسیالیسم مبدل نماید.
ما کمونیستهای هند و راس همانطور که در قطعنامه سیاسی سومین کنفرانس حزب ما نشان داده
شده، از آزادیهای جدی متحد تر بد رأیدیم. ما بیش از هر زمان دیگری یقین داریم که حزب ما با اتکا به
پشتیبانی و همبستگی جنبش بین المللی کمونیستی، در پی از خود به هدفهای بزرگ و تاریخی که در مقابل
خود دارد دست خواهد یافت.

پاسخ به نامه يك دوست

نامه ای بتاريخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۷ از یکی از خوانندگان نشریه مابعد ترجمه رسیده است. نویسنده
نامه پس از قدردانی از کارهایی که انجام میشود چند مسئله را هم بشرح زیر مطرح کرده است:

- ۱- در متن مقاله‌های لغاتی برخورداره میشود که فارسی نیست و خواننده ایرانی را دچار اشکال و سردرگمی میکند.
- ۲- نویسنده از ما خواسته است تاریخ اولین انتشار هر مقاله ای کترجمه شده و منبع اصلی آنرا در انتها یا ابتدا ی مقاله ذکر کنیم.

باتشکر از خواننده ارجمند مجله با اطلاع ایشان و تماخ خوانندگان میرسانیم که ما نیز تجد اکثر
کوشش را بکار میبریم که تا آنجا که ممکن است از لغات و اصطلاحات فارسی استفاده کنیم و واگر
در متن مقاله‌ها بکلماتی برخوردار میشود که فارسی نیست و صرفاً باین دلیل است که یا آن
کلمه خارجی است و دیگر در زبان فارسی هم معمول و متداول شده است و یا آنکه معادل فارسی
معروف آن تاکنون بوجود نیامده است. در آینده هم ما کوشش خواهیم کرد تا حدود امکان
معنی لغات مشکل و نامأنوس نوشته شود.

در همین حال ما خوانندگان مجله و سایر انتشارات حزب توده ایران را به مطالعه نشریه
"واژه های سیاسی و اجتماعی" از انتشارات حزب توده ایران که چند سال پیش انتشار
یافته راهنمایی میکنیم.

تاریخ انتشار و منبع مقاله هایی که در مجله "مسائل بین المللی" درج میشود همه آنها
ترجمه از مقالات مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" است. هفت جلد هر شماره مجله قید
شده است.

در پایان یادآور میشویم که اگر خوانندگان این مجله سئوالاتی در حدود مضمون و مطالب
مجله ما داشته باشند وسیله نامه با ما در میان بگردانند. ما با نهایت میل به آنها جواب
خواهیم داد.

مسابقه تسلیحاتی بچه قیمتی تمام میشود

در این اوایل صفحات مطبوعات و گزارش های مراکز پژوهشی و سازمانهای اجتماعی اخبار
نگرانی آرزوی انتشار مییابد که حاکی از آن است که کشورهای امپریالیستی بدون توجه به توافق هایی
که تاکنون در مورد محدود ساختن و قدغن کردن انواع معیض از سیستم های تسلیحاتی بدست آمده به مسابقه
تسلیحاتی ادامه میدهند. هزینه ای که صرف تسلیحات میگردد هم اکنون از رقم واقعاً نجومی ۳۵۰
میلیارد دلار تجاوز میکند.

به آتش این سیاست که با خطرناکترین پی آمده های صراحت صلح جهانی همراه است محسافل
امپریالیستی ایالات متحده آمریکا امن میزنند. تا بهستان سال جاری مجلس نمایندگان کنگره آمریکا بودجه
نظامی سال مالی آینده را بمیزان ۱۱۰ میلیارد دلار تصویب رسانید. با توجه به بودجه و اعتباراتی
که از طرف سایر و اثر موسسات برای ایجاد پایگاه سلسله سیستم های تازه تسلیحاتی و ساختمان های
نظامی ویژه هشیهای نظامی قبلاً تصویب رسیده بود چه کل ایالات متحده آمریکا در سال مالی ۱۹۷۸ به
بزرگترین رقم در طول تاریخ کشور یعنی به ۱۱۸ میلیارد دلار بالغ میگردد.
بجای آنکه یادآور شویم که در سال ۱۹۴۵ بودجه نظامی ایالات متحده آمریکا ۱۲ میلیارد دلار بود.
بدین ترتیب در حال حاضر این بودجه تقریباً ده برابر شده است.

افزایش مستمر هزینه های نظامی از ویژگیهای تمام کشورهای ناتواست. کشورهای سوسیالیستی
هم در مقابل تدارکات نظامی محافظ امپریالیستی ایالات متحده آمریکا و تمام کشورهای ناتوان چارند مبالغ
چشمگیری برای تقویت قدرت دفاعی خویش به صرف برسانند. علاوه بر اینها مسابقه تسلیحاتی با سنگینی
بدون خلقهای کشورهای در حال رشد است.

توپ بجای نان موشک بجای مدرسه

بطوریکه از آمار و ارقام موجود برمیآید در دنیا معاصر ۸۰۰ میلیون بیسواد وجود دارد. نیم میلیارد
انسان در گرنگی دائمی بسر میبرند. در ضمن پولی که بصرفه تسلیحات و نیروهای مسلح میرسد
تقریباً دو سوم مجموع محصول ناخالص ملی کشورهای است که رویه گرفته نمیشود از افراد جامعه بشری را
در بر میگیرند و اینها فقیرترین گروشنترین افرادی روی زمین اند که هیچگونه دسترسی به مدرسه و تحصیل
ندارند. کارشناسان حساب کرده اند که با هر ۱۰۰ میلیارد دلاری که بصرفه تسلیحات میرسد
یعنی تقریباً با پنج ششم مبلغ رسمی اعلام شده ای که امروزه در ایالات متحده آمریکا برای تسلیحات
خرج میشود (۱) میشد:

۱- اینجاقصص صحبت از بودجه رسمی نظامی است. ولی تجربه نشان میدهد که این بودجه هیچوجه
نظان دهنده تمامه بلغی که صرفه تسلیحات میشود نیست. بطور مثال معلوم شده است که هزینه لازم برای
تعمیر و نگهداری موتور نه از بودجه پنتاگون بلکه از بودجه اداره پژوهشها و طرحریزی انرژی مینماید. است.
(مانند زیر نویس در صفحه بعد)

۳۰۰ نیروگاه برق که قدرتهای آنها ۱۲۰ هزار کیلووات باشد، ساخت و
 ۳۰۰ پالایشگاه و کارخانه تولید مواد نفتی بوجود آورد که هر یک سالانه ۲۵۰ هزار تن نفت
 را تصفیه کرده و مورد استفاده قرار دهد و
 ۱۰۰۰ کارخانه کود شیمیائی تأسیس نمود و
 ۲۰۰ کارخانه تهیه کافورک مصنوعی که قدرتهای آنها ۲۵ هزار تن باشد، ایجاد کرد و
 ۱۶۰۰ کارخانه قند ساخت که هر ساله همانقدر قند تولید کنند که در سال ۱۹۵۸ در تمام
 جهان تولید گردیده است.
 در جدول زیر ما چند نمونه از آنچه را که میتوان با امتناع از تولید این یا آن سلاح ایجاد کرد شرح می
 دهیم (رجوع کنید به جدول شماره ۱)

جدول شماره ۱

نوع سلاح	قیمت تقریبی به میلیون دلار	هزینه های معادل آن برای تحقق هدف های عام النفعه
بمب افکن	۸۰	۱۶ بیمارستان
زیر دریایی اتن ازنوع "تراوینت"	۱۵۰۰	۴۱۶ مدرسه
موشک تازه پیمنا	۱۵-۲۵	۵۰۰ کلاس درس
ناو هواپیما بر	۱۰۰	۱۰ هزار آپارتمان

مبارزان راه صلح در جمهوری فدرال آلمان در نشریات خود ارقام جالب زیر را هم میآورند:
 تانک تازه "لغویارد" ۲ به بهای ۳۶ منزل سه اتاقه تمام میشود. یک پایگاه موشک "لانگسیر"
 همانقدر هزینه بر میآورد که تا همین مسکن و وسائل تحصیل ۳۲ هزار دانشجو در ظرف یکسال و یک دوره
 تعلیمات نظامی گردان تانک همانقدر خرج دارد که ساختمان ۲۸ باغ کودکان. کارشناسان حساب
 کرده اند که برای ریشخند ساختن بیماری مالاریا در سراسر جهان ۴۵۰ میلیون دلار لازم است ولی در
 برخی نقاط تقریباً نیمی از مبلغی که روزانه خرج تسلیحات در جهان میشود برای انجام این کار کافی
 است. فقط ۸ میلیارد دلار برای تأمین اهالی کشورهای در حال رشد با مواد غذایی ضروری است و این
 در حالی است که در این کشورها هم اکنون بخش چشمگیری از اهالی در گرسنگی بسر میبرند. بیست و
 دو میلیارد دلار در سال یعنی تقریباً همانقدر که ایالات متحد آمریکا هر ساله بصرف سلاح های
 استراتژیک میسراند برای غلبه بر گرسنگی، بیسوادی و خطرناکترین بیماریها کافی است.
 کارتهای مسابقه تسلیحاتی وین از آن خلع سلاح عمومی و کاملی است که آنچه که اتحاد شوروی
 و سایر کشورهای سوسیالیستی بطور پیگیر با قاطعیت خواستار آنند، فقط معنی بهره برداری از معادل
 ۳۵۰ میلیارد دلار هزینه های نظامی کنونی نیست. خلع سلاح عمومی و کامل علاوه بر اینها امکان میداد
 که از ذخایر عظیم ثروت های گوناگون نظامی که بهای آنها خیلی بیشتر از ۵۰۰ میلیارد دلار است
 (تکیه الکترونیک و ماشین های محاسبه و اتومبیل ها و وسائل بارکشی، ساختمانها و وسایل فرودگاهها
 و نظایر اینها) برای مقاصد مسالمت آمیز استفاده شود.

مسئله زیرین ارضه پیش

مطهرات ایالات متحد آمریکا بدین بنا نسبت تأیید میکنند که حجم واقعی زمینهای نظامی از بودجه
 پنتاگون تقریباً ۶۰ میلیارد دلار بیشتر است.

بیش از ۲۵ میلیون انسانی که اینک در نیروهای مسلح کشورهای مختلف خدمت میکنند و همچنین
 ۲۵ میلیون نفر دیگری که بدین یا بدین ترتیب برای برآوردن نیازهای نظامی کار میکنند میتوانستند
 به انجام کارهای شریف یا زنگردند. بالاخره این امکان بوجود میآید که موسسات نظامی و کارگاههای
 صنعتی و کارخانه های آنها و وسائل و لوازم مدرن و معاصرشان بسیر کارهای مسالمت آمیز
 افتد و در ضمن برای جلب آن ۲۵ درصد از کادریهای علمی که امروز سرگرم پژوهش های نظامی اند مدد پس
 منظور تقریباً ۴۰ درصد تمام بودجه ای را که در جهان صرف کارهای پژوهشی میگردد بدو اختصاص
 داد و اندک شرایط لازم فراهم میآید.

حساب شده است که طی دو دهه اخیر تقریباً ۵۵۰۰ میلیارد دلار (با در نظر گرفتن بهای ثابت
 دلار در سال ۱۹۷۶) بصرف مقاصد نظامی رسیده است. برای مقایسه یادآور میشوم که مجموعه کمک
 اقتصادی به کشورهای در حال رشد از مجاری دولتی در سال ۱۹۷۶ از ۱۰ میلیارد دلار کمتر بود. ما
 همانطور که دولت اتحاد شوروی بارها خاطرنشان کرده است، هرگاه بودجه ای را که بصرف تسلیحات
 میرسد در راه انجام نیازهای شریفش خرج کنیم ممکن خواهد بود که در کوتاه ترین مدت تنها اقتصاد
 کشورهای در حال رشد آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را تا سطح کشورهای صنعتی پیشرفته کنونی ارتقاء
 بدهیم.

گرمی بازار صنعتی نظامی بسود کیست

ولی باید بگوئیم که صحبت تنها بر سر مزایای مستقیم نظامی نیست. در گریه های نظامی که حالا دیگر
 مدتهاست خاتمه یافته اند، تا امروز هم سهان بودجه کشورهای هستند. زیرا برخی از دول ناچارند قرضه
 های دولتی خود بوجه آنها و حقوق بازنشستگی به افراد شرکت کنند. در جنگها و بیوفی های شهید شدگان
 را بپردازند (۱). طبق محاسباتی که انجام شده، بطور مثال جنگ ویتنام حداقل تا نیم قرن دیگر در
 بودجه دولتی ایالات متحد آمریکا مؤثر خواهد بود. برای مقایسه در زیر به درج جدولی میپردازیم که
 تناسب میان هزینه های مستقیم نظامی و تخمین کلی (نهائی) ایالات متحد آمریکا در جنگ اخیر را
 نشان میدهد (رجوع کنید به جدول شماره ۲)

جدول شماره ۲

بخش ورود و درگیری نظامی	هزینه های نظامی مستقیم	هزینه های تخمینی نهائی
نخستین جنگ جهانی	۲۶ میلیارد دلار	۱۱۲ میلیارد دلار
جنگ جهانی دوم	۲۲۸	۶۶۴
جنگ کره	۵۴	۱۶۴
جنگ ویت نام	۱۲۸	۳۵۲

۱ - ما فقط چنین محاسبات جهانی را تخمین نمیکنیم. ولی یکی از ریاسالاران بازنشسته آمریکا حساب
 کرده است که دو هزار سال پیش از این هر که تمامی برای زول سزار به طور متوسط ۷۵ سنت تمام میشد. برای
 ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۰۰ بهای پت سرباز کشته شده دشمن، دیکریه سه هزار دلار میزد. در
 نخستین جنگ جهانی ایالات متحد آمریکا برای نابود ساختن هر سرباز خصم ۲۱ هزار دلار در جنگ جهانی
 دوم ۲۰۰ هزار دلار خرج کرده است.

هزینه ساختمان و تولید سلاح هم بطور مداوم رو به افزایش است. و زیرسلاح های معاصر بسا سرعت فوق العاده زیادی از لحاظ فنی عقب میماند. حد متوسط دوام يك هواپیمای جنگی ساموشك حالا از ۵ تا ۷ سال بیشتر نیست. و زنجیر تازه سلاح بغرنج تر و گران تر از سلاح مابقی است. ما سنذكر چند نمونه میبریم از قیمت هواپیمای شکاری امریکایی در سالهای جنگ جهانی دوم تقریباً ۵۳ هزار دلار بود و ولی در سال ۱۹۷۲ هواپیمای شکاری جدید ۱۸ میلیون دلار تا میسرشد. هواپیمای بمب افکن در سالهای ۱۹۴۰-۱۹۴۵ ۲۱۸ هزار دلار ارزش داشت ولی در سال ۱۹۷۲ بهای آن به ۳۰ میلیون دلار رسید. بمب افکن جدید "ب-۱" ۸۰ میلیون دلار و "بوئینگ ۷۰۷" کسه با وسایل ویژه ای مانند هواپیمای سوپراسونیک بارادار میچیز است و ویژه فرماندهی است ۱۸۰ میلیون دلار قیمت دارد.

پیشرفت تکامل انواع جدید سلاح های کشتار جمعی که اینک بمب نوترون و موشک بالهداری که چندین میلیون دلار صرف تهیه آنها میشود و آخرین نقطه اعتدالی آنها است جنگه را بطور قاطع به گوسید یا ابحاء جنایت بار اهلای پشت جبهه مبدل میسازد. چه کسانی در چنین پیشرفت و تکاملی ذینفع اند؟ پیش ازین از تولید سلاح در جهان سرمایه داری در اختیار گروه کوچکی است که مجموعاً ۲۰-۳۰ شرکت انحصاری را در بر میگیرد. میزان درآمد و سود موسساتی که سلاح تولید میکنند بیش از موسسات دیگر است. در ایالات متحده امریکا این نوع موسسات در درجه اول عبارتند از موسسات عظیمی نظیر "لوکهد" "جنرال الکتریک" "بوئینگ" "ماک و نل" "دوگلاس" و در جمهوری فدرال آلمان "سراسمیت بلکوف بلوم" "زیمنس" و "تلفونکن". میزان درآمد موسسات بزرگ ایالات متحده امریکاه که محصولات غیر نظامی تولید میکنند در سال ۱۹۷۳ نزدیک به ۱۰ درصد بود و در حالیکه سود کپانسی های کنگارشان تولید اسلحه است از ۵۶ درصد هم بیشتر بود. در سال ۱۹۷۲ یعنی زمانی که مخارج ایالات متحده امریکا از ۱۰۰ میلیارد دلار بیشتر نبود و سود کلی مجتمع صنایع نظامی ۴۸ میلیارد دلار بود. عملاً از هر دو دلار که مالیات دهندگان امریکایی برای نیروهای مسلح پرداخت کرده اند، يك دلارش بگاوهند و قبای گردانندگان مجتمع های صنعتی - نظامی سرازیر شده است.

درواقع به همین علت هم مجتمع صنعتی - نظامی اینک نقش سردمدار اصلی افزایش تشنج بیسن-المللی را ایفا میکند. ارتش کاملی از میلیتین و کلای مدافع و ژنرالها و دانشمندان در اختیار دارد که ضرورت مسابقه تسلیحاتی را "بائثبات میسرسانند" و مانع پیشرفت مذاکرات خلع سلاح اند. تبلیغات گسترده ضد کمونیستی را دامین میزنند و تلاش دارند به مردم عادی در جهان سرمایه داری بیم و هراس از "تهدیدات و خطری" که گویا از جانب اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی متوجه آنها است تلقین کنند و القا شبهه نمایند که این همل آنها را بصر پول مالیات دهندگان برای تولید سلاح های هرچه گرانتر و جنایت بارتر و امیدارد.

يك زنجیر دیگر امپریالیستی

صدا و اسلحه نیز یکی از منابع جدی سود انحصارها است. اگر در سال ۱۹۶۳ حجم کلی صدور اسلحه برای سود جوش ۴ میلیارد دلار بود در سال ۱۹۷۳ ۸٫۷ میلیارد دلار بود در سال ۱۹۷۵ فقط مجتمع صنعتی - نظامی ایالات متحده امریکا ۹٫۳ میلیارد دلار اسلحه به خارج صادر کرده است. ایالات متحده امریکا بزرگترین صادرکننده اسلحه است و به بیش از ۷۰ کشور جهان اسلحه صادر میکند. اختیارات نظامی بخش اعظم بودجه ای را تشکیل میدهد که امریکا طبق برنامه "کک" بکشورهای دیگر اختصاص داده است. در دوران اخیر خسار و نرزدیک به مصرف کننده اساسی سلاحهای امریکائیس

مبدل شده است و در ضمن بخش قابل ملاحظه ای از این سلاحها به اسرائیل داده میشود. بطور مثال در سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۶ بهای اسلحه ای که امریکاه اسرائیل داده و بمیزان زیادی بیشتر از چهار میلیارد دلار بوده است. انحصارهای امریکائی سفارشات هم از کشورهای خلیج فارس دریافت داشته اند که میلیاردها دلار تا میسر میشود. در سال ۱۹۷۴ بیش از نیمی از سلاحهای صادراتی امریکا به این کشورها فروخته شده است. پس از امریکا، فرانسه و انگلستان از بزرگترین صادرکنندگان تسلیحات اند. کسرن های آلمان غربی هم در سالهای اخیر در این رشته بمیزان زیادی بر فعالیت خود افزود مانده اند و نیمی و غنا و سودان کارخانه های اسلحه سازی ایجاد میکنند. اسرائیل هم سلاحهای خود را بکشورهای دیگر صادر میکند. طبق اخبار مطبوعات صد وراسلحه از اسرائیل به حدودی رسیده است که آنرا در ردیف کشورهای رژیم های نواد پرست جمهوری آفریقای جنوبی ورود زیا است.

اسلحه سازی اسرائیل رژیم های نواد پرست جمهوری آفریقای جنوبی ورود زیا است. تحویل روزافزون سلاح به بسیاری از کشورهای در حال رشد و مقدم بر همه به کشورهایی که دارای رژیم های ارتجاعی اند. دامن زدن بماتش اختلافات و تشدید مسابقه تسلیحاتی در این بخش از جهان دردست امپریالیست ها وسیله ای برای وابسته ساختن کشورهای در حال رشد به کشورهای نواستعماری و امپریالیستی است.

مصارف مسابقه تسلیحاتی طی ۲۰ سال اخیر در کشورهای در حال رشد به ۴۲۴ میلیارد دلار رسیده و دویهارس بر متر از زیربنای اقتصاد ای این کشورها رشد میکند. سهم کشورهای در حال رشد در صرف هزینه در راه مقاصد نظامی ۱۴ درصد است. این هزینه برای آنها باری طاقت فرسا است و مانع عظیمی در سر راه پیشرفت اقتصاد و فرهنگ آنها و تحقق برنامه های عظیم اجتماعی یعنی تمام آنچه است که اهلای این کشورها باید ان نیازمندند.

برغم اظهارات عوام فریبانه و تبلیغاتی، تسلیحاتی نفع مادی برای کشورهای در برندارد و بطور مثال زحمتکشان کشورهای پیشرفته صنعتی و طرفداران صلح در جمهوری فدرال آلمان بارها تا کینسد کرده اند که تا آغاز مسابقه جدید تسلیحاتی عملاً در جمهوری فدرال آلمان بیکاری وجود نداشت. يك گروه تحقیقاتی از دانشجویان میسیون چندی پیش بکله دانشمندان مشهور اقتصاد دان به ایسن نتیجه رسیده که هر يك میلیارد دلار که صرف هزینه های مسابقه تسلیحاتی میگردد فقط سی و پنج هزار فرصت کار بوجود میآورد در حالیکه اگر این مبلغ در رشته های غیر نظامی صرف میشد بکله آن انجام اقدامات زیر امکان پذیر میگردد:

- ۱۵۰ هزار فرصت کار برای کارگران غیر متخصص و یسا
- ۱۰۰ هزار فرصت کار برای معلمین و یسا
- ۷۶ هزار فرصت کار برای ایجاد شبکه های خدمات اجتماعی شهری و یسا
- ۵۰ هزار فرصت کار برای ساختمان مدارس.

هزینه های هتکته غیر تولیدی که دولت های کشورهای سرمایه داری بصرف تسلیحات میسرانند به افزایش و ام های کشورهای انجامد و یکی از مهمترین علل توری است که اینک در بسیاری از کشورهای سرمایه داری به ۱۲ تا ۱۵ درصد در سال میرسد. بالا رفتن قیمت ها و بحران شهرها و بهداشت و آموزش و پرورش هم به هزینه های نظامی وابسته است. تمام این ها ببار سنگینی بر دوش توده های

زحمتکش است .

بهمین سبب صدای کسانی که دولت‌ها را به برداشتن گام‌های مشخص در راستای محدود ساختن تسلیحات و تحقق خلع سلاح فرا می‌خوانند هرچه رساتر بلندتر می‌شود . موضع پیگیر اتحاد شوروی و کشور های جامعه سوسیالیستی طرفداران هرچه بیشتری پیدا میکند . این موضع همانطور که رفیق برژسف در بیورکل حزب کمونیست اتحاد شوروی و در رهیت رئیس شورای عالی اتحاد شوروی گفت عبارتست از اینکه " . . . هیچ کانون خطر جنگی وجود ندارد که اتحاد شوروی در ازین بردن آن از راه مسالمت آمیز نینفع نیابد . هیچ نوع سلاحی و مقدم بر همه سلاح کشتار دهنده جمعی نیست که اتحاد شوروی آماد محدود ساختن و یا غدن کردن آن بر پایه تفاهم متقابل و طبق توافق با دیگر کشورها نباشد تا بدینوسیله بعد ابکلی ازین برده شود " (۱) .

این آمار و ارقام در رپوروی آمار و اطلاعات مجله بر پایه انتشارات روزنامه ها و مجلات مختلف تهیه شده است . بدینقرار :

"Unzere Zeit" و "Marxistische Blätter"
(جمهوری فدرال آلمان)

"Labour Today" (ایالات متحده آمریکا)

"New Scientes" (انگلستان)

"100+1 zahranični zajimavost" (جمهوری سوسیالیست چکوسلواکی)

و کوریر یونسکو .

مجله "مسائل بین‌المللی" که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد ، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد .
مندرجات این مجله از میان مقالات مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و متمسک کننده نظریات و اندیشه های آنانست ، انتخاب و ترجمه میشود .
در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۱۱ و ۱۲ (نوامبر - دسامبر) سال ۱۹۷۷ مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" چاپ رسیده است .

**PROBLEMS OF
PEACE AND SOCIALISM**

Theoretical and Information Journal of Communist
and Workers' Parties throughout the world

1977 No. 11 12